

انتشارات أنصار امام مهدی (علیه السلام)

# احمد موعود

پیوند دهندهی رسالات آسمانی و کشتی  
نجات برگزیدگان

(نسخه تصحیح شده)

علاء سالم

چاپ اول

۱۴۳۳ هـ - ۲۰۱۲ م

برای آگاهی بیشتر در مورد دعوت سید احمد الحسن علیه السلام

می توانید به سایت اینترنتی ذیل مراجعه کنید:

[www.almahdyoon.co](http://www.almahdyoon.co)

[www.almahdyoon.org](http://www.almahdyoon.org)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

والحمد لله رب العالمين

و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا.

(احمد)

### مصلح جهانی که همه ادیان در انتظار او هستند.

همه پیروان ادیان آسمانی مشتاقانه در انتظار منجی جهانی هستند که وعده او از جانب پیامبران و فرستادگان الهی داده شده است، و علی رغم این که خداوند سبحان، پروردگاری یگانه و رحیم است و از او هیچ گونه تفرقه و اختلافی صادر نمی‌شود، و همان گونه که اختلاف را از پیروانش نمی‌پسندد، ولی همواره آن‌ها بر اختلاف و درگیری میان هم اصرار داشته، و این گونه هرکدام از آنان بشارت حقی در مورد یک مرد که در آخر الزمان زمین را پر از خیر و صلاح می‌کند را حق پنداشته و هرچه غیر از آن را خالی از منطقی و حقیقت می‌شمارند. آن‌ها نمی‌دانند که با این برخوردشان در حقیقت شخص مورد نظرشان را انکار می‌کنند، زیرا آن حقیقتی که از همه مخفی بوده که اکنون با ظهور آن منجی پدیدار گشت آنکه مردم زمین در انتظار تنها یک مرد هستند که بشارت او از جانب فرستادگان داده شده و صفات جسمانی‌اش و مشخصات دولتش و روزگار و یارانش و هرچه که به امرش مرتبط است بیان شده است، همان طور که در این کتاب آن را به طور خلاصه توضیح خواهیم داد.

### ۱. اولیائی که خداوند متعال برای روز معلوم ذخیره کرده است:

برای خداوند سبحان هنوز اولیایی هستند که زنده‌اند و خداوند سبحان آنان را برای برپا کردن عدل الهی بر روی این زمین ذخیره کرده است و پیروانشان در انتظار بازگشت‌شان برای تحقق این هدف هستند و آنان:

حضرت ایلیا (الیاس) پیامبر عليه السلام در تورات در مورد ایلیا و یوشع این گونه ذکر می‌شود: (۱۱ و چون ایشان می‌رفتند و گفتگو می‌کردند، اینک ارابه آتشین و اسبان آتشین ایشان را از یکدیگر جدا کرد و ایلیا در گردباد به آسمان صعود نمود. ۱۲ و چون آلیشع این را بدید، فریاد برآورد که: «ای پدرم! ای پدرم! ارابه اسرائیل و سوارانش!» پس او را دیگر ندید<sup>(۱)</sup> و عیسی عليه السلام و خضر عليه السلام مانند او می‌باشند.

پیروان این اولیاء ایمان به بازگشت ایشان در آخر الزمان دارند، و این حقیقتی است که مسلمانان نیز به آن اعتقاد

دارند که قرآن در مورد ایلیا ذکر می کند: ﴿وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ﴾<sup>(۱)</sup> (و برای او در [میان] آیندگان [آوازه نیک] به جای گذاشتیم).

و درباره عیسی (علیه السلام) ﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ خُذْ هَذَا بِالْيَمِينِ﴾<sup>(۲)</sup> (به یاد آورید) هنگامی را که خدا به عیسی فرمود: من تو را بر می گیرم و به سوی خود، رفع می کنم، ﴿وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ﴾<sup>(۳)</sup> (و گفتارشان که ما مسیح عیسی بن مریم پیامبر خدا را کشتیم در حالی که نه او را کشتند و نه به دار آویختند لکن امر بر آنها مشتبه شد).

و این نیز حقیقتی است که عیسی (علیه السلام) بر آن تاکید داشته؛ همان طور که در انجیل ملاحظه می کنیم: (۱۹... تا زمانی که داماد با ایشان است، روزه بگیرند؟ تا وقتی داماد با آنهاست نمی توانند روزه بگیرند. ۲۰ اما زمانی خواهد رسید که داماد از ایشان رفع شود. در آن ایام روزه خواهند گرفت).<sup>(۴)</sup>

همچنین: (چون زمان صعود عیسی به آسمان نزدیک می شد، با عزمی راسخ رو به سوی اورشلیم نهاد).<sup>(۵)</sup>

و همانند او مهدی (علیه السلام) است، زیرا از اهل بیت روایت شده که برای وی در آسمان منزلی به نام (منزل شکر) وجود دارد. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: (برای صاحب این امر منزلی در آسمان است به نام منزل شکر، و در آن چراغی می درخشد که از روز ولادتش تا روز قیامت با شمشیر، خاموش نخواهد شد)<sup>(۶)</sup> و این حدیث به این معناست که حال او مانند عیسی (علیه السلام) و خضر (علیه السلام) می باشد، و حتی وقتی کسی بخواهد دلیلی بر طول عمر امام مهدی (علیه السلام) ذکر کند بلافاصله امرش را به عیسی و خضر (علیه السلام) تشبیه می کند.

زندگی خضر را امام رضا (علیه السلام) برای ما توضیح داد. در حدیثی فرمود:

(هنگامی که رسول الله درگذشت شخصی به در منزلشان آمد و به آنان تسلیت گفت، و اهل بیت: کلامش را می شنیدند ولی او را نمی دیدند، سپس علی ابن ابی طالب فرمود این همان خضر (علیه السلام) است آمد تا شما را در فقدان پیغمبرتان دلداری دهد).<sup>(۷)</sup>

و همین طور زندگی امام مهدی (علیه السلام) است، طبق فرموده امام صادق (علیه السلام): (مردم امامشان را گم می کنند، هنگام

۱ - صفات: ۱۲۹.

۲ - آل عمران: ۵۵.

۳ - نساء: ۱۵۷.

۴ - مرقس باب ۲.

۵ - لوقا باب ۹.

۶ - غیبت نعمانی: ص ۲۴۵.

۷ - کمال الدین و تمام النعمت: ص ۳۹۱.

حج حضور می‌یابد و آن را مشاهده می‌کند پس او آنها را می‌بیند و آنها او را نمی‌بینند.<sup>(۱)</sup>

و بعد از روشن شدن حال این اولیاء، که یک طریق است، می‌گوییم: ادله نشان دادند که آنها یک فرستاده حکیم و امین را هنگام نزدیک شدن وقت معلوم یا به اصطلاح دیگر، قیامت صغری خواهند فرستاد، و توسط این فرستاده خداوند حجتش را بر همه مردم زمین اقامه می‌کند، و شناخت این فرستاده هدف بحث ماست.

و برای مسلمانان، واضح و مسلم است که ارسال این فرستاده از طرف امام مهدی (علیه السلام) یعنی فرستاده شدنش از طرف عیسی (علیه السلام) و نیز ایلیا (علیه السلام) می‌باشد چونکه امام مهدی (علیه السلام) امامشان است و آنها پیرو او هستند، رسول الله ﷺ می‌فرماید: **(چه حالی خواهید داشت اگر عیسی بن مریم در میانتان نازل شود و امامتان از میانتان است)**<sup>(۲)</sup> و این امام همانا امام مهدی (علیه السلام) است.

\* \* \*

## ۲. رسالت و رسول قبل از عذاب:

این امری است که همه رسالات الهی بر آن تاکید دارند. خدای متعال می‌فرماید: ﴿فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ \* يَعْنِي النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ \* رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ \* أَنَّى لَهُمُ الذُّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ \* ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلِّمٌ مَّجْنُونٌ \* إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ \* يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنتَقِمُونَ﴾<sup>(۳)</sup> (منتظر روزی باش که آسمان دود آشکاری پدید آورد. \* همه مردم را فرا می‌گیرد، این عذاب دردناکی است. \* می‌گویند پروردگارا! عذاب را از ما برطرف کن که ایمان می‌آوریم \* چگونه و از کجا متذکر می‌شوند با اینکه رسول آشکار به سراغ آنها آمد؟ \* سپس از او رویگردان شدند و گفتند: دیوانه‌ای است که دیگران به او تعلیم می‌دهند! \* ما کمی عذاب را برطرف می‌سازیم ولی باز به کارهای خود برمی‌گردید! \* ما از آنها انتقام می‌گیریم در آن روز که آنها را با قدرت خواهیم گرفت، آری ما از آنها انتقام می‌گیریم).

و این دود، عذاب است و قبل از عذاب رسالت یا پیامی می‌آید، خدای متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا﴾<sup>(۴)</sup> (و ما هرگز مجازات نخواهیم کرد مگر آنکه فرستاده‌ای مبعوث می‌کنیم)، و این دود یا عذاب نیز مجازاتی است که بخاطر تکذیب این فرستاده بر معذبین نازل می‌شود، و او در میانتان است همان‌گونه که از این آیه واضح است: ﴿ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلِّمٌ مَّجْنُونٌ﴾ (سپس از او رویگردان شدند و گفتند: دیوانه‌ای است که دیگران به او تعلیم می‌دهند) و نیز این عذاب یا دود، این فرستاده را برای پیروان رسالات الهی آشکار می‌کند بعد

۱ - الکافی: ج ۱ ص ۳۳۷.

۲ - صحیح بخاری: ج ۴ ص ۱۴۳.

۳ - دخان: ۱۰-۱۶.

۴ - الاسراء: ۱۵.

از اینکه بر بالای سرشان سایه افکند همان طور که عذاب بر بالای سر قوم یونس (علیه السلام) و یا یونان سایه افکند، همچنین این دود یا عذاب، با قیامت صغری تطابق دارد، و بلکه آن همان حمله کوچک است همان طور که در آیه واضح است پس چه خواهد بود بعد از این غیر از حمله بزرگ و انتقام از ظالمین در تورات در مورد روز انتقام الهی که نتیجه تکذیب فرستاده‌ی نجات دهنده خواهد آمده: (این کیست که از ادوم با لباس سرخ از بصره می‌آید؟ یعنی این که به لباس جلیل خود ملبّس است و در کثرت قوّت خویش می‌خرامد؟ من که به عدالت تکلم می‌کنم و برای نجات، زورآور می‌باشم. ۲ چرا لباس تو سرخ است و جامه تو مثل کسی که چرخشت را پایمال کند؟ ۳ من چرخشت را تنها پایمال نمودم و احدی از قوم‌ها با من نبود و ایشان را به غضب خود پایمال کردم و به حدّت خشم خویش لگد کوب نمودم و خون ایشان به لباس من پاشیده شده، تمامی جامه خود را آلوده ساختم. ۴ زیرا که روز انتقام در دل من بود و سال فدیة شدگانم رسیده بود. ۵ و نگریستم و اعانت کننده‌ای نبود و تعجّب نمودم زیرا دستگیری نبود. لهذا بازوی من مرا نجات داد و حدّت خشم من مرا دستگیری نمود. ۶ و قوم‌ها را به غضب خود پایمال نموده، ایشان را از حدّت خشم خویش مست ساختم. و خون ایشان را بر زمین ریختم.)<sup>(۱)</sup>

در انجیل، همان حقیقت را می‌شنویم. اینکه پیش از عذاب، فرستاده‌ای است؛ به این خاطر که در آن آمده است: «با ایمان بود که وقتی به نوح درباره مسائلی وحی شد، دیگر ترسان نشد. کشتی برای رهایی خانه‌اش ساخت. به واسطه آن، دنیا را محکوم نمود. و وارث نیکویی شده است که ایمان شمرده می‌شود.»<sup>(۲)</sup>

به این معنی که: عذاب بر قوم نوح نازل شد چون که به او ایمان نیاوردند، پس قبل از عذاب فرستاده‌ای در میانشان بود و عذاب نتیجه انکارشان به این فرستاده بود و اگر توبه می‌کردند و به آن کسی که به سویشان فرستاده شده بود ایمان می‌آوردند، عذاب از آن‌ها برداشته می‌شد.

در تورات درباره رفع عذاب از قوم یونس (علیه السلام) به خاطر ایمان‌شان آمده: (۴ و یونس به مسافت یک روز داخل شهر شده، به ندا کردن شروع نمود و گفت: «بعد از چهل روز، نینوا سرنگون خواهد شد.» ۵ و مردمان نینوا به خدا ایمان آوردند و روزه را ندا کرده، از بزرگ تا کوچک پلاس پوشیدند.)<sup>(۳)</sup>

و امروز شکی در مقدمه‌های نزدیک عذاب بر مردم زمین وجود ندارد، و حتی این عذاب در اماکن مختلف در دنیا واقع شده، و علائم طوفان دوم یا ساعت معلوم و یا قیامت صغری، برای بیشتر ساکنان زمین واضح و ملموس شده و هیچ کسی غیر از متکبران این علام را انکار نمی‌کنند، و این عذاب همان طور که متوجه شدیم تنها بعد از مبعوث شدن یک فرستاده و انکارش نازل می‌شود، پس سوال مهمی که مطرح می‌شود این است:

این فرستاده کیست ؟ و چه کسی او را فرستاده؟

۱ - اشعیا باب ۶۳.

۲ - رساله به عبرانیان باب ۱۱.

۳ - یونس باب ۳.

و اما بعد؛ این فرستاده حتماً صاحب دعوتی الهی است و امرش مورد اهمیت تمام عالم است، زیرا که نشانه‌های عذاب امروز شامل همه می‌باشد، و برای همین، متون همه ادیان هنگام ذکر مصلح نجات دهنده جهانی شامل (همه زمین) و یا (اقوام و ملل) و یا (همه جهان) صحبت می‌کند:

مسلمانان: (مهدی أمه محمد یملاً الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً)

(مهدی امت محمد زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان‌گونه که پر از ظلم و ستم شده است).

و در تورات: (درخت خاندان داود بریده شده است؛ اما یک روز کنده آن جوانه خواهد زد! بلی، از ریشه آن (شاخه‌ای) تازه خواهد روید)<sup>(۱)</sup>

و در انجیل: (چون او آید، جهان را مجاب خواهد کرد که به لحاظ گناه و عدالت و داوری، تقصیر کار است)<sup>(۲)</sup> و ان شاءالله در مورد این که او یک شخص است وقفه‌ای خواهیم داشت.

و مبدا غافل باشیم از دودی که در قرآن ذکرش آمده (در آیه‌ای که در صفحه پیش ذکر کردیم) که آن از علامات (ساعت=قیام قائم) است.

نزد مسلمانان است، وقتی که از پیامبر محمد ﷺ در مورد قیام قائم سوال شد ایشان جواب داد: (...قیام نمی‌کند مگر اینکه قبل از آن ده علامت یا آیاتی را ببینید و دود و دجال و جنبنده و طلوع آفتاب از مغرب را یاد نمود).<sup>(۳)</sup>

در روایت مسلمانان اهل سنت، رسول الله ﷺ ساعت معلوم را ذکر می‌کند: (سپس فرمود: ساعت برپا نخواهد شد تا اینکه قبلش ده نشانه ببینید، سپس دود و دجال و دابه و طلوع خورشید از مغرب را ذکر کرد...)<sup>(۴)</sup> و این دود در عقیده‌شان دود قیامت نیست (و اگر روز قیامت بود که دود از آن‌ها برداشته نمی‌شد).<sup>(۵)</sup>

و اما در اعتقادات غیر مسلمانان، دود علامتی است برای آمدن نجات دهنده، که در انجیل و به خصوص در روای یوحنا که شامل موضوع اصلاح طلب و نجات دهنده است درباره دود این گونه روایت شده: (۲چون او در هاویه را برگشود دودی از او برخاست چون دود کوره‌ای عظیم، چندان که خورشید و آسمان از دود چاه تیر و تاریک شدند).<sup>(۶)</sup>

۱ - اشعیا باب ۱۱.

۲ - یوحنا باب ۱۶.

۳ - عیون اخبار رضا: ج ۱ ص ۲۹۷.

۴ - صحیح مسلم: ج ۸ ص ۱۷۹.

۵ - مسند احمد: ج ۱ ص ۴۳۱، صحیح بخاری ج ۵ ص ۲۱۷.

۶ - مکاشفه یوحنا باب ۹.



و در تورات: (۳۰) عجایی در آسمان و زمین به او داده شد عجایی از خون و آتش و ستون‌های دود در آسمان و زمین ظاهر خواهم ساخت. ۳۱ آفتاب به تاریکی و ماه به خون مبدل خواهند شد، پیش از ظهور روز عظیم و مهیب خداوند).<sup>(۱)</sup>

و اگر دود، همان‌طور که مشخص است به عذاب ربط داشته باشد، پس عذاب با فرستاده‌ای مرتبط است، بلکه آن — یعنی عذاب — به خاطر این است که اهل زمین این فرستاده را انکار نموده‌اند، پس این مجازات‌شان است ﴿أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ﴾<sup>(۲)</sup> پس این فرستاده چه کسی است؟! و اینها صفاتش هستند.

\* \* \*

### ۳. صفات فرستاده موعود:

اسلام، مشخصات متعددی را برای فرستاده یا امامی که در آخر الزمان مبعوث می‌شود معین کرده، و او بلاشک همان مهدی (علیه السلام) نزد مسلمانان می‌باشد.

از ابی سعید خدری روایت می‌شود: رسول الله ﷺ فرمود: (شما را به مهدی (علیه السلام) بشارت می‌دهم در اتم مبعوث می‌شود هنگامی که مردمان در اختلاف و دچار زلزله‌ها باشند، پس زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان‌گونه که پر از ظلم و ستم می‌شود، ساکنان آسمان و زمین از او خوشنود خواهند بود).<sup>(۳)</sup>

و در تعیین نشانه‌های شخصیت فرستاده موعود، خدای متعال فرمود: ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ \* وَأَخْرَيْنَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ \* ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾<sup>(۴)</sup> (اوست آن کس که در میان امیین فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند \* و بر دیگری از ایشان که هنوز به آنها نپیوسته‌اند و اوست ارجمند بزرگوار \* این فضل خداست آن را به هر که بخواهد عطا می‌کند و خدا دارای فضل بسیار است).

یعنی: (و بر دیگری از ایشان که هنوز به آنها نپیوسته‌اند فرستاده‌ای در میان‌شان خواهد فرستاد تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد) و قطعاً نمی‌توان محمد ﷺ بر آخرین (دیگرانی از ایشان که هنوز به آنها نپیوسته‌اند) نیز آیات را تلاوت کند و آن پس از بازگشتش به خدا، پس باید فرستاده‌ای باشد که باز در امیین مبعوث می‌شود، یعنی در ام القری و دارای این صفات باشد:

۱ - یوئیل باب ۲.

۲ - الدخان ۱۳.

۳ - مسند احمد: ج ۳ ص ۳۷.

۴ - جمعه: ۳ - ۴.

آیات را تلاوت می‌کند.

مردم را تزکیه می‌کند، یعنی آن‌ها را پاک می‌کند تا در ملکوت آسمان‌ها نگاه کنند. به آن‌ها کتاب و حکمت می‌آموزد.

و شخصیت دیگری غیر از مهدی (علیه السلام) نزد مسلمانان وجود ندارد که به بعثت الهی در دیگرانی که هنوز به آنان نپیوسته‌اند توصیف شده باشد.

و برای این که منبع معارف پیامبران یکی است و آن منبع، حق سبحانه و تعالی است بنابراین به این دلیل که شخصیتی که اهل زمین در انتظارش هستند یکی است، می‌بینیم که انجیل برای ما همین صفات را تعیین می‌کند:

عیسی (علیه السلام) فرمود: (۴۴) پس شما نیز آماده باشید، زیرا پسر انسان در ساعتی خواهد آمد که انتظارش را ندارید. ۴۵ پس آن غلام امین و دانا کیست که اربابش او را به سرپرستی بندگان خود گماشته باشد تا خوراک آنان را به موقع بدهد؟ ۴۶ خوشا به حال آن غلام که چون اربابش بازگردد، او را مشغول این کار ببیند. (۴۷).<sup>(۱)</sup>

و متن در وصف (بنده قائم به امر آقایش) واضح است، که او آیات الهی را با امانت و حکمت و دادن خوراک به مردم تلاوت می‌کند، و همچنین پاک کردن مردم - و علی الخصوص یارانش - و آنان را با آن طعامی که به تعبیری دیگر علم و شناخت و حکمت الهی است پاک می‌کند، و به واسطه آن می‌توانند در ملکوت آسمان‌ها بنگرند.

این معنا که: (خوراک آنان را به موقع بدهد) چیزی نیست غیر از تعبیری دیگر از حدیث رسول الله محمد (صلی الله علیه و آله) در حدیثی با ابن ابی کعب وقتی که از حضرت، درباره قائم و علاماتش پرسید عرض کرد: (وما دلائله وعلاماته یا رسول الله؟ قال: له علم إذا حان وقت خروجه انتشر ذلک العلم من نفسه) (پس دلایل و علاماتش چیستند یا رسول الله؟ فرمود: علمی دارد که اگر زمانش فرا رسد خودش آن را گسترش می‌دهد).<sup>(۲)</sup>

و اما ابتدای متن عیسی (علیه السلام) پس آن تعبیر دیگری است. از احادیث آل محمد (صلی الله علیه و آله) آمدن ناگهانی منجی یا قائم، همان طور که از امام علی (علیه السلام) ذکر می‌کند: (قیل للنبی (صلی الله علیه و آله): یا رسول الله متی یخرج القائم من ذریعتک؟ فقال: مثله مثل الساعة "لا یجلیها لوقتها إلا هو ثقلت فی السماوات والأرض" لا یأتیکم إلا بغتة) (از تو درباره قیامت می‌پرسند [که] وقوع آن چه وقت است؟ بگو: «علم آن، تنها نزد پروردگار من است. جز او [هیچ کس] آن را به موقع خود آشکار نمی‌گرداند. [این حادثه] بر آسمان‌ها و زمین گران است، جز ناگهان به شما نمی‌رسد).

و در تورات البغته (ناگهان) نیز ذکر شده: (.....۵. و این بغتة در لحظه‌ای واقع خواهد شد. ۶ و از جانب پروردگار

۱ - انجیل متی باب ۲۴.

۲ - بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۱۱.

سربازان با رعد و زلزله و صوت عظیم و گردباد و طوفان و شعله آتش سوزنده از تو پرسش خواهد شد).

حال باید از تورات، صفات منجی و رهایی بخش الهی‌ای که همه امت‌ها در طلبش هستند و پرچم امت‌ها را بر افراشته می‌کند ارائه دهیم، و قطعاً نیز این بار هم همان صفات هستند، و متن بدین‌گونه است: (۱ و شاخه‌ای از تنه یسی بیرون آمده، شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت. ۲ و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت، یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس خداوند. ۳ و خوشی او در ترس خداوند خواهد بود و موافق رؤیت چشم خود داوری نخواهد کرد و بر وفق سمع گوش‌های خویش تنبیه نخواهد نمود. ۴ بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین براستی حکم خواهد نمود. و جهان را به عصای دهان خویش زده، شیران را به نفخه لب‌های خود خواهد کُشت. ۵ و کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت. ۶ و گرگ با بره سکونت خواهد داشت... ۹ و در تمامی کوه مقدس ضرر و فساد نخواهند کرد زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود مثل آب‌هایی که دریا را می‌پوشاند. ۱۰ و در آن روز واقع خواهد شد که ریشه یسی پرچم قوم‌ها برپا خواهد کرد و امت‌ها آن را خواهند طلبید و سلامتی او با جلال خواهد بود).<sup>(۱)</sup>

و فکر نمی‌کنم درک این‌که این صفات، همان صفات ذکر شده در آیات قرآن و انجیلی است که از قبل ارائه کردیم، نیاز به زحمت دارد و با وجودش به خلاصه وصف فرستاده موعود نزد همه ادیان می‌رسیم، به این معنی که:

(مهدي موعود از آل محمد = بنده‌ای حکیم و دانا که به امر آفایش قیام می‌کند = شاخه‌ای از تنه یسی).

و بدین‌گونه این فرستاده در حقیقت، شایسته آن است که کلمه مشترکی میان اهل زمین باشد و سپاس از آن خداست، و اگر از جانب غیر خداوند بود، اختلاف‌های فراوانی در آن می‌یافتند، و اما شرح بعضی از مسیحیان درباره نهالی که از تنه یسی خارج می‌شود و می‌گویند آن عیسی ﷺ است، همان‌طور که در طرح‌های آینده پدیدار خواهد شد، قاطعانه، این تفسیر باطل است.

\* \* \*

#### ۴. روز رسیدن فرستاده موعود منتظر:

همانا که آمدن فرستاده موعودی که رسالات آسمانی بشارت او را داده‌اند حقیقتی خالی از هرگونه شک است، و زمان آمدنش در همه ادیان واحد و معین است؛ و یکی بودنش علت ساده‌ای دارد این‌که: همه بر اتفاق بزرگی که بشریت در انتظارش هستند و در آخرالزمان است، موافق هستند و زمان اهل زمین واحد است پس آخرش نیز

واحد می‌باشد، بنابراین (روز پروردگار و یا نجات و یا حکم و قضاوت در تورات و انجیل، و روز معلوم و یا روز خروج در قرآن)، یک روز است نه بیشتر.

درباره روز معلوم، خدای متعال به ابلیس لعنه الله بعد از عصیانش فرمود: ﴿قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ \* إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾<sup>(۱)</sup> (فرمود تو از مهلت یافتگانی \* تا روز وقت معلوم) و آن روز قائم علیه السلام است. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: (یوم الوقت المعلوم وهو يوم خروج قائمنا أهل البيت) (روز وقت معلوم و آن روز خروج قائم ما اهل بیت است).<sup>(۲)</sup>

و در اعتقاد برخی از اهل سنت آن "روز طلوع آفتاب از مغرب است" (در عمده قاری ج ۱۸ ص ۲۳۱) و همین علامت مربوط به قائم مهدی علیه السلام در آخر الزمان است.

و همانند آن روز خروج است، که آن نیز روز قائم است، مثلاً در تفسیر آیه: ﴿ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ﴾ (آن روز خروج است) "گفت: (آن رجعت است)،<sup>(۳)</sup> یعنی بازگشت به مثل، به این معنی که: یعنی رجعت و بازگشت به مثل و مانند. به معنای بازگشت افرادی که شبیه مردمی هستند که قبلاً آمدند، و این در روزهای قائم علیه السلام خواهد بود.

امام صادق علیه السلام در مورد آیه: ﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدُكَ إِلَى مَعَادٍ﴾<sup>(۴)</sup> (در حقیقت همان کسی که این قرآن را بر تو فرض کرد یقیناً تو را باز می‌گرداند) فرمود: (لا والله لا تنقضی الدنيا ولا تذهب حتی یجتمع رسول الله وعلی بالثوبه، فیلتقیان وینیان بالثوبه مسجداً له اثنا عشر ألف باب، یعنی موضعاً بالكوفه)<sup>(۵)</sup> به خدا سوگند هرگز دنیا به پایان نخواهد رسید تا اینکه رسول الله صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام در ثوبه جمع گردند پس با هم ملاقات کنند و مسجدی را در ثوبه بنا کنند که دوازده هزار درب خواهد داشت، یعنی جایی در کوفه).<sup>(۶)</sup>

و آن مسجدی است که قائم آن را در ایامش بنا خواهد کرد، چون مردم به او می‌گویند: (المسجد لا یسعنا، فیقول: أنا مرتاد لكم فیخرج إلى الغری فیخط مسجداً له ألف باب یسع الناس) (....مسجد به اندازه‌ی کافی وسیع نیست پس گوید: من باز می‌گردم پس به غری می‌رود و نقشه‌ی مسجد را می‌کشد که هزار درب دارد و به اندازه

۱ - حجر: ۳۷ - ۳۸.

۲ - کمال الدین و تمام النعمه: ص ۳۷۱.

۳ - تفسیر قمی: ج ۲ ص ۳۲۷.

۴ - قصص: ۸۸.

۵- ثوبه، غری است؛ همان‌طور که در یکی از خطبه‌های امام علی علیه السلام آمده است؛ آنجا که در سخنش از ملاحم و نبردهای زمان ظهور فرمود: (از کوفه، ۷۰ هزار دختر دوشیزه را به اسارت می‌برد. از دست و رویند آنان، پرده بر نمی‌برد؛ تا اینکه در کجاوه‌ها گذاشته شوند. و آنان را به ثوبه می‌برند که همان غری است). بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۷۴.

۶ - بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۱۱۳.

مردم است) امام باقر (عليه السلام) و بدین گونه منظور از رسول الله و علی (عليه السلام) در حدیث پیشین کسانی هستند که با آنان تطابق دارند آن طور که آمدن شان همان آمدن پیامبر (ص) و علی (عليه السلام) خواهد بود.

و بازگشت به مثل و همتایان در زمان قائم را در حدیثی از امام صادق (عليه السلام) می بینیم: (قائم از پشت کوفه بیست و هفت مرد را بیرون می آورد، پانزده نفر از آنان از قوم موسی آنانی که به حق هدایت و بدان داد می کردند، و هفت تن از اهل کهف، و یوشع بن نون و سلمان، و ابا دجانة انصاری و مقداد و مالک اشتر، و در بین دستانش انصار و فرمانروا خواهند بود).<sup>(۲)</sup>

و بدیهی است که منظور از خروج در اینجا خروج همتایان اشخاص مذکور است... برای همین از ابن عباس روایت می شود که: (اصحاب کهف یاران مهدي عليه السلام هستند).<sup>(۳)</sup>

همچنین بازگشت به مثل، با آنچه حضرت عیسی (عليه السلام) در مورد ایلیا فرموده که باید بیاید تطابق دارد، همان طور که با آن متن آشنا خواهیم شد.

این موارد درباره روز قائم در آخر الزمان نزد مسلمانان بود.

حال از انجیل درباره روز قضاوت و نجات ذکر می شود: (۲۸ در شگفت مباحثید، زیرا زمانی فرا می رسد که همه آنان که در قبرند صدای او را خواهند شنید. ۲۹ آنان که نیکی کرده اند، برای قیامتی که به حیات می انجامد، و آنان که بدی کرده باشند، برای قیامتی که مکافات در پی دارد، بیرون خواهند آمد).<sup>(۴)</sup>

این امر را قبل از رسول الله محمد (ص)، عیسی (عليه السلام) فرمود: (پس شما نیز آماده باشید، زیرا پسر انسان در ساعتی خواهد آمد که انتظارش را ندارید. پس آن غلام امین و دانا کیست که آقایش او را به سرپرستی بندگان خود گماشته باشد تا خوراک آنان را بدهد) و این بدین معناست که روز داوری و مجازات، با غلام امین و دانا در ارتباط است آن کسی که به امر آقایش قیام می کند (یعنی او نیز قائم است).

و در تورات: (۳۱ آسمان شادی کند و زمین سرور نماید، و در میان امتها بگویند که پروردگار سلطنت می کند. ۳۲ دریا و پری آن غرش نماید؛ و صحرا و هر چه در آن است به وجد آید. ۳۳ آنگاه درختان جنگل ترنم خواهند نمود، به حضور خداوند زیرا که برای داوری جهان می آید. ۳۴ یهوه را حمد بگویید زیرا که نیکو است. زیرا که رحمت او تا ابدالابد است. ۳۵ و بگویید خدایا ما را نجات بده. و ما را جمع کرده، از میان امتها رهایی بخش. تا

۱- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۱

۲- ارشاد المفید: ج ۲ ص ۳۸۶.

۳- فتح الباری: ج ۶ ص ۳۶۵ عمده القاری: ج ۱۴ ص ۴۹.

۴- یوحنا باب ۵.

نام قدوس تو را حمد گوئیم، و در تسبیح تو فخر نماییم.<sup>(۱)</sup>

همچنین ذکر می‌شود: (۹ و در آن روز خواهند گفت: «هوذا این خدای ما است که منتظر او بوده‌ایم و ما را نجات خواهد داد. این همان پروردگار است که منتظر او بوده‌ایم پس از نجات او مسرور و شادمان خواهیم شد».)<sup>(۲)</sup>

پیش از این درباره فرستاده نجات دهنده از تورات این متن را ارائه دادیم: (و در آن روز واقع خواهد شد که ریشه یسّی پرچم قوم‌ها برپا خواهد کرد و امت‌ها آن را خواهند طلبید و سلامتی او با جلال خواهد بود) و این بدین معناست که: روز نجات، همان روز (قائم از ریشه یسی) است.

و فراموش نکنیم که روز معلوم، همان روز (قیام قائم آل محمد) طبق حدیث امام رضا (علیه السلام) است.

و اگر بحث پیشین‌مان در مورد واحد بودن صفات "فرستاده موعود" در همه رسالات الهی که قطعاً نیز روز وعده‌اش واحد است را به یاد داشته باشیم، چه مانع دیگری جلوی مردم زمین را گرفته تا به این اصلاح طلب جهانی ایمان بیاورند و او در بین‌شان قبل از طوفان آینده فریاد می‌زند!!

در نتیجه یگانگی، بیشتر روشن می‌شود؛ البته اگر به مسئله‌ای که در این بحث و بحث پیشینش به آن رسیدیم، توجه و دقت کنیم. و می‌بینیم:

یک پارچگی صفات این فرستاده، همان‌طور که در بحث گذشته واضح شد.

یک پارچگی زمان (آخر الزمان) تعیین شده برای بعثت نزد همه ادیان، همان‌طور که در اول بحث واضح شد.

یکی از علامات آن روز در تمام نصوص الهی ادیان، دود را تقدیم کردیم که مابقی بزودی خواهیم آورد.

همان‌طور که نسب، و غیر آن را واضح خواهیم کرد که سهم به سزایی در تبیین حقیقتی که از آفتاب روشن‌تر است، دارد.

و بدین گونه پایان بحث گذشته به اندازه‌ای بیشتر آشکار شد، نتیجه:

**(قائم "از آل محمد" = همان قائم "غلام حکیم و دانا" = همان قائم "از نسل یسی").**

حال چگونه می‌شود که قائم از آل محمد همزمان از نسل یسی (پدر داود) است؟ این موضوع مورد بحث ما خواهد بود، و خواهیم دید که جدش از طرف پدری، رسول الله محمد ﷺ و از طرف مادری، پیامبر یعقوب (علیه السلام) است.



## ۵. فرستاده موعود چگونه می آید؟

در یک جمله: فرستاده‌ای از ارسال کننده می آید به طوری که آمدنش و آغاز دعوتش به معنای آمدن آن‌ها و آغاز دعوت‌شان می‌باشد پس این فرستاده از اولیای خداوند ذخیره شده است که امید و آرزوی منتظران‌شان را برآورده سازد و آغاز فرجی است برای برگزیدگانی که او را یاری و نصرت می‌دهند.

و اما این که امام مهدی علیه السلام فرستاده‌ای را در آخر الزمان به سوی منتظران و بلکه به کل عالم می‌فرستد و زمینه برای حکم امام علیه السلام فراهم می‌کند امری مسلم است و با خواندن این حدیث از رسول الله محمد صلی الله علیه و آله واضح و بیان می‌شود: (مردمی از مشرق زمین قیام می‌کنند و زمینه را برای مهدی علیه السلام فراهم می‌کنند، یعنی سلطنتش).<sup>(۱)</sup>

و چنانچه دانستیم رهبر این زمینه‌سازان خلیفه امام مهدی علیه السلام است، به روایت رسول الله صلی الله علیه و آله: (اگر که دیدید پرچم‌های سیاه از سمت خراسان خارج شدند به سوی آن‌ها بشتابید حتی اگر مجبور باشید سینه خیز بر روی برف حرکت کنید زیرا در آن خلیفه مهدی می‌باشد).<sup>(۲)</sup>

و اگر به آن حدیث امام باقر علیه السلام را اضافه کنیم: (برای خدای تعالی گنجی در طالقان است که نه طلاست و نه نقره، دوازده هزار نفر در خراسانند که شعارشان "احمد احمد" است رهبرشان جوانی از بنی هاشم... پس اگر آن را شنیدید به سوی او بشتابید ولو سینه خیز بر روی برف).<sup>(۳)</sup>

همچنین از امام باقر علیه السلام در مورد قائم علیه السلام روایت شده که فرمودند: (او دو نام دارد: نامی مخفی و نامی آشکار، پس نام مخفی احمد است و نام آشکار محمد).<sup>(۴)</sup>

واضح شد که فرستاده امام مهدی علیه السلام مردی از آل محمد است که نامش (احمد) است و او همچنین حامل صفت (قائم) می‌باشد، و این جلوه بیشتری پیدا خواهد کرد.

و اما در تورات می‌خوانیم: (۵ اینک من ایلیای نبی را قبل از رسیدن روز عظیم و مهیب خداوند نزد شما خواهم فرستاد).<sup>(۵)</sup>

۱ - سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۳۶۸.

۲ - الملاحم و الفتن: لابن طاووس ص ۵۴ چاپخانه حیدریه.

۳ - منتخب الانوار المضيئه: ص ۳۴۳.

۴ - کمال الدین و اتمام النعمه: ص ۶۵۳.

۵ - ملاکی باب ۴.

و چگونگی آمدن ایشان را عیسی (علیه السلام) الان برای ما به روشنی بیان می‌کند. خلاصه‌اش این است: آمدن، ضرورتی ندارد که در ابتدا با آمدن فرد باشد. بلکه با فردی است که نماینده اوست یا فردی که مانند اوست؛ به صورتی که آمدن او، آمدن همان فرد می‌باشد. دقیقاً همان‌طور که آل محمد بیان نمودند که بازگشت در زمان قائم «روز مشخص» با مثل و مانند است.

بلکه عیسی (علیه السلام) در انجیل، طریقه آمدن پسر انسان «عیسی به نظر مسیحیان» در آخرالزمان را توضیح داده است و اینکه مشابه آمدن یوحنا «یحیی» است که آمدنش، جلوه آمدن ایلیا (علیه السلام) است. بنابراین آنچه به هر دوی آنان ارتباط دارد را مطالعه کنیم: (۱۲) اما این را به شما می‌گوییم: که الیاس آمده است، ولی او را نشناختند و هر آنچه خواستند با وی کردند، به همین سان پسر انسان نیز به دست آنان آزار خواهد دید. ۱۳. آنگاه شاگردان دریافتند که درباره یحیی تعمید دهنده با آن‌ها سخن می‌گوید.<sup>(۱)</sup>

با این که موعود ایلیا بود، و کسی که آمد یحیی بود، ولی عیسی (علیه السلام) آمدنش را آمدن ایلیا عنوان نمود چراکه وی یوحنا را مانند ایلیا و آمدن یوحنا را نیز آمدن ایلیا می‌دید.

و برای همین عیسی (علیه السلام) نیز فرمود: (۱۴) و اگر بخواهید بپذیرید: یحیی همان ایلیا است که می‌بایست بیاید، ۱۵ هر که گوش شنوا دارد بشنود.<sup>(۲)</sup>

و مهم‌تر از آن این است که عیسی (علیه السلام) آمدن پسر انسان قبل از قیامت صغری را همین‌گونه عنوان کرد، به این معنی که شخصی از طرفش فرستاده می‌شود و آمدنش و ابتدای دعوتش همان آمدن عیسی (علیه السلام) است، و او با توجه به وصفی که از عیسی (علیه السلام) ذکر کردیم، کسی غیر از آن غلام حکیم و دانا (قائم به امر آقایش) نیست.

همچنین عیسی (علیه السلام) درباره فرستاده می‌گوید: (۱۵) اما الان نزد فرستنده خود می‌روم و کسی از شما از من نمی‌پرسد به کجا می‌روی \* ۶ ولیکن چون این را به شما گفتم دل شما از غم پر شده است \* ۷ و من به شما راست می‌گویم که رفتن من برای شما مفید است زیرا اگر نروم تسلی دهنده نزد شما نخواهد آمد و لیکن اگر بروم او را نزد شما می‌فرستم \* ۸ و چون او آید جهان را بر گناه و عدالت و داوری ملزم خواهد نمود \* ۹ اما بر گناه زیرا که به من ایمان نمی‌آورند \* ۱۰ و اما بر عدالت از آن سبب که نزد پدر خود می‌روم و دیگر مرا نخواهید دید \* ۱۱ و اما بر داوری از آن رو که بر رئیس این جهان حکم شده است.<sup>(۳)</sup>

ما اگر در آن چه گذشت به وحدت فرستاده‌ی موعود و روزش رسیدیم خواهیم دانست که عیسی (علیه السلام) از رسولی صحبت می‌کند که در اینجا به (معزی) نامیده شده، که جهان را در روز موعود به خاطر گناه‌شان و تکذیب کردن

۱ - انجیل متی باب ۱۷.

۲ - انجیل متی باب ۱۱.

۳ - یوحنا باب ۱۶.



پیامبران و فرستادگان و کشتن آن‌ها و ترک نمودن حق پیامبران در هم می‌شکند.

بلی، این حقیقتی است که یارانش در آن زمان طاقت تحملش را نداشتند، و برای همین او به آنان گفت: (و بسیار چیزهای دیگر نیز دارم که به شما بگویم لکن طاقت تحمل آن‌ها را ندارید \* و لیکن چون او یعنی روح راستی آید شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد. زیرا که از خود تکلم نمی‌کند بلکه به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت و از امور آینده به شما خبر خواهد داد \* او مرا جلال خواهد داد زیرا که از آنچه آن من است خواهد گرفت و به شما خبر خواهد داد).<sup>(۱)</sup>

و امروز روح حق (احمد)، ما را به آن راهنمایی نمود همان‌طور که عیسی (علیه السلام) وعده داده بود و (احمد = روح الحق) است این حقیقت را کسی درک می‌کند که می‌داند او بنده امین و داناست که به امر سرور و رئیس این عالم «یعنی امام مهدی (علیه السلام)» قائم است و از خود چیزی نمی‌گوید، و در آخر هر چه از وی صادر شود حق است و در عقیده مسلمانان درباره فرستاده امام مهدی (علیه السلام) (احمد یمانی) از امام باقر (علیه السلام) روایت شده:

امام باقر (علیه السلام) فرمود: (خروج سه نفر خراسانی و سفیانی و یمانی در یک سال و ماه و روز واحد است... و در پرچم‌ها پرچمی هدایت‌گتر از پرچم یمانی نیست و آن پرچم هدایت است، چون که شما را به صاحب‌تان دعوت می‌کند. و اگر یمانی خروج کرد فروختن اسلحه حرام می‌شود. و اگر یمانی خروج کرد، بپا خیز بسوی او، زیرا که پرچمش پرچم هدایت است. و جایز نیست مسلمانان از او سرپیچی کنند، و اگر کسی این کار را انجام دهد از اهل جهنم می‌باشد، زیرا که او دعوت به حق و هدایت به راه راست می‌کند).<sup>(۲)</sup>

و اگر خلاصه آنچه گذشت را در نظر بگیریم یعنی: (قائم "از آل محمد" = قائم "غلام حکیم و امین و دانا" = قائم "از نسل یسی") و به آنچه تا به حال رسیدیم (فرستاده امام مهدی (علیه السلام) "قائم احمد" = فرستاده عیسی "تسلی دهنده") به این نتیجه می‌رسیم که:

همانا تسلی دهنده و قائمی که به امر امام مهدی (علیه السلام) فرستاده می‌شود و کسانی که با وی هستند یعنی "عیسی و ایلیا" می‌توان گفت: خروجش به معنای خروج امام مهدی (علیه السلام) و عیسی (علیه السلام) و ایلیا (علیه السلام) است به آن معنایی که در متنهای قبل توضیح داده شد، دقیقا همان‌طور که خروج یا قیام یوحنا نشان دهنده خروج ایلیا (علیه السلام) در زمان معینی بود.

علاوه بر این لازم نیست که این فرستاده از همان اقوام باشد و شاید از امتی دیگر بیاید، بلکه حقیقت همین گونه است، عیسی (علیه السلام) فرمود: (از این جهت شما را می‌گویم که ملکوت خدا از شما گرفته شده، به امتی که میوه‌اش را

۱ - یوحنا: باب ۱۶ آیه ۱۲ تا ۱۴.

۲ - غیبت نعمانی: ص ۲۶۴. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۳۲.

بیاورند، عطا خواهد شد.<sup>(۱)</sup>

پس عیسی علیه السلام به پیروانش توضیح می‌دهد که ملکوت از آن‌ها گرفته می‌شود و به امتی دیگر داده می‌شود، پس در نتیجه آنان از امت تسلی دهنده و غلام حیکم و دانایی که میوه الهی را به امتی که خود را پاک می‌گرداند و از او یاد می‌گیرند تا در ملکوت آسمان‌ها نگاه کنند و میوه‌اش را بیاورد نخواهند بود، و طبیعتاً نیز از نظر عیسی علیه السلام از امت ایلیا نیستند چون که آن‌ها اصلاً به عیسی علیه السلام ایمان نیاوردند.

همچنین در تورات ذکر می‌شود: (۱ و الان ای کاهنان این وصیت برای شما است! ۲ «رب الجنود (پروردگار سربازان)» می‌گوید که اگر نشنوید و آن را در دل خود جا ندهید تا اسم مرا تمجید نمایید، من بر شما لعن خواهم فرستاد و بر برکات شما لعن خواهم کرد، بلکه آنها را لعن کرده‌ام چونکه آن را در دل خود جا ندادید. ۳ اینک من زراعت را به سبب شما نهیب خواهم نمود و بر روی‌های شما سرگین خواهم پاشید.<sup>(۲)</sup>

پس در نهایت کسی غیر از انصار قائم باقی نمی‌ماند به دلایلی که در بخش شانزدهم واضح خواهد شد.

از این رو امام علی علیه السلام صدها سال پیش شخصیتی که آمدنش به معنای آمدن عیسی بود را مشخص نمود، پس فرمود: (مرکز حکومت به زوراء (بغداد) باز می‌گردد و امور مردم با شوری (انتخابات) انجام می‌شود هرکسی بر چیزی غلبه کند آن را انجام می‌دهد پس در آن هنگام سفیانی خروج می‌کند. پس به مدت نه ماه بر زمین حاکم می‌شود و بر آن‌ها بدترین عذاب‌ها را نازل می‌کند تا اینکه فرمود، سپس مهدی هدایت کننده و هدایت شده خروج می‌کند، کسی که پرچم را از دست عیسی بن مریم می‌گیرد.<sup>(۳)</sup>

و ابن حجر سنی گفت: (و نماز خواندن عیسی علیه السلام پشت سر مردی از این امت " و او بر اساس توافق مسلمانان مهدی است " در آخر الزمان و در نزدیکی قیام ساعت نشانه‌ای بر صحت این احادیث است که زمین هیچ گاه از حجت قائم بر حق خالی نمی‌ماند.<sup>(۴)</sup> و همانا شکی در آن نیست که امامت مهدی بر عیسی در نماز، به این معناست که پرچم از دست عیسی علیه السلام گرفته شده و در دست مهدی علیه السلام (قائم از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم) قرار گرفته است.

و برای این که زمینه از هر گونه شک و تردید در مورد وحدت مصلح جهانی منتظر خالی شود، بعضی از علامات روز موعود را ارائه خواهم داد و خواهیم دید که آن‌ها نیز واحد هستند.

\* \* \*

۱ - متی: باب ۲۱ آیه ۴۳.

۲ - ملاکی باب ۲.

۳ - ملاحم و فتن: لابن طاووس ص ۲۶۶.

۴ - فتح الباری: ج ۶ ص ۳۵۹.

## ۶. علامات روز قائم موعود :

متن‌های ادیان علامات آمدن و نزدیک شدن ایامش را ذکر کرده‌اند، و این برخی از آنان می‌باشد:

### ۱- بسیاری فتنه‌ها و جنگ‌ها و ویژگی‌های آن دوران:

در انجیل: (۶ هم‌چنین درباره‌ی جنگ‌ها خواهید شنید و خبر جنگ‌ها به گوش‌تان خواهد رسید. اما مشوش مشوید، زیرا چنین وقایعی می‌باید رخ دهد، ولی هنوز پایان فرا نرسیده. ۷. نیز قومی بر قوم دیگر و حکومتی بر حکومت دیگر خواهند خاست. و قحطی‌ها و زلزله‌ها در جای‌های گوناگون خواهد آمد. ۸. اما همه‌ی این‌ها تنها آغاز درد هاست).<sup>(۱)</sup>

و عمار ابن یاسر گفت: (همانا که دولت اهل بیت پیامبرتان علاماتی دارد پس اگر آن زمان را دیدید زمین نشین بمانید و دست بردارید تا علامت‌ها بیایند، پس اگر روم و ترک بر شما انقلاب کردند و ارتش‌ها مجهز شدند... و جنگ‌ها در زمین زیاد شدند).<sup>(۲)</sup>

و از کعب الاحبار: (و پس از آن رانش زمین و زلزله‌ها و پرتاب در بغداد خواهند بود، که آن زودتر از همه جاها خراب خواهد شد و سپس خرابی در مصر آغاز می‌شود پس اگر فتنه را در شام دیدید پس مرگ و میر، و بنو الاصفی "رومی‌ها" حرکت می‌کنند، و به سوی بلاد العرب می‌روند و میانشان ماجراهایی اتفاق می‌افتد).<sup>(۳)</sup> و همه این اتفاقات بدون شک امروز واقع شده است.

### ۲- خرابی بابل (عراق):

و این علامت دیگر بر نزدیکی روز مجازات و نجات است طبق متن‌های عهد جدید و عهد قدیم:

در تورات: (۲۲ و «رب الجنود (پروردگار سربازان)» می‌گوید: «من به ضدّ ایشان خواهم برخاست». و خداوند می‌گوید: «اسم و بقیه را و نسل و ذریه را از بابل منقطع خواهم ساخت. ۲۳ و آن را نصیب خارپشت‌ها و خلاب‌های آب خواهم گردانید و آن را با جاروب هلاکت خواهم رُفت». «رب الجنود (پروردگار سربازان)» می‌گوید)<sup>(۴)</sup> و "خارپشت" اشاره به خرابی و صحرا است، زیرا که او آنجا سکونت می‌کند.

و در اشعیا نیز: (۹...گفت: افتاد، بابل افتاده است و تمامی تمثال‌های تراشیده خدایانش را بر زمین شکسته‌اند).<sup>(۵)</sup>

۱- انجیل متی باب ۲۴.

۲- غیبت طوسی: ص ۴۶۳.

۳- الملاحم والفتن: ص ۲۶۳.

۴- اشعیا باب ۱۴.

۵- باب ۲۱.

و در انجیل: (۷...از خدا بترسید و او را جلال دهید، زیرا که ساعت داوری او فرا رسیده است. او را بپرستید که آسمان‌ها و زمین و دریا و چشمه‌ساران را او آفرید.» ۸ و فرشتهٔ دوّمی از پی او آمد و گفت: «سقوط کرد! سقوط کرد بابل آن شهر بزرگ! آن که از شراب زناکاری عقل سوز خود بر همهٔ ملت‌ها خوراند.»<sup>(۱)</sup>

هم‌چنین: (۲) به صدایی سخت پر صلابت فریاد برآورد که: سقوط کرد! سقوط کرد بابل بزرگ! بابل اینک به مسکن شیاطین، و به قرارگاه هر روح ناپاکی، و به جولانگاه هر پرندهٔ ناپاک و نفرت‌انگیزی مبدل شده است.<sup>(۲)</sup>

و در دین خدا چیزی به نام پرنده نجس وجود ندارد، بلکه منظور هواپیماها هستند، و این همان حمله ایالات متحده آمریکا برای انهدام بابل با هواپیماهای ناپاک و نفرت‌انگیزش بود که در خارج رخ داد.

و اما خرابی عراق هنگام نزدیکی وعده الهی در متون مسلمانان بسیار زیاد است و این مثالی است از آن‌ها:

امام صادق (علیه السلام) درباره بغداد فرمود: (...سپس خدای متعال آن را خراب می‌کند با آن فتنه‌ها و پرچم‌ها تا این که اگر کسی بر ما آن بگذرد می‌گوید اینجا روزی زوراء بوده است).<sup>(۳)</sup>

و رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: (واقعهای در بین زورا خواهد بود، گفتند این واقعه چیست ای رسول الله؟ فرمود: شهری میان رودهایی از زمین جوخا که ظالمان اتم بر آن تسلط دارند، با چهار نوع عذاب شکنجه خواهد شد خسف و مسخ و پرتاب).<sup>(۴)</sup>

از جمله جریان‌هایی که در بغداد اتفاق افتاد که از نتیجه‌هایش اختلاف رهبران است همان انتخابات است که برای بار اول در تاریخ بغداد انجام می‌شود.

رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: (وای وای بر اتم از شورای بزرگ و شورای کوچک. از ایشان درباره آن سؤال شد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: اما شورای بزرگ در شهر خودم بعد از وفاتم برای غصب خلافت برادرم و غصب حق دخترم منعقد می‌شود. و اما شورای کوچک در غیبت کبری در زوراء (بغداد) برای تغییر سنتم و تبدیل و عوض کردن احکامم منعقد می‌گردد).<sup>(۵)</sup> و زورا همان "منطقه سبز" در بغداد کنونی است.

این اتفاقات می‌افتد در حالی که ریاست عراق در دست کردها قرار گرفته است، امام علی (علیه السلام) در مورد عراق هنگام نزدیک شدن روز موعود فرمود: (وقتی که ناقوس به صدا درآید... و در این هنگام شگفتی‌هاست و

۱- مکاشفه یوحنا ۱۴.

۲- باب ۱۸.

۳- مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۸۸.

۴- کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۷۹.

۵- مائتان و خمسون علامه: ص ۱۳۰.

چه شگفتی و عجائبی هنگامی که آتش در بصری کشیده می‌شود... پرچم بزرگان کردها منعقد گردد...<sup>(۱)</sup>

۳- افزایش آمار زلزله‌ها و سیلاب‌ها و وباءها و گرسنگی و امثال‌شان:

در تورات: (۳) آواز خداوند فوق آب‌ها است. خدای جلال رعد می‌دهد. خداوند بالای آب‌های بسیار است... ۱۰ خداوند بر توفان جلوس نموده. خداوند نشسته است پادشاه تا ابد الابد. ۱۱ خداوند قوم خود را قوت خواهد بخشید.<sup>(۲)</sup>

و نیز: (۵) و این ناگهانی و در لحظه‌ای واقع خواهد شد. ۶ و از جانب «رب الجنود (پروردگار سربازان)» با رعد و زلزله و صوت عظیم و گردباد و توفان و شعله آتش سوزنده از تو پرسش خواهد شد.<sup>(۳)</sup>

و در انجیل: (۷) زیرا قومی بر قومی دیگر و حکومتی بر حکومتی دیگر بر خواهند خاست و قحطی‌ها و زلزله‌ها در جای‌های گوناگون خواهد آمد.<sup>(۴)</sup>

و همچنین در آن: (۳۷) زمان ظهور پسرانسان مانند روزگار نوح خواهد بود. ۳۸ زیرا در روزهای پیش از توفان قبل از اینکه نوح به کشتی درآید مردم می‌خوردند و می‌نوشیدند و زن می‌گرفتند و شوهر می‌کردند و ۳۹ نمی‌دانستند چه در پیش است تا اینکه توفان آمد و همه را با خود برد ظهور پسر انسان نیز همین‌گونه خواهد بود.

و نزد مسلمانان نیز روایات بسیاری در این مورد آمده:

از رسول الله ﷺ: (به شما بشارت مهدی را می‌دهم در اتمم مبعوث می‌شود، در حالی که اختلاف میان مردم است و زلزله‌ها).<sup>(۵)</sup>

و از امام علی عليه السلام: (در میان دستان قائم، مرگ سرخ و مرگ سفید خواهد بود، پس مرگ سرخ با شمشیر و مرگ سفید با طاعون خواهد بود).<sup>(۶)</sup>

همچنین از حضرت در حدیثش در مورد علایم مصلح جهانی در آخر الزمان: (... سپس بعد از توفان آب خواهد

۱- بشاره الاسلام: ص ۱۰۴.

۲- مزمور باب ۲۹.

۳- اشعیا باب ۲۹.

۴- متی باب ۲۴.

۵- مسند احمد: ج ۳ ص ۳۷.

۶- غیبت نعمانی: ص ۲۸۶.

بود پس هر که از شمشیر نجات یافت از آب نجات نخواهد یافت.<sup>(۱)</sup>

و از امام باقر (علیه السلام) (قائم ما قیام نمی‌کند مگر پس از ترس شدید، اضطراب‌ها، نگرانی‌ها، فتنه‌ها و بلاهایی که بر مردم وارد شود. و پیش از آن فتنه‌ها طاعون شایع شود).<sup>(۲)</sup>

و این جریان‌ها در اکثر کشورهای عالم قابل انکار نیست از جمله زلزله‌ها و وباء‌ها و سیلاب‌ها، تغییرات جهانی آب و هوا، هشدار از گرسنگی کشنده که میلیون‌ها نفر را تهدید کرده، فروپاشی اقتصاد جهانی و غیره که از طرف سازمان‌های جهانی مانند سازمان بین الملل و غیر از آن‌ها اعلام شده، و قطعاً آنچه که مخفی است هولناک‌تر و خطرناک‌تر از خبرهایی است که در حال حاضر اعلام شده، و همانا که هراس و ترسی که بشریت در این ایام در آن به سر می‌برند بی‌نظیر است.

۴- آیه‌های آسمانی دیگری که نشان دهنده روز موعود هستند:

در تورات آمده: (۱) خداوند سلطنت می‌کند، پس ای ساکنان زمین شادی کنید و ای جزیره‌های دور دست خوشحال باشید ۲ ابرها و تاریکی اطراف خداوند را گرفته‌اند، سلطنتش بر عدل و انصاف استوار است ۳ آتش پیش روی وی می‌رود و دشمنان او را به اطرافش می‌سوزاند ۴ برق‌هایش ربع مسکون را روشن می‌سازد زمین این را بدید و بلرزید ۵ کوه‌ها از حضور خداوند مثل موم گداخته می‌شوند، از حضور خداوند تمامی جهان ۶ آسمان‌ها عدالت او را اعلام می‌کنند و جمیع قوم‌ها جلال او را می‌بینند... ۱۱ نور برای عادلان کاشته شده است و شادمانی برای راست دلان ۱۲ ای عادلان، در خداوند شادمان باشید، و ذکر قدوسیت او را حمد بگویید).<sup>(۳)</sup>

هم‌چنین می‌خوانیم: (و در آسمان و زمین عجایب به ظهور خواهیم آورد، خون و آتش و ستون‌های آتشین. ۳۱ آفتاب به تاریکی و ماه به خون مبدل خواهند شد، پیش از ظهور یوم عظیم و مهیب خداوند).<sup>(۴)</sup>

و در انجیل: (۱۹) بالا در آسمان، عجایب و پایین بر زمین، آیاتی از خون و آتش و دود به ظهور خواهیم آورد ۲۰ بیش از فرا رسیدن روز عظیم و پرشکوه خداوند خورشید به تاریکی و ماه به خون مبدل خواهد شد).<sup>(۵)</sup>

و نیز: (بلافاصله پس از مصیبت آن روزها «خورشید تاریک خواهد شد و ماه دیگر نور نخواهد افشاند، ستارگان از آسمان فرو خواهند ریخت و نیروهای آسمان به لرزه در خواهد آمد». ۳۰ آن‌گاه نشانه پسر انسان در آسمان ظاهر خواهد شد و همه طوایف و جهان بر سینه خود خواهند زد و پسر انسان را خواهند دید که با قدرت و جلال عظیم

۱- ملاحم و فتن: لابن طاووس ص ۱۲۵.

۲- بحار الانوار: ج ۵۵ ص ۲۳۱.

۳- مزامیر ۹۷.

۴- یوئیل باب ۲.

۵- اعمال رسولان باب ۲.

بر ابرهای آسمان می آید).<sup>(۱)</sup>

و حال اگر این متون و برخی دیگر از آن‌ها را با متون مسلمانان که البته بسیار زیاد درباره نشانه‌های کیهانی هنگام نزدیک شدن روزهای نجات دهنده جهانی صحبت می‌کنند ارائه دهیم خواهیم دید که همه درباره یک امر واحد صحبت می‌کنند، پس ظهور آتش (و دشمنان به اطرافش را می‌سوزاند) و زلزله‌ها و آتش‌فشان‌ها (کوه‌ها مانند موم گداخته می‌شوند) و کسوف آفتاب (آفتاب به تاریکی مبدل شد) (تاریک می‌شود) و خسوف (ماه دیگر نور نخواهد افشاند) و پرتاب شهاب سنگ و امثالهم (ستارگان از آسمان فرو خواهند ریخت) و غیره از جمله توفان‌ها و فروریزی زمین و دود... الی آخر، همه این‌ها علامات یک روز موعود هستند که همه عالم در انتظارش است، و آن (روز قائم است).

و همان‌طور که خواندیم دود علامتی است بر (قیام ساعت = قیام قائم)، هم‌چنین امام صادق علیه السلام فرمود: (همانا که زلزله‌ها و دو کسوف و بادهای هولناک از علامت‌های ساعت هستند، پس اگر چیزی از آن‌ها را دیدید به یاد قیام ساعت باشید و به مساجدتان پناه ببرید).<sup>(۲)</sup>

و رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: (در آخر الزمان خسف و پرتاب و مسخ خواهند بود).<sup>(۳)</sup>

و علی علیه السلام فرمود: (برای مهدی در آسمان نشانه‌ای آشکار و در زمین همانندش در یک زمان خواهد بود، دستی با پنج انگشت و زمین لرزه و آتش و خسف و فروریزی، خداوند بعضی از بلاد ترک را منهدم خواهد کرد).<sup>(۴)</sup>

و از خالد بن معدان نقل می‌شود که: (نشانه‌ای ظاهر خواهد شد ستونی آتشین از جانب مشرق خارج خواهد شد که اهل زمین همه آن را خواهند دید، پس هر که آن را مشاهده کرد خوراک یک سال را برای خانواده‌اش ذخیره کند).<sup>(۵)</sup>

و ابن حماد مروزی در کتاب فتن خود از ولید نقل می‌کند: (به من از کعب رسیده که گفت: ستاره‌ای دنباله‌دار قبل از خروج مهدی از طرف مشرق نمایان می‌شود).<sup>(۶)</sup>

و امام باقر علیه السلام فرمود: (در نزدیکی موعود این امر در ماه خسوفی خواهد شد در پنج روز مانده و کسوفی برای

۱- متی باب ۲۴.

۲- وسائل الشیعه: ج ۴ ص ۴۸۷.

۳- مجمع الزوائد: ج ۸ ص ۱۰.

۴- ما ذا قال علی عن آخر الزمان ص ۲۳۷.

۵- الفتن: لابن حماد ص ۱۳۲.

۶- الفتن: ص ۱۳۳.

خورشید در پانزدهمین روز ماه رمضان و این گونه است که حساب منجمان دیگر ساقط خواهد شد.<sup>(۱)</sup>

و از نشانه‌های آسمانی نیز ظهور کف دستی در آسمان است، امام صادق (علیه السلام) فرمود: (و کف دستی که از آسمان ظاهر می‌شود حتمی است).<sup>(۲)</sup>

و از اسما بنت عمیس: (علامت آن روز - یعنی وقت ظهور مهدی - دستی از آسمان دراز می‌شود و مردم برای دیدنش می‌گردند).<sup>(۳)</sup>

و این کف دست در آسمان طبق گزارش سازمان فضایی ناسا ظاهر شده و این عکس نشان دهنده‌ی آن می‌باشد:



[http://www.nasa.gov/mission\\_pages/chandra/multimedia/photo09-025.html](http://www.nasa.gov/mission_pages/chandra/multimedia/photo09-025.html)

و این نشانه آسمانی است که به علامت‌های گذشته اضافه می‌شود.

و از نشانه‌ها همچنین ملخ سرخ (به رنگ خون) می‌باشد، امام علی (علیه السلام) فرمود: (در هنگامه‌ی قیام قائم مرگ سفید و مرگ سرخ و ملخ به جا و نا به جا به رنگ خون خواهند بود).<sup>(۴)</sup>

و همانندش در رؤیای یوحنا که خبر روز نجات و داوری را متضمن است می‌خوانیم: (۳ و از میان دود، ملخ‌ها به زمین برآمدند و به آن‌ها قوتی چون قوت عقرب‌های زمین داده شد).<sup>(۵)</sup>

و این ملخ‌های قرمز در واقع شرق آفریقا را در بر گرفته و باعث خسارت سنگینی در زمینه‌های کشاورزی شد و در روز ۲۴ (ژوئن) در سال ۲۰۰۹ و در گزارش سازمان غذا و کشاورزی (فاو) گفته شد که کمپین اضطراری بین المللی در مبارزه با ملخ قرمزی در شرق و جنوب آفریقا موفق شد.

۵- افزایش هرج و مرج و ریشه‌کنی حکومت‌ها به دست مردم:

در این ایام در کشورهای خاورمیانه و برخی از کشورهای اتحادیه اروپا و بعضی دیگر از کشورهای جهان

۱- غیبت نعمانی: ص ۲۸۰.

۲- بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۳۳.

۳- مهدی آخر الزمان: لابن حسام الدین المنقی ص ۶۹.

۴- منتخب الانوار المضيئه: ص ۳۰.

۵- باب ۹.



انقلاب‌هایی بر علیه حاکمان‌شان انجام می‌شود و این متون این حقیقت را تایید می‌کنند:

در انجیل: (۷ نیز قومی بر قومی دیگر و حکومتی بر حکومتی دیگر بر خواهند خاست).<sup>(۱)</sup>

و از پیامبر (ص) فرمود: (علم برداشته می‌شود و هرج و مرج فراگیر می‌شود گفته شد: ای رسول الله هرج و مرج چیست؟ پس با دستش اشاره‌ای کرد که انگار مراد از آن قتل بود).<sup>(۲)</sup>

و وقتی از امام صادق (علیه السلام) پرسیده شد که فرج شیعیان تان کی خواهد بود؟ پس از میان علامت‌های قائم (علیه السلام) یاد کرد از: (همانا که مردم عرب بر حاکمان‌شان خروج خواهند کرد)<sup>(۳)</sup> و حال عرب حاکمانش را ریشه‌کن کرد و هرج و مرج در بسیاری از مناطق دنیا افزایش یافته است.

این بیان خلاصه‌ای از برخی از نشانه‌های روز موعود است. و به یگانگی آن رسیدیم؛ همان‌طور که قبلا به یگانگی رسول و منجی بشریت (قائم آل محمد) رسیدیم. اتفاقات دیگری است که هم‌چنین در آینده آن را مورد بحث قرار می‌دهیم، ان شاء الله.

پس ای مردم زمین چه چیزی باقی مانده برای اینکه مطمئن شوید که رهایی‌بخش و منجی جهانی و مهدی موعود در میانتان است و فریاد می‌زند پس خود را قبل از حمله و انتقام الهی توفان بزرگ نجات دهید.

\* \* \*

## ۷. اصلاح طلب جهانی از مشرق آغاز می‌کند (عراق):

متون فراوانی نزد پیروان رسالات الهی نشان می‌دهد که منجی با دعوت جهانی بزرگش از مشرق آغاز می‌کند و شرقی که محمد و خاندانش و موسی و عیسی و اولیای خدا (علیهم السلام) درباره‌اش صحبت کردند با مقایسه به مکه (عراق) است.

و اما آغاز حرکت مهدی و اینکه فرمانداری پرچم‌های سیاه از مشرق است نزد مسلمانان امری واضح و آشکار است، پیامبر اکرم محمد (ص) فرمود: (مردمی از مشرق خارج می‌شوند و زمینه سازی برای سلطنت مهدی می‌کنند).<sup>(۴)</sup>

و فرمود: (همانا ما اهل بیتی هستیم که خداوند آخرت را برای ما بر دنیا برگزیده است. همانا اهل بیتم بعد از من،

۱- متی باب ۲۴.

۲- صحیح بخاری: ج ۱ ص ۲۹.

۳- الکافی: ج ۸ ص ۲۲۴.

۴- سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۳۶۸.

دچار بلاها و سختی‌ها و تبعیدها خواهند شد تا زمانی که گروهی از طرف مشرق می‌آیند. همراه آنان پرچم‌های سیاه است و آنان طالب خیر هستند... آن پرچم را به دست مردی از اهل بیت من می‌سپارند و او زمین را پر از عدالت می‌کند، همان‌طور که پر از ظلم شده باشد. هر کس از شما که آن را درک کرد، باید با آن‌ها همراهی کند، حتی اگر بر روی برف حرکت کند).

و امام علی (علیه السلام) فرمود: (قبل از خروج مهدی مردی از اهل بیتش خروج می‌کند و شمشیر را هشت ماه بر دوش می‌گذارد، می‌کشد و می‌کشد متوجه بیت المقدس می‌شود).<sup>(۱)</sup>

و منظور از مردی از اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امام مهدی (علیه السلام)، فرزند و وصیش (قائم احمد) است و این در وصیت رسول الله (صلی الله علیه و آله) و روایات اهل بیت ایشان به طور واضح بیان خواهد شد.

همچنین از امام علی (علیه السلام): (و بدانید اگر تابع طالع مشرق شدید با شما راه‌ها و مناهج رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را سلوک خواهد کرد و از کوری و گنگی و کری شفا پیدا می‌کنید).<sup>(۲)</sup>

و در انجیل: (۲۷) زیرا همچنان صاعقه در شرق آسمان پدید می‌آید و نورش تا غرب می‌رسد ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد بود).<sup>(۳)</sup>

و بدین‌گونه بیان کرد که ابتدای ظهورش از مشرق به مغرب خواهد بود، و مشرق با در نظر گرفتن محل سکونت عیسی (علیه السلام) در آن زمان، عراق می‌باشد، و برقی که از مشرق خروج می‌کند و در مغرب ظاهر می‌شود ابراهیم (علیه السلام) است، که خروجش از عراق بود و در زمین مقدس ظاهر شد.

و اما در تورات: (۷) پروردگار چنین می‌گوید: اینک من قوم خود را از زمین مشرق و از زمین مغرب آفتاب خواهم رهانید. ۸ و ایشان را خواهم آورد که در اورشلیم سکونت نمایند و ایشان قوم من خواهند بود و من برآستی و عدالت خدای ایشان خواهم بود).<sup>(۴)</sup> و معنایش این است که منجی در ابتدا از مشرق زمین شروع خواهد کرد.

و درباره منجی «رب الجنود (پروردگار سربازان)» در تورات نیز ذکر شده که: (زیرا که آن روز، روز انتقام «رب الجنود (پروردگار سربازان)» می‌باشد که از دشمنان خود انتقام بگیرد. پس شمشیر می‌خورد، سیر می‌شود و از خون ایشان مست می‌گردد. زیرا خداوند «رب الجنود (پروردگار سربازان)» در زمین شمال نزد نهر فرات ذبحی

۱ - کتاب الفتن: نعیم بن حماد ص ۲۱۶ + ملاحم و فتن: لابن طاووس ب ۱۳۳ ص ۱۳۶ کنز العمال: ج ۱۴ ص

۵۸۹ ح ۳۹۶۶۹۰ شرح احقاق الحق: للسید المرعشی ج ۱۳ ص ۳۱۳.

۲ - الکافی: ج ۸ ص ۶۶.

۳ - متی باب ۲۴.

۴ - زکریا باب ۸.

(۱) دارد.

اما اینکه رود فرات در عراق قرار گرفته، امری واضح و روشن است و اما اینکه برای منجی قربانی‌ای نزد آن رود وجود دارد، برای این است که این منجی همان قائم آل محمد (علیه السلام) است، و این قائم اگر خود همان، وعده عیسی (علیه السلام) یعنی تسلی دهنده باشد، طبق متون گذشته طالب حق همه انبیاء خواهد بود، ولی آن قربانی عزیزی که خواستار انتقام خونش است جدش حسین (علیه السلام) می‌باشد که در کربلا در کنار رود فرات به شهادت رسید.

لذا امام مهدی (علیه السلام) به ما در دعای ندبه یاد می‌دهد که در یاد فرزندش سوگواری کنیم و بخوانیم: **(کجاست خواهند حق پیامبران و فرزندان پیامبران، کجاست خواهند خون کشته در کربلا)** و چون کربلا در شمال بصره قرار گرفته، پس این بدین معناست که محل سکونت و جایی که از آن شروع می‌کند در جنوب کربلا خواهد بود، مثلاً در این متن: **(این کیست که از ادوم با لباس سرخ از بصره می‌آید؟ یعنی این که به لباس جلیل خود ملبَس است و در کثرت قوت خویش می‌خرامد؟ من که به عدالت تکلم می‌کنم و برای نجات، زور آور می‌باشم)**.<sup>(۲)</sup> و آن بصره است نه (بصره) آن طور که جعل کنندگان آن را عمداً تغییر داده‌اند.

و امام علی (علیه السلام) اولین نزدیکان به امام مهدی (علیه السلام) را ذکر کرد و فرمود: **(...همانا که اولین آن‌ها از بصره و آخرین‌شان از ابدال می‌باشد)**<sup>(۳)</sup> و وقتی که از امام صادق (علیه السلام) نام این اولین نفر را می‌شنویم که در حدیثی می‌فرماید: **(و از بصره... احمد)**<sup>(۴)</sup> هیچ تصادفی در کار نیست زیرا که احمد همان اولین نزدیکان به امام مهدی (علیه السلام) و خلیفه و فرستاده‌اش به سوی مردم می‌باشد طبق وصیت مقدس رسول الله ﷺ در شب وفاتش که آن را ان شاء الله ارائه خواهیم داد، و این فرستاده نیز مهدی است و در (بخش پنجم) خواندیم که فرمانده پرچم‌های سیاه از طرف مشرق خلیفه مهدی (علیه السلام) است و اینکه نامش **(احمد)** است.

اکنون راز تاکید بر عراق (بابل) در عهد جدید و قدیم برای ما آشکار شد و طبیعتاً راز اهمیت منطقه خاورمیانه برای استکبار جهانی (علی‌الخصوص آمریکا) را متوجه می‌شویم چگونه؟ در حالی که آن مملکت آهنین بر اساس نص دانیال نبی در تورات، منجی آن را به آتش می‌کشاند و همچنین رویدادهایی دیگر در کشورهای شرقی اتفاق می‌افتد که در متون ادیان الهی ذکر شده‌اند:

از جمله مصر. در نشانه اول از بحث پیشین، سخن خراب شدن آن، از کعب الاخبار گذشت، و از امام علی (علیه السلام) این حدیث را می‌خوانیم: **(صاحب مصر علامت علامت‌هاست و نشانه او آن است که دارای امارت (حکومت) است. قلب او حسن است و سر او محمد و نام جدش را تغییر می‌دهد. اگر او بیرون رفت بدانید که مهدی**

۱ - ارمیاء باب ۴۶.

۲ - اشعیا باب ۶۳.

۳ - بشاره الاسلام: ص ۱۴۸.

۴ - بشاره الاسلام: ص ۱۸۱.

درب‌های شما را خواهد کوبید، پس قبل از این که درب‌هایتان را بکوبد به سویس ولو بروی ابرها پرواز کنید یا سینه خیز بروی یخ بشتابید.<sup>(۱)</sup>

همان‌طور که همه می‌دانند نام صاحب مصر "محمد حسنی مبارک" است و نام جدش را تغییر داده یعنی از (سید) به (مبارک)، و اینکه قلبش "حسن" است یعنی نام یا وسط نام او "حسنی" و اینکه سرش "محمد" است یعنی: ابتدای نامش. و اوست که از حکومت خارج شده و در حال حاضر ضعف دولت مصر و خرابی‌اش آشکار شده است.

و دعوت قائم (احمد) در سراسر دنیا طنین انداز شده است.

اما امر خرابی مصر در هنگام نزدیک شدن روز رهایی، ذکر شده و این نمونه‌ای از آن می‌باشد: (۴) زیرا که آن روز نزدیک است و روز خداوند نزدیک است! روز ابرها و زمان امت‌ها خواهد بود! ۳ و شمشیری بر مصر فرود می‌آید. و چون کشتگان در مصر بیفتند، آنگاه درد شدیدی بر حبش مستولی خواهد شد. و جمعیت آن را گرفتار خواهند کرد و اساسش منهدم خواهد گردید.<sup>(۲)</sup>

همچنین از جمله سرزمین حجاز، پیامبر ﷺ فرمود: (بر حجاز (عربستان) مردی که نامش، نام حیوان است حکومت می‌کند. اگر از دور به او نگاه کنی فکر می‌کنی که چشمش انحراف دارد ولی اگر به او نزدیک شدی در چشمش مشکلی نمی‌بینی، جانشین یا خلیفه‌اش برادرش که اسمش عبدالله است خواهد بود وای بر شیعه ما از دست او، پس این جمله را سه بار تکرار نمود، بشارت مرگش را به من بدهید. شما را به ظهور حجت بشارت می‌دهم)<sup>(۳)</sup> دو حاکم حجاز همان فهد است و خلیفه‌اش، برادرش عبدالله هر دو به حکومت رسیدند همان‌طور که رسول الله ﷺ فرمود.

و امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: (هر کس مرگ عبدالله را برای من ضمانت کند، برای او [قیام] قائم را ضمانت می‌کنم. سپس فرمود: هر گاه عبدالله بمیرد، مردم بعد از او بر کسی گرد نمی‌آیند و این از هم گسیختگی، اگر خدا بخواهد، جز به دست صاحب شما به پایان نمی‌رسد).<sup>(۴)</sup>

همچنین شام (سوریه و اطرافش) باز هم در روایات و متون ادیان بی‌نصیب نمانده است، که در نزد مسلمانان منبع ظهور سفیانی، سوریه می‌باشد و نیز اتفاقاتی که در این وقت آنجا حاصل می‌شود در دو عهد جدید و قدیمی ذکر شده‌اند.

۱ - کتاب ماذا قال علی (علیه السلام) عن آخر الزمان: ص ۳۳۰.

۲ - حزقیال باب ۳۰.

۳ - مائتان و خصمون علامه: ج ۱ ص ۱۱۶.

۴ - بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۱.

اینک بر می‌گردم سراغ رابطه ابرها با قائم و منجی جهانی و می‌گوییم:

\* \* \*

۸. احمد همان فردی است که بر ابر می‌آید. آیا واضح‌تر از اینکه آسمان، (نام) او را با

ابرهایی از دود نوشته است!!

همانا که ارتباط منجی جهانی با ابرها امری است که متون دینی در رسالات الهی بر آن تأکید داشته‌اند، که بعضی از امور مربوط به آن را در گذشته عنوان کردیم و اینجا به‌طور مختصر عنوان می‌کنیم: در تورات: (۵) و خداوند در ستون ابر نازل شده، به در خیمه ایستاد، و هارون و مریم را خوانده، ایشان هر دو بیرون آمدند. ۶ و او گفت: الان سخنان مرا بشنوید: اگر در میان شما نبی‌ای باشد، خود را در رؤیا بر او ظاهر می‌کنم و در خواب به او سخن می‌گویم.<sup>(۱)</sup>

و نیز: (۱۰... و اینک جلال خداوند در ابر ظاهر شد. ۱۱ و خداوند موسی (علیه السلام) را خطاب کرده، گفت: ۱۲...<sup>(۲)</sup>.)

و (۱) خداوند سلطنت گرفته است، پس زمین شادی کند و جزیره‌های بسیار مسرور گردند. ۲ ابرها و ظلمتِ غلیظ گرداگرد اوست...<sup>(۳)</sup>.)

و در انجیل: (۲۹) بلافاصله پس از تنگی آن، روزها خورشید تاریک خواهد شد... و ماه دیگر نور نخواهد افشانند ستارگان از آسمان فرو خواهند ریخت و نیروهای آسمان به لرزه درخواهد آمد. ۳۰ آنگاه نشانه پسر انسان در آسمان ظاهر خواهد شد و همه طوایف جهان بر سینه خود خواهند زد و پسر انسان را خواهند دید که با قدرت و جلال عظیم بر ابرهای آسمان می‌آید. ۳۱ و فرشتگان خود را با نفیر بلند شیپور خواهد فرستاد و آن‌ها برگزیدگان او را از چهارگوشه جهان، از یک کران آسمان تا کران دیگر گرد خواهند آورد<sup>(۴)</sup> و همانند آن در انجیل مرقس باب ۱۴ پیدا می‌شود.

و نیز در انجیل: (اینک بر ابرها می‌آید و هر چشمی او را خواهد دید و آنانی که او را نیز زدند و تمامی امت‌های جهان برای وی خواهند نالید...<sup>(۵)</sup>.)

۱ - سفر اعداد، اصحاح ۱۲.

۲ - سفر خروج، اصحاح ۱۶.

۳ - مزموور باب ۹۷.

۴ - انجیل متی باب ۲۴.

۵ - مکاشفه ی یوحنا باب ۱.

و این ابری که منجی و رهایی بخش با آن مؤید است، مسلمانان نیز به آن و ارتباطش با قائم آل محمد (علیه السلام) در آخر الزمان اعتقاد دارند عبدالرحیم، نقل کرد امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: (و اما ذوالقرنین در انتخاب دو ابر رام و سرکش آزاد بود و ابر رام را انتخاب کرد و ابر سرکش برای صاحبان "قائم" ذخیره شد گفتیم: سرکش چیست؟ فرمود: آنچه که رعد و برق و آذرخش دارند، صاحبان سوارش می‌شود. همانا که او سوار ابرها خواهد شد و از جایی به جای دیگر منتقل خواهد شد).<sup>(۱)</sup>

پس این واضح شد، دوباره اهل زمین را به نشانه‌ای آسمانی که مدت زیادی بر آن نگذشته تذکر می‌کنم، که بعدازاین نشانه اخطارهای عذاب یکی پس از دیگری نمایان شد، و آن آتشفشان (ایسلند) است و می‌گوییم:

تنور: همان جایی است که آتش در آن می‌سوزد یا آتش در آن سکونت دارد، و جوشیدن ماده به معنی حرکت و خروجش از آنجایی است که در آن وجود دارد، پس آتشفشان به معنی تنور و جنبشش به معنی فورانش و هواپیما در ملکوت به معنای فرج، آسایش، عمل آسوده و رفاه برای انسان است.

آتشفشان (ایسلند) جوشید و پرواز هواپیماهای دنیا را از کار انداخت، و این نشانه‌ای است برای نشانه‌داران و علامتی برای نزدیک شدن امر خدا، خدای متعال می‌فرماید: ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ﴾.<sup>(۲)</sup> (تا آنگاه که فرمان ما در رسید و تنور فوران کرد فرمودیم در آن [کشتی] از هر حیوانی یک جفت با کسانت مگر کسی که قبلا درباره او سخن رفته است و کسانی که ایمان آورده اند حمل کن و با او جز [عده] اندکی ایمان نیاورده بودند).

و علی‌رغم همه امکانات مادی در دسترس امروز، اگر به تو کشتی‌ای بدهم و بگویم: در این کشتی جفت‌های گوناگون حیوانات را سوار کن به چقدر وقت نیاز خواهی داشت؟ در زمان نوح (علیه السلام) چقدر وقت نیاز بود؟ لاقلاً یک ماه، پس میان فعالیت تنور یا برون‌افکنی آتشفشان و نزول عذاب ماه‌ها خواهد بود اگر خدا بخواهد امرش را انجام دهد. پس فوران تنور برای نوح (علیه السلام) نشانه نزدیک شدن عذاب بود تا اینکه برای نزول عذاب آماده شود، و حال برای مردم امروز همین‌گونه است، و همان‌طور که برای زمان نوح (علیه السلام) تنور و عذابی وجود داشت. پس برای این زمان نیز تنور و عذابی خواهد بود، و کشتی قائم (علیه السلام) امروز همانند کشتی نوح (علیه السلام) معروف است.

در انجیل ذکر شده: (۳۷ زمان ظهور پسر انسان مانند روزگار نوح (علیه السلام) خواهد بود...)<sup>(۳)</sup>

و نیز (۱۴ آنگاه همین‌که نظر کردم، ابری سفید پیش رویم بود و بر آن ابر یکی نشسته بود که به پسر انسان می‌مانست و تاجی از طلا بر سر داشت و داسی تیز در دست. ۱۵ آنگاه فرشته‌ای دیگر از معبد بیرون آمد و به

۱ - بصائر الدرجات: ص ۴۲۹.

۲ - هود: ۴۰.

۳ - انجیل متی باب ۲۴.

بانگ بلند به آن که بر ابر نشسته بود گفت: «داس خود برگیر و دروکن، زیرا که زمان درو فرارسیده و محصول زمین آماده برداشت است.» ۱۶ پس آن که بر ابر نشسته بود داس خویش بر زمین بگرداند و محصول زمین برداشت شد.<sup>(۱)</sup>

و اما آنچه که در این آیه آسمانی نمایان شد، در این عکس مشاهده می‌شود:

<http://www.almahdyoon.info/vb/t3014.html>



این عکس نشان دهنده آن چیزی است، که توسط ابر دودین در آسمان نوشته شد، همانا که این نام قائم و منجی و مخلص (احمد) است.

و اگر بپرسی چرا (احمد)؟ جواب این است: به دلیل آنچه که در گذشته ارائه شد و آنچه که در آینده عنوان خواهد شد، این که (قائم نزد مسلمانان = قائم (بنده حکیم و دانا)، نزد مسیحیان = قائم (از یسی نزد یهود)) است. پس او به وضوح همان اصلاح طلب جهانی منتظر است و شکر و سپاس از آن خداوند جهانیان است.

و اما منحصر کردن لفظ (پسر انسان) فقط به عیسی ﷺ همان طور که مسیحیان در تصور دارند، صحت ندارد. زیرا که اگر این گفته‌های عیسی ﷺ را بخوانیم: (۲۹ بلافاصله پس از مصیبت آن روزها خورشید تاریک خواهد شد... ۳۰ آنگاه نشانه پسر انسان در آسمان ظاهر خواهد شد و همه طوایف جهان بر سینه خود خواهند زد... ۳۷ زمان ظهور پسر انسان مانند روزگار نوح خواهد بود)، می‌دانیم که او درباره منجی و رهایی بخش جهانی صحبت می‌کند همچنین وی فرمود: (۴۵ پس آن غلام حکیم و دانا کیست، که آقایش او را بر بندگانش گماشته تا ایشان را در وقت معین خوراک دهد...) (۲) و این بدین معناست که غلام قائم منتظر، که عیسی ﷺ وعده او را داده نقش اساسی‌ای در روز نجات خواهد داشت. همان طور که در بحث‌های گذشته در مورد صفات فرستاده موعود نمایان شد. همچنین در بحث کیفیت آمدنش واضح شد که آمدن عیسی ﷺ در آن روز با آمدن شبیه و یا نماینده‌اش محقق خواهد شد، و این برای پاسخ به اشکالات‌شان علی‌رغم اصرارشان بر منحصر کردن لفظ به عیسی ﷺ کافی است.

۱ - مکاشفه یوحنا، باب ۱۴.

۲ - متی باب ۲۴.

پس آن شخصی که می‌آید شبیه عیسی (علیه السلام) است همان‌طور که متن ارائه‌شده در عقیده‌شان این امر را تأیید می‌کند: (۱۴) آنگاه همین که نظر کردم، ابری سفید پیش رویم بود و بر آن ابر یکی نشسته بود که به پسر انسان می‌مانست.<sup>(۱)</sup>

می‌ماند اینکه دادن صفت رب «یا مربی و مدبر» به منجی و رهایی بخش در تورات و انجیل: (و اینک جلال خداوند در ابر ظاهر شد. ۱۱ و خداوند موسی (علیه السلام) را خطاب کرده) (خداوند سلطنت گرفته است) (خداوند «رب الجنود (پروردگار سربازان)») (پس بیدار باشید زیرا نمی‌دانید سرور شما چه روزی خواهد آمد) و غیره، همان حقیقتی است که در قرآن کریم به آن اشاره شده: ﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهِ﴾<sup>(۲)</sup> امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: (همانا قائم ما چون قیام کند زمین به نور پروردگارش درخشان گردد و مردم بی‌نیاز شوند).<sup>(۳)</sup>

و مفضل از حضرت در مورد این آیه پرسید و امام (علیه السلام) در جواب فرمود: (پروردگار زمین یعنی امام زمین، عرض کردم: اگر خروج کند «یعنی قائم» چه می‌شود؟ فرمود: آنگاه مردم بی‌نیاز می‌شوند...).<sup>(۴)</sup> و اما درباره سخن گفتن رهایی بخش، با موسی (علیه السلام) همان‌طور که در تورات، به آن تصریح شده است و واضح شد که قائم (احمد) از آل محمد (صلی الله علیه و آله) است، پس او همان شخصی است که امام علی (علیه السلام) در هنگامی که به منتظران، بشارت قائم و بعثتش را می‌داد، به او اشاره کرد، زیرا حضرت می‌گوید:

(... پس در آن هنگام عجایب و چه عجایی خواهد بود، اگر آتش در بصری گذاخته شود و پرچم عثمانی در وادی سیاه ظاهر گردد؛ شهر بصره مضطرب گشت، و برخی از آنان بر بعضی دیگر غلبه پیدا نمود، و هر گروهی به سوی گروهی متمایل گردید، و پرچم بزرگان کردها منعقد گشت، و عرب بر سرزمین ارمن و سقلا ب چیره گردد، پس توقع ظهور مکلم موسی (علیه السلام) از جانب شجره بر طور را داشته باشید، پس آن ظاهر خواهد شد به‌طور معلوم و آشکار و دیده خواهد شد آن گونه که توصیف شود).<sup>(۵)</sup>

و اگر خدای متعال خود دریابنده نفوس بشر باشد: ﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ﴾ (خداوند انفس را به هنگام مرگ قبض می‌کند).<sup>(۶)</sup> و او فرشته مرگ نیز هست. که خداوند وی را به امر موکل ساخته: ﴿قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ﴾ (بگو فرشته مرگ که بر شما مأمور شده، (روح) شمارا می‌گیرد).<sup>(۷)</sup> پس در اینکه مکلم که موسی (علیه السلام) همان الله است،

۱ - مکاشفه یوحنا باب ۱۴.

۲ - زمر: ۶۹.

۳ - غیبت طوسی: ص ۴۶۸.

۴ - تفسیر قمی: ج ۲ ص ۲۵۳.

۵ - معجم احادیث امام مهدی: ج ۳ ص ۲۷.

۶ - زمر: ۴۲.

۷ - سجده: ۱۱.



هیچ مانعی وجود ندارد: ﴿وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا﴾ (و خداوند با موسی سخن گفت).<sup>(۱)</sup> و او نیز یکی از اولیای او (خداوند) ایشان به دستور و وکالت از سوی خداوند سبحان، یکی از اولیای اوست؛ همان طور که امام علی علیه السلام تصریح کرده است.

\* \* \*

## ۹. احمد شبیه عیسی مصلوب و آقایی که دوباره باز می گردد:

خدای متعال فرمود: ﴿وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ﴾ (و گفتارشان که: «ما، مسیح، عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم!» نه او را کشتند، و نه بر دار آویختند؛ لکن امر بر آن‌ها مشتبه شد).<sup>(۲)</sup>

و در انجیل صحبت عیسی علیه السلام با شبیهی که به جایش به صلیب کشیده شد را می خوانیم: (تو سیزدهمین خواهی بود و در آینده از نسل‌های دیگر لعنت خواهی شد. ولیکن تو برای پادشاهی بر آنان باز خواهی گشت... لیکن تو برتر از همه آنان خواهی شد. زیرا تو آن انسانی که مرا پوشیده است را قربانی خواهد کرد).<sup>(۳)</sup>

و به درستی که عیسی علیه السلام در حقیقت پروردگارش را دعا کرد: (۳۹ پس قدری پیش رفته به روی خاک افتاد و دعا کرد: «ای پدر من، اگر ممکن است این جام از من بگذرد، اما نه به خواست من، بلکه به اراده تو»).<sup>(۴)</sup> پس آنچه که درخواست کرد را یابید، کسی که جام صلیب را نوشید (سیزدهمین) بود، و آن سیزدهمین همان وصی از خاندان محمد صلی الله علیه و آله است و این امر در وقت ارائه وصیت رسول الله محمد صلی الله علیه و آله واضح خواهد شد و او (قائم احمد) است.

پس هنگامی که رئیس کاهنان از او پرسید و گفت: (۶۵ آیا تو مسیح، پسر خدای زنده هستی)؟<sup>(۵)</sup> او در جواب گفت: (۶۴ تو این را گفتی) متی باب ۲۶ و به او (آری) نگفت و همین گونه نیز جوابش به والی بود وقتی که از او پرسید: (۱۱... آیا تو پادشاه یهود هستی)؟ جواب داد: (تو می گویی) پس باز هم آری نگفت.

امام باقر علیه السلام: (همانا که عیسی به یارانش در شبی که خداوند وی را رفع کرد، وعده داد پس در شامگاه جمع

۱ - نساء: ۱۶۴.

۲ - نساء: ۱۵۷.

۳ - انجیل یهودا مشهد سوم.

۴ - انجیل متی باب ۲۶.

۵ - متی باب ۲۶.

شدند، و آن‌ها دوازده مرد بودند. پس آنان را وارد منزلی کرد و از چشمه آبی در منزل به‌سویشان آمد و همان‌طور که آب را از سرش خشک می‌نمود، فرمود به‌درستی که خداوند من را در این ساعت به‌سویش رفع خواهد کرد و من را از یهودیان پاک خواهد کرد. پس کدام‌یک از شما شبح من را بر خود می‌اندازد و به جای من کشته می‌شود و به صلیب کشیده می‌شود و با من می‌شود و در درجه من، جوانی از میانشان گفت: من ای روح‌الله. گفت: پس تو آن هستی...، سپس علیه‌السلام فرمود: (همانا که یهودیان در آن شب، در طلب عیسی علیه‌السلام آمدند... و آن جوانی که شبح عیسی علیه‌السلام بر او انداخته شد را بازداشت کردند پس کشته شد و به دار آویخته شد).<sup>(۱)</sup>

پس امام باقر علیه‌السلام فرمود: «دوازده تن جمع شدند» درحالی که عدد حواریونی که جمع شده بودند، (یازده تن) بود. پس یهودا نیامد. بلکه به‌سوی علمای یهود رفت. تا عیسی را به آنان تحویل دهد، و این از متواترات غیر قابل‌انکار است).

در انجیل آمده است که: (۱۴ آنگاه یهودا اسخریوطی که یکی از شاگردان عیسی علیه‌السلام بود نزد کاهنان اعظم رفت. ۱۵ و گفت: «چقدر به من می‌دهید تا عیسی علیه‌السلام را به شما تحویل دهم» آنان سی سکه نقره به او دادند).<sup>(۲)</sup>

پس نفر دوازدهمی که آمد، یا آن کسی که از آسمان نازل شد. همان وصی خاندان محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است، آن کسی که به صلیب کشیده شد و به قتل رسید. بعد از اینکه به‌صورت عیسی تجسم یافت و شاید این قضیه سخن عیسی علیه‌السلام به حواریون را تفسیر می‌کند: (... ۳۱ امشب همه شما در من شک خواهید کرد).<sup>(۳)</sup>

و نیز در انجیل: (۳۳ پیلاتوس به داخل کاخ برگشت و دستور داد عیسی علیه‌السلام را نزد او بیاورند آنگاه از او پرسید: «آیا تو پادشاه یهودیان می‌باشی؟» ۳۴ عیسی علیه‌السلام جواب داد: منظورت از پادشاهی که یهودیان منتظرش هستند؟» ۳۵ پیلاتوس گفت: «مگر من یهودی هستم که این چیزها را از من می‌پرسی؟ قوم خودت و کاهنانشان تو را اینجا آورده‌اند چه کرده‌ای؟» ۳۶ عیسی علیه‌السلام فرمود: مملکت من از این عالم نیست. اگر بود خادمان من می‌جنگیدند تا در چنگ سران قوم یهود گرفتار نشوم لیکن حال مملکت من از اینجا نیست. ۳۷ پیلاتوس گفت: «به هر حال تو پادشاهی؟» عیسی علیه‌السلام فرمود: تو می‌گویی، من برای همین منظور متولدشده‌ام و آمده‌ام تا حقیقت را به دنیا بیاورم و هرکسی که از حقیقت باشد صدای من را می‌شنود).<sup>(۴)</sup>

پس مملکت مصلوب همان‌طور که او گفت در زمان به صلیب کشیدنش نبود، زیرا اگر زمان مملکتش بود، خادمان و یارانش در میان دستانش جهاد و تلاش می‌کردند. لیکن او در آن زمان به دنیا آمد تا مأموریتی که بر عهده داشت را برانگیخته و به حق شهادت دهد؛ آن مأموریتی که رابطه‌اش با روز داوری و نجات و دولت عدل

۱ - تفسیر قمی: ج ۱ ص ۱۰۳.

۲ - متی باب ۲۶.

۳ - انجیل متی باب ۲۶.

۴ - یوحنا باب ۱۸.

الهی در آخرالزمان است.

و آخرین کلمات این وصی مصلوب این‌ها بودند: (ایلیا، ایلیا لما شبقتی) و در انجیل متی باب ۲۷: (ایلی ایلی لما شبقتی یعنی: «خدای من، خدای من، چرا مرا تنها گذاشته‌ای؟»).

قائم احمد الحسن ﷺ می‌فرماید:

(و در حقیقت ترجمه کلماتی که او گفت این‌گونه بود: (یا علی یا علی چرا مرا نازل کردی) و نصاری آن را این‌گونه ترجمه می‌کنند: (خدایا خدایا چرا مرا تنها گذاشته‌ای) همان‌طور که از متن گذشته برایتان واضح شد، و نازل کردن و یا گذاشتن بر زمین از آسمان نزدیک به ترک است، و این وصی این کلمات را از روی جهل به علت نازل کردنش، و یا اعتراض بر امر خداوند سبحانه و تعالی نگفت، بلکه این سؤالی بود که جوابش در آن نهفته بود و آن را به مردم متوجه کرد، یعنی اینکه: بفهمید و بدانید چرا من نازل شدم و چرا به صلیب کشیده شدم، تا در این امتحان دوباره شکست نخورید. اگر این سؤال دوباره تکرار شود، پس اگر که دیدید رومی‌ها (همتایانشان) زمین را به دست گرفتند و علمای یهود (و یا همتایانشان) با آنان پیمان صلح بسته و تملق ورزیدند. در آن هنگام در آن زمین خواهم بود، زیرا که این سنت خداست که تکرار می‌شود. پس پند بگیرید و اگر آدم مرا یاری دهید و بار دوم در صلیب و کشتن من مشارکت نکنید.

او خواست در سؤال واضح برای هر عاقل و پاک‌فطرتی بگوید که: (من به صلیب کشیده شدم و عذاب و توهین علمای یهود را تحمل کردم و کشته شدم؛ برای قیامت صغری، قیام امام مهدي ﷺ و دولت حق و عدل الهی بر این زمین... و به خاطر اینکه آن زمان هنوز نیامده بود تا فرستاده شود و مردم را دعوت کند و با آنان سخن گوید، همین‌گونه مانند بره‌ای که برای ذبحش کشیده می‌شود رفت، مانند گوسفندی ساکت در برابر جلادش، همین‌گونه لب‌هایش را باز نکرد، امیدوارم هر مومنی که خواستار حقیقت است از این حادثه استفاده کند، پس این انسان به زمین نازل شد و به صلیب کشیده شد و بی‌صدا کشته شد، و به‌سوی خدایش بی‌صدا بالا رفت، اگر می‌خواهید این‌طور بشوید، پس بشوید).<sup>(۱)</sup>

و نیز در نصیحتی به مسیحیان می‌فرماید:

(و همچنین توجه داشته باشند که این مسئله‌ی باطلی است که عیسی ﷺ برای به صلیب کشیده شدن قرار گرفته باشد، و بطلانش را از انجیل و فرمایشات عیسی ﷺ در طلبش از خدا در مورد این که به صلیب رفتن و عذابش را از او بگذرانند بیان کردم، پس یا اینکه خدا، دعای عیسی ﷺ را پذیرفت و او را رفع کرد و شبیه او را نازل کرد که این همان حقیقت است، و یا اینکه خداوند، دعای عیسی ﷺ را مستجاب نکرد و این بدین معناست که خداوند به دعای عیسی ﷺ اهمیت نمی‌دهد، همچنین عیسی ﷺ را به نادانی و ضعف ادراک و جهل متهم می‌کنند و گرنه طلب عیسی ﷺ درگذشت از مصلوب شدن چه معنایی دارد. اگر توانایی صبر و تحمل عذاب را

بدون شکایت داشته باشد و او می‌داند که ماجرای به صلیب رفتن مأموریتی است در راه دین الهی؛ و همچنین به مدرک تاریخی (انجیل یهودا) که جامعه تاریخی بین‌المللی آن را معلوم کرد توجه داشته باشند، و آن یکی از نسخه‌های خطی قدیمی است که در مصر پیدا شد و تاریخش به اوایل قرن سوم میلادی بازمی‌گردد. یعنی قبل از اسلام و قبل از بعثت محمد ﷺ، و در این مدرک آمده که عیسی علیه السلام به صلیب کشیده نشده بلکه شخص دیگری که شبیهش است، و به هر حال شبیه که امر مورد اهمیت ماست گذشته از مصداق نزد مسیحیان پیش از هزار و هفتصد سال ذکر شده است، و به قول مثال دود بی آتش ایجاد نمی‌شود، پس اگر چنین چیزی اصلاً وجود نداشته باشد در عقیده مسیحیان گذشته، چنین چیزی ظاهر نمی‌شد.

پس سؤالی که باید مسیحیان به آن توجه داشته باشند و آن را از خود بپرسند این است که: این فرقه قدیمی مسیحی از کجا گفته که عیسی علیه السلام به صلیب کشیده نشد و شخصی که به صلیب کشیده شده شبیه اوست؟ آیا این‌ها فقط ایده هستند؟ و آیا این یک فکر است یا تاریخ نقل شده؟ آیا مثلاً می‌توان گفت: که این فرقه اعتقاد داشت که عیسی علیه السلام به صلیب کشیده نشد و کسی که به صلیب کشیده شد شبیه او بود، بدون اینکه نقل تاریخی از راه بعضی از کسانی که در زمان مصلوب زندگی می‌کردند به آن‌ها رسیده؟!!

به هر مسیحی آزاده نصیحت می‌کنم که به گفتار کلیسای امروز اهمیت ندهد. اینکه کسانی که انجیل و یا این متن را نوشته‌اند از مسیحیان اوایل فرقه‌ای مرتد هستند؛ زیرا اگر که از همین فرقه نیز در مورد عقاید امروزه کلیسا می‌پرسیدید می‌گفتند: که این ارتداد است و اگر از آریوس و یاراناش در مورد کلیسای امروز می‌پرسیدیم می‌گفتند: که این ارتداد است، پس اینکه کلیسا، هر فرد مسیحی که مخالف آنان است به ارتداد محکوم می‌شود. همان‌طور که امروزه با شاهدان یهوه این کار را انجام می‌دهند چیزی را تغییر نمی‌دهد و حقیقتی که اکنون واضح شد را پنهان نمی‌کند و آن این است که: همانا چیزهایی که کلیسای امروز می‌گوید، مورد اختلاف با مسیحیان اوایل و بلکه تا به امروز مورد اختلاف است و فرقه شاهدان یهوه مسیحی، شاهد آشکاری بر این اختلاف امروز است.

و حقیقتی که اکنون ثابت شده است - در مورد مصلوب ساختن - این است که مدرک تاریخی‌ای وجود دارد، که از طرف ارگان‌های بین‌المللی در باستان‌شناسی و با آخرین روش‌ها مورد آزمایش قرار گرفته و ثابت شده که تاریخ این مدرک به اوایل قرن سوم میلادی بازمی‌گردد، و در آن نوشته شده که عیسی علیه السلام مصلوب نشده، بلکه شخصی که شبیه او بوده به جایش به صلیب کشیده شد، پس آیا مسیحیان به گفته‌های کلیسا در این مورد که این مدرک به فرقه‌ای مسیحی و مرتد بر می‌گردد، اکتفا خواهند کرد؟! آیا این جواب از طرف کلیسا علمی است؟! و آیا شایسته نیست که بعد از ظهور این حقایق به‌طور علمی و واقعی و دور از هرگونه تعصب و تقلید کورکورانه در مورد قضیه به صلیب رفتن بحث شود).

سپس قائم احمد علیه السلام متنی از انجیل یهودا را نقل کرد که در بخش آینده آن را بیان خواهیم کرد.

همانا ماجرای مصلوب و اینکه او همان رهایی بخش و منجی جهانی موعود است، که در آخرالزمان بازمی‌گردد بیانش نه تنها در انجیل بلکه در تمام رسالات الهی بر آن تأکید دارند.

در تورات در مورد روز نجات موعود آمده: (۱۱ و در آن روز واقع خواهد گشت، که خداوند بار دیگر دست خود را دراز کند تا بقیه قوم خویش را که از آشور و مصر و فتروس و حبش و عیلام و شنعار و حَمات و از جزیره‌های دریا باقی‌مانده باشند بازآورد. ۱۲ و به جهت امت‌ها عَلمی برافراشته، رانده‌شدگان اسرائیل را جمع خواهد کرد، و پراکندگان یهودا را از چهار طرف جهان فراهم خواهد آورد).<sup>(۱)</sup>

آری، پس از مأموریتی که در آن قربانی عیسی ﷺ شد، بر می‌گردد، پس سلام بر (سید احمد الحسن) قائم آل محمد ﷺ، کسانی که بر بازگشتش در بسیاری از روایات‌شان تأکید داشتند.

از حسین ابن ابی‌العلا از امام صادق ﷺ گفت: (به ایشان عرض کردم: قائم، امام است؟ فرمود: آری، امام فرزند امام. و به درستی که پیش از آن که به امامت برسد، از او پیروی می‌شد).<sup>(۲)</sup>

و از حضرت ﷺ که فرمود: (اگر قائم قیام کند مردم او را انکار می‌کنند، زیرا او به‌صورت جوانی رشید و برومند به سوی ایشان بازمی‌گردد، بر او ثابت نمی‌ماند مگر کسی که خداوند از او پیمان را در ذر اول گرفته باشد).<sup>(۳)</sup>

و حال که خورشید حقیقت آغاز به انفجار و ظهور بیشتر کرد، نیاز بیشتر به نشان دادن وصیت رسول‌الله محمد ﷺ است و اینک وقت بیانش است.



## ۱۰. وصیت محمد ﷺ مکاشفه یوحنا لاهوتی را تفسیر می‌کند:

در انجیل آمده: (۱ بعد از این دیدم که ناگاه دروازه‌ای در آسمان باز شده است و آن آواز اول را که شنیده بودم که چون کرنا با من سخن می‌گفت، دیگر باره می‌گوید: «به اینجا صعود نما تا اموری را که بعد از این باید واقع شود به تو بنمایم.» ۲ فی‌الفور در روح شدم و دیدم که تختی در آسمان قائم است و بر آن تخت نشیننده‌ای. ۳ و آن نشیننده در صورت مانند سنگ یشم و عقیق است و قوس قزحی در گرد تخت که به منظر شباهت به زمرد دارد ۴ و گرداگرد تخت بیست و چهار تخت است و بر آن تخت‌ها بیست و چهار پیر که جامه‌ای سفید در بردارند

۱ - اشعیا باب ۱۱.

۲ - کمال الدین و تمام النعمه: ص ۲۲۴ ح ۱۷.

۳ - غیبت نعمانی: ص ۱۹۴.

نشسته دیدم و بر سر ایشان تاج‌های زرین. ۵ و از تخت، برق‌ها و صداها و رعد‌ها برمی‌آید.<sup>(۱)</sup>

و در مورد شخصی که بر تخت پادشاهی نشسته، می‌توان وصیت رسول‌الله ﷺ را خواند تا بدانیم که او همان شخص است، و اما اشخاصی که بر آن بیست و چهار تخت نشسته‌اند، خلفای پاک‌دامنش (۱۲ امام + ۱۲ مهدی) هستند. طبق وصیت مقدس.

و این متن وصیت:

پیامبر خدا ﷺ در شبی که وفات او بود به علی علیه السلام فرمود: (یا ابا الحسن صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا ﷺ وصیتش را املاء فرمود تا اینکه به اینجا رسید که فرمود: یا علی علیه السلام پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن‌ها دوازده مهدی؛ و تو یا علی علیه السلام نخستین دوازده امام می‌باشی؛ و حدیث به درازا کشید تا اینکه فرمود: یا علی علیه السلام تو خلیفه و جانشین من بر امتم پس از من می‌باشی. پس زمانی که وفات تو رسید، خلافت را به فرزندم حسن تسلیم کن..... و اگر وقت وفات حسن عسکری علیه السلام رسید (امام یازدهم) خلافت را به فرزندش محمد، مستحفظ از آل محمد علیهم السلام تسلیم کند و ایشان دوازده امام می‌باشند و سپس دوازده مهدی بعد از او می‌باشند. پس اگر مرگ به سویس (حجۀ ابن الحسن علیه السلام) آمد خلافت را به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند. که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم: عبدالله و احمد و نام سوم مهدی است؛ و او اولین ایمان آورنده (به پدرش) است.<sup>(۲)</sup>

و همانا که این بیست و چهار امام همان اشخاصی هستند، که اهل سنت آنان را در کتبشان ذکر کرده‌اند:

از کعب الاحبار: (آن‌ها دوازده نفر هستند. پس زمانی که آن‌ها به انتها رسیدند، بجای آن دوازده نفر، دوازده نفر دیگر مانند آن‌ها را قرار می‌دهد؛ و این چنین خداوند به این امت وعده داده است و این آیه را خواند: **وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْنَا الَّذِينَ مِّن قَبْلِهِمْ** ﴿خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند وعده داده است، که آن‌ها را حتماً در زمین خلیفه کند، همان‌گونه که کسانی که قبل از آن‌ها بودند را خلیفه کرده است). و آن‌گونه با بنی اسرائیل انجام داد.<sup>(۳)</sup>

و اکنون امر مورد اهمیت برای ما، شناخت امام و پیر سیزدهم از بیست و چهار شیخ است پس می‌گوییم:

۱ - مکاشفه یوحنا، باب ۴.

۲ - غیبت طوسی: ص ۱۵۰. بحار الأنوار: ج ۵۳ ص ۱۴۷. بحار الأنوار: ج ۳۶ ص ۲۶۰. غایة المرام: ج ۲ ص ۲۴۱. (کتاب الغیبه شیخ طوسی (فارسی) ص ۳۰۰) و چندین کتاب معروف دیگر.

۳ - تفسیر ابن ابی حاتم: ح ۱۳۷۳۰.



## ۱۱. قائم احمد... آن سیزدهمین از بیست و چهار امام است:

با نگاه به نصوص گذشته و ربطشان به یکدیگر می‌فهمیم که: (احمد) همان شیخ و امام سیزدهم هست، و او مهدی اول از دوازده مهدی است، و اولین نزدیکان به پدرش که به امر مولایش برمی‌خیزد، یعنی امام مهدی محمد بن الحسن عسکری علیه السلام و اول مؤمنان به ایشان و حالا اضافه می‌کنیم:

از امام باقر علیه السلام از جابر بن عبدالله انصاری که گفت: (بر فاطمه علیها السلام وارد شدم و در بین دستانش لوحی را دیدم. که در آن اسامی اوصیاء از فرزندان در آن بود. پس آن‌ها را شمردم دوازده نفر بودند که آخرین آن‌ها قائم بود سه نفر آن‌ها محمد و سه نفر آن‌ها علی نام داشتند).<sup>(۱)</sup>

و این آشکار است که امام مهدی علیه السلام یازدهمین فرزند از فرزندان فاطمه علیها السلام هست، پس چیزی جز این باقی نمی‌ماند که دوازدهمین فرزند اینجا همان سیزدهمین باشد. اگر که امام علی علیه السلام را به آن‌ها اضافه کردیم، و او همان مهدی (احمد) آن قائمی که نامش تا وقت ظهور دعوتش پنهان می‌ماند، همان طور که از امام باقر علیه السلام خواندیم.

همان طور که عیسی علیه السلام «مهدی احمد» را نامید و او را نیز به سیزدهمین مشخص نمود:

در انجیل یهودا — مشهد سوم: (و یهودا گفت: ای سرورم آیا ممکن است که نسل من تحت سلطه حکام قرار گیرد؟ عیسی علیه السلام پاسخ داد و به او گفت: «بیا این من هستم [...] دو خط گمشده [...] لیکن تو هنگامی که ملکوت و فرزندان را ببینی غم‌انگیز خواهی شد»، و هنگامی که آن را شنید یهودا به او گفت: «خیر و خوبی که من دریافت می‌کنم، چیست؟ زیرا که تو مرا از آن نسل دور ساختی»، عیسی علیه السلام جواب داد و گفت: «تو سیزدهمین خواهی بود و در آینده از نسل‌های دیگر ملعون خواهی بود، لیکن تو برای پادشاهی بر آنان باز خواهی گشت و در آخرین روزها صعود تو را لعنت خواهند کرد [۴۷] تا نسل مقدس».

("You will exceed all of them, for you will sacrifice the man that clothes me".)

(لیکن تو برتر از همه آن‌ها خواهی بود. زیرا تو آن انسانی که مرا پوشیده است را قربانی خواهی کرد، و شناخت تو بلند خواهد شد و مجازات الهی تو شعله‌ور خواهد گشت، و ستاره‌ها درخشان ظاهر خواهد شد و قلب تو...).

و در متن گذشته:

**اولاً:** این که یهودا شبیه عیسی علیه السلام شده و بجای او به صلیب کشیده شده و خود را قربانی می‌کند.

**دوماً:** این که یهودا در آخرالزمان باز می‌گردد تا پادشاهی کند.

پس باید این یهودایی که در بعضی از متون انجیل ذکر شده، مثل این متنی که ارائه کردیم، کس دیگری غیر از یهودای اسخریوطی باشد که عیسی علیه السلام را تسلیم کرد. همان طور که در پایان انجیل یهودا ذکر شده: (و نزدیک به یهودا شدند و به او گفتند: اینجا چکار می‌کنی؟ تو شاگرد عیسی علیه السلام هستی. پس یهودا آن طور که آنان می‌خواستند پاسخ‌شان داد و مقداری پول را به دست آورد و او را به آن‌ها داد).

و با توجه به این که کلمه (یهودا) در زبان عربی: به معنای الحمد و یا (أحمد) است (و أحمد از حمد و ستایش است). -در تورات در (پیدایش باب ۲۹) ذکر شده: (و بار دیگر حامله شده، پسری زاید و گفت: «این مرتبه خداوند را حمد می‌گویم.» پس او را یهودا نامید.)- واضح می‌شود که منظور (از آن یهودای دیگر) کسی است که شبیه عیسی علیه السلام شد و بجایش به دار آویخته شد. کسی که عیسی علیه السلام با او سخن گفت این که او باز خواهد گشت و در آخرالزمان پادشاهی خواهد کرد همان منجی و مهدی و قائم (احمد) همان طور که نمایان شد.

و در وصف منجی و مخلص در تورات این‌گونه آمده است: (۱۲ و به جهت امت‌ها عَلمی برافراشته، رانده‌شدگان اسرائیل را جمع خواهد کرد، و پراکندگان یهودا را از چهار طرف جهان فراهم خواهد آورد).<sup>(۱)</sup>

و اگر بدانیم که معنای کلمه «یهودا» به زبان عربی «احمد» است، علاوه بر معنای کلمه (اسرائیل) به زبان عربی (عبدالله) - پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: (نامم احمد است و من عبدالله هستم. نامم اسرائیل است و هر آنچه که او را امر کرده مرا نیز امر کرده است و هر آنچه او را اشاره کرده مرا نیز اشاره کرده است)<sup>(۲)</sup> - به وضوح می‌فهمیم که منجی و رهایی بخش موعود کسی غیر از قائم و امام سیزدهم (احمد) نیست. زیرا که این نام‌های ذکر شده برای شخصی که پرچم امت‌ها را برافراشته می‌کند، همان نام‌هایی هستند که رسول‌الله در وصیتی که ارائه کردیم آن‌ها را به اولین نزدیکان به امام مهدی علیه السلام و اولین مؤمنان به حضرت نسبت داد، هنگامی که فرمود: (او سه نام دارد نامی مانند نام من و نام پدرم و آن‌ها عبدالله و احمد و نام سوم مهدی می‌باشند و او اولین ایمان آورندگان است).

و حذیفه ابن یمان گفت شنیدم که رسول‌الله صلی الله علیه و آله فرمود: (با او در میان رکن و مقام بیعت می‌کنند، نامش احمد و عبدالله و مهدی است و این سه نام نام‌های او می‌باشند)<sup>(۳)</sup> همچنین از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند: (ای مردم همانا که خداوند مدت ظالمان و منافقین و پیروانشان را از شما قطع کرد، و برترین امت

۱ - اشعیا باب ۱۱.

۲ - تفسیر عیاشی: ج ۱ ص ۴۴.

۳ - غیبت طوسی: ص ۴۵۴.



محمد را بر شما والی نمود، پس به او در مکه ملحق شوید پس او همان مهدی است و نامش احمد بن عبدالله هست).<sup>(۱)</sup>

و اما پراکندگانی که (احمد) از گوشه‌های زمین جمع می‌کند، یاران پدرش امام مهدی علیه السلام می‌باشند، و این را در بخش پانزدهم بیان خواهیم کرد.

\* \* \*

## ۱۲. قائم احمد . . . جوانهای از محمد ﷺ و شاخهای از یعقوب و نوه یهودا:

طبق متن وصیت مقدس و روایات متواتر نزد همه مسلمانان، واضح شد که نسب (مهدی و قائم احمد) به علی و فاطمه علیهما السلام و جدش محمد ﷺ بازمی‌گردد.

رسول الله ﷺ فرمود: (مهدی از فرزندان فاطمه است)<sup>(۲)</sup> و نیز فرمود: (مهدی از ما اهل بیت است و خداوند امرش را در یک شب اصلاح می‌کند)<sup>(۳)</sup> و نیز: (قیامت بر پا نمی‌شود تا این که مردی از اهل بیت من بیاید که نامش همانند نام من است)<sup>(۴)</sup>

و همانند به معنای مشابه است و شکی در این نیست که (احمد) یکی از نام‌های پیامبر ﷺ است؛ خدای متعال در داستان عیسی علیه السلام فرمود: (و بشارت‌دهنده به رسولی که بعد از من می‌آید و نام او احمد است).<sup>(۵)</sup>

و اما در تورات می‌خوانیم: (۱ و نهالی از تنه یسعی بیرون آمده، شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت. ۲ و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت، یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس خداوند. ۳ و خوشی او در ترس خداوند خواهد بود و موافق رؤیت چشم خود داوری نخواهد کرد و بر وفق سمع گوش‌های خویش تنبیه نخواهد نمود. ۴ بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود؛ و جهان را به عصای دهان خویش زده، شیرین را به نفخه لب‌های خود خواهد کُشت. ۵ و کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت. ۶ و گریه با بره سکونت خواهد داشت... ۹ و در تمامی کوه مقدس من ضرر و فساد نخواهند کرد، زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود، مثل آب‌هایی که دریا را می‌پوشاند. ۱۰ و در آن روز که ریشه یسی، پرچی برپا شده برای مردم است، ملت‌ها او را طلب کنند، و

۱ - ملاحم و فتن: ص ۲۸۸. از فتن سلیلی سنی

۲ - سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۳۶۸.

۳ - مسند احمد: ج ۱ ص ۸۴.

۴ - همان مصدر ج ۱ ص ۳۷۶.

۵ - الصف: آیه ۶.

جایگاهش با شکوه خواهد بود.<sup>(۱)</sup>

و این اتفاقات با قیامت صغری موافقت دارند و در گذشته حاصل نشده و نخواهد شد، مگر در دولت عدل الهی، همان‌طور که قبلاً اشاره شد؛ و اما یسی، در تورات معروف است که او پدر داوود نبی (علیه السلام) می‌باشد و معروف است که مادر امام مهدی (علیه السلام) از نوادگان داوود (علیه السلام) است، پس امام مهدی محمد ابن الحسن عسکری (علیه السلام) از طرف مادر، از ذریه اسرائیل (یعقوب (علیه السلام)) است و از طرف پدر، از نوادگان محمد (صلی الله علیه و آله)؛ پس صفت نهالی از تنه عیسی (علیه السلام) با او تطابق دارد، همان‌طور که به مهدی اول از مهدیین دوازده‌گانه اطلاق می‌شود که نهالی است که از تنه یسی بیرون می‌آید؛ به این خاطر که ایشان، از فرزندان امام مهدی (علیه السلام) است.

و اما تفسیر شاخه به اینکه وی حضرت عیسی (علیه السلام) می‌باشد، این صحیح نیست و متن به آن اقرار نمی‌کند، چون که عیسی (علیه السلام) طبق اعتقاد بسیاری از مسیحیان همان اله مطلق است؛ پس چگونه از خدا بترسد و لذتش را در این ترس ببیند؟! همچنین او در میان مردم، حکم و قضاوت نکرد؛ زیرا تمکین برای برپا کردن عدل و انصاف مظلومان را به دست نیآورد؛ و در زمانش، شناخت پروردگار آن‌گونه که آب و دریاها را فراگیر شود، به‌طوری که پولداران با فقرا دلداری کنند و توانا ناتوان را کمک کند و این که زمین تقریباً خالی از ظلم گردد، تحقق نیافت.

و با شناخت این امر و اضافه کردن آنچه که از مکاشفه یوحنا بیان شد می‌توان معنای این متن را به شکل زیر فهمید:

۱) آنگاه در دست راست آن تخت‌نشین طوماری با نوشته‌هایی بر پشت و روی آن دیدم، و طومار به هفت مَهر مَهور بود. ۲ و فرشته‌ای نیرومند دیدم که به بانگ بلند ندا می‌داد: «کیست که سزاوار برداشتن مُهرها و گشودن طومار باشد؟» ۳ و هیچ‌کس، نه در آسمان، نه بر زمین، و نه در زیر زمین، توان آن را نداشت که طومار را برگشاید، یا حتی در آن نظر کند. ۴ من زارزار می‌گریستم، زیرا هیچ‌کس یافت نشد که سزاوار گشودن طومار یا نظر کردن در آن باشد. ۵ آنگاه یکی از پیران به من گفت: «گریان مباش. اینک آن شیرِ قبیلهٔ یهودا، آن ریشهٔ داوود، غالب آمده است، تا طومار و هفت مَهر آن را بگشاید.» ۶ آنگاه بره‌ای دیدم که گویی ذبح شده باشد، ایستاده در مرکز تخت و محصور میان آن چهار موجود زنده و پیران. هفت شاخ داشت و هفت چشم که هفت روح خدایند که به تمام زمین فرستاده شده‌اند. ۷ او پیش آمد و طومار را از دست راست آن تخت‌نشین گرفت. ۸ پس از آنکه طومار را گرفت، آن چهار موجود زنده و آن بیست و چهار پیر پیش پای بره... و می‌سرودند که: تو سزاوار گرفتن طوماری و سزاوار گشودن مُهرهای آن، چراکه ذبح شدی، و با خون خود مردم را از هر طایفه و زبان و قوم و ملت، برای خدا خریدی.<sup>(۲)</sup>

و در مکاشفه قبل از آن ذکر شده که: (۲) و بلافاصله در روح شدم، و ناگهان تاج و تختی در آسمان قرار داشت و

۱ - اشعیا باب ۱۱.

۲ - مکاشفه یوحنا باب ۵.

بر آن تخت کسی نشسته بود. ۳ آن تخت نشین، ظاهری چون سنگ یشم و عقیق داشت... ۴ گرداگرد تخت، بیست و چهار تخت دیگر بود و بر آنها بیست و چهار پیر نشسته بودند<sup>(۱)</sup> و دانستیم آن شخصی که بر روی تخت نشسته محمد (ص) است و بیست و چهار شیخ همان ۱۲ امام و ۱۲ مهدی هستند؛ ولی آن شیر از نواده (یهودا اصل داوود)ی که سفر را باز می کند و مهرهایش را می شکافد کیست؟ همانا آن قائم احمد است و او از نسل یهود است، زیرا مادرش از بنی اسرائیل یعنی (نرجس) یا مادر امام مهدی (علیه السلام) می باشد؛ همچنین اگر ما آن شیخ نشسته بر تخت (محمد (ص)) را به بیست و چهار شیخ (آل محمد (علیهم السلام)) اضافه کنیم جمع عددشان ۲۵ شیخ می شود؛ پس وسط عددشان همان شیخ سیزدهم خواهد بود و او بره قائم است، در جمله ای که یوحنا ذکر کرد: (...و دیدم در میان تخت و چهار حیوان و در وسط پیران، بره ای چون ذبح شده ایستاده است).

از ابی سلیمان، چوپان رسول الله (ص) روایت شده که گفت: شنیدم رسول الله (ص) فرمودند: (شبی که به معراج برده شدم خداوند جل ثنائه به من فرمود: ای محمد! اگر بنده ای از بندگانم، مرا آن چنان عبادت کند که همچون مشک پوسیده گردد پس نزد من آید در حالی که منکر ولایت تان باشد او را نمی بخشم تا این که به ولایت تان اقرار کند. ای محمد دوست داری آنها را ببینی؟ گفتم: آری پروردگارا! پس فرمود: نگاه کن به جانب راست عرشم؛ من نگاه کرده و دیدم علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و المهدی (علیه السلام) را که در اوج نور بودند، درحالی که همگی آنها در حال نماز بودند و مهدی (علیه السلام) در میان آنان، مانند ستاره درخشانی بین آنان است. پس خداوند متعال فرمود: ای محمد! اینان حجت های من هستند و این خون خواه عترت توست؛ قسم به عزت و جلالم که او امام واجب اطاعت برای دوستان من می باشد و او کسی است که از دشمنانم انتقام می گیرد).<sup>(۲)</sup> و این روایت، به وضوح نمایی دیگر برای صحنه ملکوتی است که در رؤیای یوحنا که گذشت شنیدیم.

این مسئله باقی می ماند که داشتن هفت شاخ و هفت چشم در رؤیا برای بره (سیزدهمین، احمد قائم) به این معناست که او حامل پدران معصومش، یعنی چهارده معصومی که ذکر شدند می باشد و آنان: محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه تا پدرش امام مهدی (علیه السلام) هستند، که ذکر آنان در وصیت مقدس و روایت پیشین آمده است؛ از خلال بیان حق آنان و دعوت مردم به ولایت آنان و جمع کردن اهل زمین بر محبت آنان و شناخت ایشان و حرکت در راه آنان؛ در این هنگام است که زمین پر از عدل و داد می شود؛ همان طور که خداوند سبحان وعده داده است و وعده اش حق است.

امام صادق در بیان جایگاه مهدی اول (احمد) و یازده مهدی از فرزندانش می فرماید: (...لیکن آنها قومی از

۱ - مکاشفه یوحنا باب ۴.

۲ - ینابیع الموده: للخوارزمی ص ۱۷۳.

شیعیان ما می‌باشند که مردم را به ولایت ما و شناخت حق ما دعوت می‌کنند.<sup>(۱)</sup>

و نیز این بره در مکاشفه یوحنا، همان شخص مورد نظر در این متن است: (۱) و دیدم که اینک، برّه، بر کوه صهیون ایستاده است و با وی صد و چهل و چهار هزار نفر که اسم او و اسم پدر او را بر پیشانی خود مرقوم می‌دارند.<sup>(۲)</sup> و این بخش در آینده می‌آید.

۱۳. احمد، صاحب هدایت‌گرترین پرچم و شخصی که پرچم امت‌ها را برافراشته می‌کند:

اگر متن گذشته را بخوانیم و این که آن را تمام کنیم می‌بینیم: (۱۱) و در آن روز واقع خواهد شد که خداوند بار دیگر دست خود را دراز کند تا بقیه قوم خویش را که از آشور و مصر و فتروس و حبش و عیلام و شنعار و حَمات و از جزیره‌های دریا باقی مانده باشند باز آورد. ۱۲ و به جهت امت‌ها عَلمی برافراشته، رانده‌شدگان اسرائیل را جمع خواهد کرد و پراکندگان یهودا را از چهار طرف جهان فراهم خواهد آورد.<sup>(۳)</sup>

و سؤال این است: آیا عیسی (علیه السلام) توانست رانده‌شدگان اسرائیل (یعقوب نزدشان) را جمع کند و آیا پراکندگان یهودا (پسر یعقوب نزدشان) را از گوشه‌های زمین جمع کرد؟ و اگر بگویند: آنان را جمع کرده است و به ایمان به ایشان ضمیمه کرده است نیز صحیح نیست، زیرا دعوت عیسی (علیه السلام) تا زمان بالا بردن و مرفوع شدنش به بیش از تعدادی شهر نرسید، درحالی که در متن می‌خوانیم که می‌گوید: این شخص پراکندگان یهودا را از گوشه‌های زمین جمع‌آوری می‌کند، به این معنا که مردم تقریباً از تمام جاهای دنیا در زمان بعثتش به او ایمان می‌آورند، بلکه علی‌الخصوص از کشورهای دور از بعثتش (اطراف زمین).

(۱۲) و به جهت امت‌ها عَلمی برافراشته، رانده‌شدگان اسرائیل را جمع خواهد کرد و پراکندگان یهودا را از چهار طرف جهان فراهم خواهد آورد<sup>(۴)</sup> و همان‌طور که خواندیم کلمه (یهودا) به معنای (حمد) و یا (احمد) و معنای کلمه (اسرائیل) به عربی (عبدالله) می‌باشد؛ پس متن بدین‌گونه است: (و به جهت امت‌ها عَلمی برافراشته، رانده‌شدگان اسرائیل را جمع خواهد کرد) یعنی: عبدالله (و پراکندگان یهودا را فراهم خواهد آورد) یعنی: احمد (از چهار طرف جهان) و این نام‌ها آن‌طور که فهمیدیم در وصیت مقدس محمد ﷺ برای قائم و مهدی اول (احمد) ذکر شده‌اند.

و اما پراکندگانی که مانند ابر از اطراف زمین برای یاری قائم (علیه السلام) جمع می‌شوند، یاران امام مهدی (علیه السلام) در آخرالزمان‌اند، همان‌طور که از روایات آل محمد (علیهم السلام) معلوم شد.

۱ - کمال الدین و تمام النعمه: ص ۳۵۸.

۲ - مکاشفه یوحنا باب ۱۴.

۳ - اشعیا باب ۱۱.

۴ - اشعیا باب ۱۱.

از امام باقر (علیه السلام) در تفسیر آیه کریمه آمده است: (إِنَّمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا) (هرکجا که باشید خداوند همگی شما را خواهد آورد) (یعنی اصحاب قائم (علیه السلام) سیصد و ده و چند نفر، سپس فرمود: آن‌ها به خدا امت معدوده هستند؛ واللّه که همانند ابرهای پاییزی در یک ساعت جمع می‌شوند).<sup>(۱)</sup>

ابن حماد مروزی درباره یاران امام مهدی (علیه السلام) این را نقل می‌کند: (سپس خداوند قومی را ارسال می‌کند همانند ابرهای پاییزی، به خدا سوگند که من امیرشان را می‌شناسم و محلی که در آن جمع شده و به پا می‌خیزند).<sup>(۲)</sup>

و امیرشان (آن خلیفه یمانی احمد): (امیر سپاه غضب کسی از این و آن نیست، جز آنکه آن‌ها صدایی می‌شنوند که هیچ انسان و جنی آن‌را نگفته که می‌گوید: با فلان کس بیعت کنید و آن‌را با اسم می‌خواند و او کسی نیست جز خلیفه یمانی).<sup>(۳)</sup>

امام باقر (علیه السلام) فرمود: (و در پرچم‌ها پرچمی هدایت‌گرتر از پرچم یمانی نیست و آن پرچم هدایت است، زیرا که او شما را به صاحبان دعوت می‌کند، پس اگر یمانی خروج کرد فروختن اسلحه حرام می‌شود و اگر یمانی خروج کرد به سوی او بپا خیز که همانا پرچمش پرچم هدایت است و جایز نیست مسلمانی از او سرپیچی کند؛ و اگر کسی این کار را انجام دهد از اهل جهنم می‌باشد، زیرا که او دعوت به حق و هدایت به راه راست می‌کند).<sup>(۴)</sup>

و فرستاده امام مهدی (علیه السلام) و کسی که اینجا به او دعوت می‌کند و صاحب هدایت‌یافته‌ترین پرچم است، یا یمانی موعود، همان اولین نزدیکان به پدرش و اولین مؤمنان به اوست؛ و مهدی اول از دوازده مهدی طبق متن وصیت رسول الله ﷺ و یا (یهودای سیزدهم = احمد) طبق نص عیسی (علیه السلام) و یا (قائم از تنه یسی) طبق نص تورات است.

و اما این که چرا احمد به نام (یمانی) وصف شده است؟ زیرا او وصی پدرش و یمینش (دست راستش) است و چون ایشان از آل محمد (علیهم السلام) است و آن‌ها یمانی هستند، زیرا آن‌ها (علیهم السلام) به مکه و مکه از تهمامه و تهمامه از یمن منسوب هستند. رسول الله ﷺ فرمود: (همانا که ایمان یمان و من نیز یمانی هستم)<sup>(۵)</sup> و به همین دلیل صاحب کتاب بحار، کلام اهل بیت (علیهم السلام) را به حکمت یمانی وصف کرده است و رسول الله ﷺ نیز فرمود (ایمان یمان و حکمت، یمانی است).<sup>(۶)</sup>

و در تورات: (ادعای حَبَّقُوق نَبی بر شُجُونُوت. ۲ ای خداوند چون خبر تو را شنیدم ترسان گردیدم. ای خداوند

۱ - کافی: ج ۸ ص ۳۱۳.

۲ - کتاب فتن: ص ۲۴۲.

۳ - کتاب ملاحم و فتن: ابن طاووس ص ۲۷ الفتن: لابن حماد ص ۶۶.

۴ - غیبت نعمانی: ص ۲۶۴.

۵ - بحار الانوار: ج ۵۷ ص ۲۳۲.

۶ - صحیح بخاری: ج ۵ ص ۱۲۲.

عمل خویش را در میان سال‌ها زنده کن! در میان سال‌ها آن را معروف ساز و در حین غضب، رحمت را به یاد آور. ۳ خدا از تیمان آمد و قدّوس از جبلِ فاران، سیّاه. جلال او آسمان‌ها را پوشانید و زمین از تسبیح او مملو گردید. ۴ پرتو او مثل نور بود و از دست وی شعاع ساطع گردید؛ و ستر قوّت او در آنجا بود. ۵ پیش روی وی وبا می‌رفت و آتش تب نزد پاهای او می‌بود.<sup>(۱)</sup>

قائم احمد فرمود: (تیمان یعنی یمن و فاران یعنی مکه؛ در نتیجه معنای متن بالا این می‌شود:

«خدا از تیمان آمد»: یعنی خداوند از یمن آمد.

و «قدّوس از جبلِ فاران»: یعنی قدوس از مکه آمد.

خداوند برتر از این است که به آمدن از آسمان توصیف گردد، حال چگونه به آمدن از زمین توصیف شود؟! به این خاطر که لازمه رفت‌وآمد، حرکت است و در نتیجه باعث حدوث و نفی ازلی و قدیم بودن وی می‌شود و همچنین باعث از بین رفتن الوهیت مطلق او می‌گردد، پس نمی‌توان پذیرفت آن فردی که از تیمان یا یمن می‌آید، خداوند سبحان است و همانطور فردی که از فاران می‌آید؛ خداوند منزّه است و این‌ها علاوه بر نسبت دادن دست و پا به باری تعالی است و خداوند برتر از این‌هاست. «۴ پرتو او مثل نور بود و از دست وی شعاع ساطع گردید؛ و ستر قوّت او در آنجا بود. ۵ پیش روی وی وبا می‌رفت و آتش تب نزد پاهای او می‌بود.» در نتیجه فردی که آمده است و ویژگی متن بالا کاملاً بر او منطبق است، عبدالله و فرستاده‌اش محمد ﷺ و خاندانش پس از او هستند؛ از این جهت که آنان از مکه «فاران» آمدند و محمد و آل محمد ﷺ یمانیون نیز هستند؛ و مسئله اینکه تیمان به معنای یمن است، در انجیل بر زبان عیسی ﷺ نیز آمده است؛ وقتی ایشان پادشاه یمن را به پادشاه تیمن «یا تیمان» نامید.

انجیل متی: (۴۲) ملکه تیمن در روز داوری با این نسل بر خواهد خواست و محکومشان خواهد کرد؛ زیرا از آن سوی دنیا آمد تا حکمت سلیمان را بشنود و حال آنکه کسی بزرگ‌تر از سلیمان اینجاست).<sup>(۲)</sup>

حتی مناطق بقیه از مردمش که در متن پیشین تورات آمده است، یعنی: «أَشُورَ، مِصْرَ، فَتْرُوسَ، كُوشَ، عِيْلَامَ، شِنْعَارَ، حَمَاءَ، جَزَائِرِ الْبَحْرِ» که عبارت است از: عراق، سوریه «شام» و مصر «شمال آفریقا» و آشور، مصر، فتروس، کوش، عیلام، شنعار، حماه، جزائرالبحر ایران، در روایات آل محمد ﷺ نیز مشخص شده است، که بیان می‌دارد انصار مُنجی و احمد قائم در آن هستند. و این مثال‌هایی از آن است:

امام باقر ﷺ فرمود: (بین رکن و مقام با قائم بیعت می‌کنند. سیصد و اندی، به عدد اهل بدر، در میان آن‌ها

۱ - حقیوق باب ۳.

۲ - انجیل متی باب ۱۲.

برگزیدگانی از اهل مصر، ابدال (تبدیل شدگان) از اهل شام و نیک مردانی از اهل عراق وجود دارند.<sup>(۱)</sup> و اما ایران که در گذشته ذکر طالقان و بر افراشته کردن شعار «احمد احمد» در آن بیان شده است و برای توضیح بیشتر می‌گوییم:

### ۱۴. احمد رهبر پرچم‌های سیاه و جامع (جمع‌کننده) یاران پدرش (برگزیدگان):

آنچه در گذشته ذکر کردیم برای آشنایی با این بخش مفید است و اینجا اضافه می‌کنم:

پیامبر ﷺ به یاری رهبر پرچم‌های سیاه دستور داده است و اینکه به سمتش بروند؛ هر چند سینه‌خیز بر روی یخ‌ها: (سپس پرچم‌های سیاه از سوی مشرق طلوع می‌کند. با آنان جنگی می‌کنید که گروهی نجات‌یافته است. وقتی او را دیدید، هر چند سینه‌خیز بر روی یخ‌ها با او بیعت کنید. چرا که او خلیفه خداوند، مهدی است.)<sup>(۲)</sup>

و نیز از ایشان ﷺ: (اگر دیدید پرچم‌های سیاه از طرف خراسان خروج کردند، به سوی آن‌ها بشتابید، ولو سینه‌خیز بر روی برف‌ها که در آن‌ها خلیفه (جانشین) مهدی می‌باشد.)<sup>(۳)</sup>

و جانشین امام مهدی (علیه السلام) همان فرزندش (احمد) طبق متن گذشته در وصیت مقدس می‌باشد و لذا شعار لشکر حرکت‌کننده برای فتح از سوی مشرق «احمد احمد» است؛ امام باقر (علیه السلام) فرمود: (برای خدای تعالی گنجی در طالقان است؛ نه طلاست و نه نقره، بلکه دوازده هزار نفر در خراسان‌اند که شعارشان «احمد احمد» است و رهبر آنها جوانی از بنی‌هاشم سوار بر قاطری سپید رنگ است؛ و پیشانی بندی قرمز رنگ بر سر بسته است؛ گویی به او می‌نگرم که از رود فرات هم می‌گذرد. اگر دعوت او را شنیدید بسوی او بشتابید حتی اگر مجبور باشید سینه‌خیز بر روی یخ‌ها حرکت کنید.)<sup>(۴)</sup>

امام علی (علیه السلام) فرموده‌اند: (قبل از مهدی (علیه السلام) مردی از اهل بیتش از سوی مشرق خروج می‌کند که به مدت هشت ماه شمشیر بر دوش می‌گیرد و می‌کشد و از بین می‌برد و متوجه بیت المقدس می‌شود.)<sup>(۵)</sup>

و این که (احمد) یاران پدرش را جمع می‌کند و زمینه‌ساز حکومت پدرش است در انجیل نیز ذکر شده است:

۱ - غیبت طوسی: ص ۴۷۶.

۲ - سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۳۶۷ ح ۴۰۸۴.

۳ - ملاحم و فتن: لابن طاووس: ص ۵۴ چاپخانه حیدریه.

۴ - منتخب الأنوار المضية: ص ۳۴۳.

۵ - کتاب الفتن - لنعیم بن حماد: ص ۲۱۶، الملاحم والفتن - لابن طاووس: ب ۱۳۳ ص ۱۳۶، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۵۸۹ ح ۳۹۶۶۹، شرح إحقاق الحق - للسید المرعشی: ج ۱۳ ص ۳۱۳.

و دیدم که اینک بره بر کوه صهیون ایستاده است و با وی صد و چهل و چهار هزار نفر که اسم او و اسم پدر او را بر پیشانی خود مرقوم می‌دارند. ۲ و آوازی از آسمان شنیدم مثل آواز آب‌های بسیار و مانند آواز رعد عظیم و آن آوازی که شنیدم مانند آواز بربطنوازان بود که بربط‌های خود را بنوازند. ۳ و در حضور تخت و چهار حیوان و پیران سرودی جدید می‌سرایند و هیچ‌کس نتوانست آن سرود را بیاموزد جز آن صد و چهل و چهار هزار که از جهان خریده شده بودند. ۴ و آن‌ها همان افرادی هستند که با زنان (دنیا) آلوده نمی‌شوند، چون پاک و طاهرند؛ و هر جا بره می‌رود پشت سر آن می‌روند و آن‌ها برای خداوند و بره خریداری شده‌اند. ۵ و در دهان ایشان دروغی یافت نشد زیرا که بی‌عیب هستند. ۶ و فرشته‌ای دیگر را دیدم که در وسط آسمان پرواز می‌کند و انجیل جاودانی را دارد تا ساکنان زمین را از هر امت و قبیله و زبان و قوم بشارت دهد ۷ و به آواز بلند می‌گوید "از خدا بترسید و او را تمجید نمایید زیرا که زمان داوری او رسیده است. پس او را که آسمان و زمین و دریا و چشمه‌های آب را آفرید پرستش کنید".<sup>(۱)</sup>

و (و اسم پدر او را بر پیشانی خود مرقوم می‌دارند) اشاره دارد به این که پیروان این بره حامل نام و شعار پدرش می‌باشند و اگر او (قائم احمد) باشد پس پدرش امام مهدی (علیه السلام) است و برای این است که یارانش به انصار امام مهدی (علیه السلام) نامیده شده‌اند.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: (به درستی که برای فرزندان فلان پیش مسجدتان - مسجد کوفه - در روز عروبت جنگی تکان دهنده خواهد بود؛ در آن هزار نفر از درب فیل تا اصحاب صابون کشته می‌شوند، پس به هوش باشید و از این جاده گریز کنید، و آنانی که راه انصار را گرفتند در بهترین حال خواهند بود).<sup>(۲)</sup>

و در مورد انصار منجی (آقایی که دوباره باز می‌گردد) در آخرالزمان در تورات آمده است:

(۲۶) و از بعید برای امت‌ها پرچی بلند می‌کند، و از دورترین نقطه زمین برای آن سوت می‌کشد (ندا سر می‌دهد) و آن‌ها را می‌بینی که با شتاب می‌آیند ۲۷ و در میان ایشان احدی خسته و لغزش خورنده نخواهد بود و احدی نه خواب‌آلود است و نه می‌خوابد، و کمر بند احدی باز نمی‌شود و بند کفش کسی گسیخته نمی‌گردد ۲۸ کسانی هستند که تیرهای ایشان تیز و تمامی کمان‌هایشان زده شده است، سم اسبان آن‌ها همانند سنگ خارا محکم است و چرخ‌های آن‌ها مثل گردباد تند است. ۲۹ غرّش ایشان مثل شیر ماده و مانند شیران ژبان غرّش خواهند کرد و ایشان نعره خواهند زد و صید را گرفته، به سلامتی خواهند برد و رهاننده‌ای نخواهد بود. ۳۰ و در آن روز بر ایشان مثل شورش دریا شورش خواهند کرد...)<sup>(۳)</sup>

و این صفات یعنی این که نمی‌خوابند و... الی آخر، اوصاف یاران قائم و مهدی (علیه السلام) احمد طبق روایات

۱ - مکاشفه یوحنا باب ۱۴.

۲ - الارشاد للمفید: ج ۲ ص ۳۷۷.

۳ - اشعیا باب ۵.



آل محمد اند.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: (آنان مردانی هستند که گویا دل‌هایشان پاره‌های آهن است و از سنگ سخت‌ترند؛ اگر بر کوه‌ها همت کنند آن‌ها را از جا برمی‌کنند و هیچ تردیدی در ذات خداوند ندارند؛ با پرچم‌هایشان به شهری نمی‌روند مگر آن را ویران سازند؛ همانند عقاب‌ها بر اسب‌هایشان‌اند؛ برای تبرک بر زین اسب امام دست می‌کشند؛ آنان او را در میان می‌گیرند و در جنگ‌ها با جان خود، از ایشان محافظت می‌کنند و آنچه از آنان متوقع است را محقق می‌کنند؛ مردانی در آنان هستند که شب نمی‌خوابند، نمازشان زمزمه‌ای دارد مانند نغمه زنبوران. شب‌ها را بر نوک پاهایشان سپری می‌کنند و صبحشان را برفراز اسب‌ها، راهبان در شب، شیرهای روز...) (۱)

و اگر در همه ادیان صفاتشان واحد باشد، بلکه این وحدت حتی در مورد اماکنشان طبق نقاط قبلی مطابق باشد، پس رهبرشان که آن پرچم را بر افراشته می‌کند (و از بعید برای امت‌ها پرچمی بلند می‌کند) به غیر از قائم از تنه یسی (احمد) چه کسی می‌باشد؛ کسی که از مردم بیعت می‌گیرد و انصار امام مهدی (علیه السلام) و اولیای خداوندی که با او هستند را جمع می‌کند.

و در مورد صفات یاران قائم و مخلص نیز آمده است:

در انجیل: (۳۱ و فرشتگان خود را با نفیر بلند شیپور خواهد فرستاد و آن‌ها برگزیدگان او را از چهار گوشه جهان از یک کران تا به کران دیگر آسمان گرد هم خواهند آورد). (۲)

و در تورات: (۱۳ و در آن روز واقع خواهد شد که شیپور بزرگ نواخته خواهد شد و گم‌شدگان زمین آشور و رانده‌شدگان زمین مصر خواهند آمد؛ و خداوند را در کوه مقدس یعنی در اورشلیم عبادت خواهند نمود). (۳)

و سؤال این است، این صدا و ندایی که از جانبی مربوط به فرشتگان و از جانبی دیگر، برگزیدگان را از سایر ملت منجی جهانی و یارانش جمع می‌کند، چیست؟ کسانی که گذشته از اماکنشان بلکه حتی با اوصافشان آشنا شدیم؟ همانا آن همان صدا و ندای ملکوتی است که به‌عنوان علامت کبری (بزرگ) از علامات قائم آل محمد (علیه السلام) ذکر شده است که مرتبط به اشاره بر او و پیوستن یارانش به او می‌باشد.

خدای متعال می‌فرماید: (وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ \* يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ

۱ - بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۰۸.

۲ - انجیل متی باب ۲۴.

۳ - اشعیا باب ۲۷.

الخُرُوج<sup>(۱)</sup>) گوش فرا ده و منتظر روزی باش که منادی از مکان نزدیک ندا می‌دهد\* روزی که همگان صیحه رستاخیز را به حق می‌شنوند، آن روز روز خروج است).

و در تفسیرش آمده است: (منادی به نام قائم و پدرش ندا می‌دهد).<sup>(۲)</sup>

و امام صادق (علیه السلام) فرمود: (... ندا دهنده‌ای از آسمان بنام قائم ندا سر می‌دهد که آن را اهل مشرق و مغرب خواهند شنید، و هیچ خوابیده‌ای نماند جز این که بیدار شود، و ایستاده‌ای نماند جز این که بنشیند، و نشسته‌ای نماند جز این که بر دو پای خود بایستد؛ همه اینها به‌خاطر پریشانی از آن صداست، پس خداوند رحمت کند کسی که آن صدا را دریابد و اجابت نماید، که صوت اول همان صدای جبرئیل روح‌الامین است).<sup>(۳)</sup>

و از رسول الله ﷺ: (فتنه‌ای خواهد بود که گوشه از آن اگر آرام شود گوشه‌ای دیگر از آن برپا می‌شود تا اینکه ندا دهنده‌ای از آسمان ندا کند امیرتان فلان است).<sup>(۴)</sup>

و ابن حماد در مورد فتنه روایت می‌کند: (ندا دهنده‌ای از آسمان ندا می‌کند که به‌درستی که حق در آل محمد (علیهم السلام) است).<sup>(۵)</sup>

و امیر از آل محمد (علیهم السلام) او همان احمد است همانطور که گذشت؛ چون ما خبر سنی که درباره صیحه و ندا و شناخت آن صحبت می‌کند را نقل کردیم و همچنین: (امیر الغضب نه از اینان است و نه از آنان ولیکن آن‌ها صدایی می‌شنوند که آن را نه انس و نه جن گفته با فلانی به نامش بیعت کنید، از این و آن نیست ولی او خلیفه‌ای یمانی است).

و اما در خصوص ملحق شدن یارانش در این آیه مقدس، رسول خدا ﷺ فرمود: (در هنگام خروج قائم ندا دهنده‌ای از آسمان ندا می‌زند که ای مردم زمان ستمگران به پایان رسیده و ولی امر بهترین امت محمد (علیهم السلام) در مکه به وی ملحق شوید، پس نجباء از مصر و ابدال (تبدیل‌شدگان) از شام و عصاب از عراق خارج می‌شوند که راهبان شب و شیران روز هستند؛ و قلب‌های آنان همچون آهن سخت است، که در بین رکن و مقام با وی بیعت می‌کنند).<sup>(۶)</sup>

و اکنون بعد از این که دیدیم قضیه منجی عالم، رابطه خاصی با ملکوت و رؤیای صادقانه دارد، بعد از شناخت

۱ - ق: ۴۱ - ۴۲.

۲ - تفسیر قمی: ج ۲ ص ۲۳۷.

۳ - غیبت نعمانی: ص ۲۶۲.

۴ - مجمع الزوائد: ج ۷ ص ۳۱۶.

۵ - الفتن: ص ۲۰۸.

۶ - الاختصاص للمفید: ص ۲۰۸.

وحدت شخصیت مصلح جهانی با نام و صفت و نسب و مسکنش و علامات او و انصارش در آن چه تقدیم شد، مرور می‌کنیم و بر می‌گردیم به امت قائم عامل به میوه های ملکوت و رؤیای صادقه.

### ۱۵. (امت قائم احمد) امت عمل‌کننده به ثمره ی ملکوت:

طبق بخش پنجم، امت عامل با میوه ملکوت امت عیسی (علیه السلام) و امت ایلیا (علیه السلام) نیست؛ عیسی (علیه السلام) فرمود: (۲) ملکوت آسمان‌ها را می‌توان به شاهی تشبیه کرد که برای پسر خود جشن عروسی به پاداشت ۳ او خادمان خود را فرستاد تا دعوت‌شدگان را به جشن فراخوانند، اما آن‌ها نخواستند بیایند. ۴ پس خادمی دیگر فرستاد و گفت: دعوت‌شدگان را بگویید اینک سفره جشن را آماده کرده‌ام، گاوها و گوساله های چاق و ثمین را سر بریده‌ام و همه چیز آماده است، پس به جشن عروسی بیایید ۵ اما آن‌ها اعتنا نکردند و هر یک به راه خود رفتند، یکی به مزرعه و دیگری به تجارت خود ۶ دیگران نیز خادمان او را گرفتند و آزار دادند و کشتند ۷ شاه چون این را شنید، خشمگین شده، سپاهیان خود را فرستاد و قاتلان را کشت و شهر آن‌ها را به آتش کشید ۸ سپس خادمان خود را گفت: جشن عروسی آماده است، اما دعوت‌شدگان شایستگی حضور در آن‌را نداشتند ۹ پس به میدان شهر بروید و هر که را یافتید به جشن عروسی دعوت کنید. ۱۰ غلامان به کوزه‌ها رفتند و هر که را یافتند، چه نیکو و چه بد، با خود آوردند و تالار عروسی از میهمانان پر شد. ۱۱ اما هنگامی که شاه برای دیدار با میهمانان وارد مجلس شد، مردی را دید که لباس عروسی بر تن نداشت ۱۲ از او پرسید: «ای دوست چگونه بدون لباس عروسی به اینجا آمدی؟» آن مرد پاسخی نداشت ۱۳ آنگاه پادشاه خادمان خود را گفت: «دست و پای او را ببندید و او را به تاریکی بیرون بیندازید، جایی که گریه و دندان به دندان ساییدن خواهد بود». ۱۴ زیرا دعوت‌شدگان بسیارند برگزیدگان اندک).<sup>(۱)</sup>

آن چیزی که در این متن ذکر شده است همان امری است که آل محمد (علیهم السلام) درباره انصار قائم (علیه السلام) و امتش گفتند؛ و اگر بخواهم موازی آن را حرف‌به‌حرف از روایاتشان نقل کنم بحثی که به‌طور مختصر آغاز کرده‌ایم طول خواهد کشید ولیکن این نمونه‌ای است که لباس عروسی و شهادت به‌حق را توضیح می‌دهد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: (آنگاه که قائم قیام کند به سرزمین کوفه می‌آید و با پا و دست خود به مکانی اشاره می‌کند و می‌فرماید: اینجا را حفر کنید، پس آنجا را حفر می‌کنند و دوازده هزار زره و دوازده هزار شمشیر و دوازده هزار سپر دو رو خارج می‌کنند، سپس دوازده هزار نفر از یارانش از عرب و عجم را فرا می‌خواند و به آن‌ها می‌پوشاند و می‌فرماید هر کس را دیدید که لباسی غیر از لباسی که شما بر تن دارید، بر تن داشت، او را بکشید).<sup>(۲)</sup>

و اما ساییدن دندان‌ها و آن ترسی که بعد از انداختن آن دروغ‌گو بر روی زمین که در میان دعوت‌شدگان آمده بود

۱ - متی باب ۲۲.

۲ - بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۷۷.

و ظاهراً از یارانش بود فراگیر می‌شود، امام صادق علیه السلام در موردش صحبت کرد و فرمود: (در حالی که آن مرد در رأس لشکر قائم است و او را امر و نهی می‌کند (در میان دستان قائم عمل می‌کند) قائم می‌گوید: او را برگردانید...؛ پس در مشرق و مغرب زمین چیزی باقی نمی‌ماند مگر که از او بترسد).<sup>(۱)</sup>

و به درستی که خداوند سبحان انصار قائم را وصف فرموده است: (وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ)<sup>(۲)</sup> (ما می‌خواهیم بر مستضعفین زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم). و روایات مسلمانان تأکید داشته بر اینکه آن‌ها قومی مستضعف و مسکین و آواره و مجهول نزد اهل زمین‌اند و کسی به آن‌ها اهمیت نمی‌دهد.

و این‌ها نیز همان صفات امتی هستند که ملکوت به آن‌ها داده شد و در آن نگاه کردند، بعد از این که غلام حکیم و دانا خوراک الهی را به آنان تقدیم نمود، همان‌طور که در گذشته این را خواندیم و عیسی علیه السلام فرمود: (۳... خوش‌به‌حال آنان که نیاز خود را به خدا احساس می‌کنند، زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است ۴ خوش‌به‌حال ماتم‌زدگان، زیرا ایشان تسلی خواهند یافت، ۵ خوش‌به‌حال فروتنان، زیرا ایشان مالک تمام جهان خواهند گشت... ۱۰ خوش‌به‌حال آنان که به سبب نیک کردار بودن آزار می‌بینند زیرا ایشان از ملکوت آسمان‌ها بهره‌مند خواهند شد)<sup>(۳)</sup>

بنابراین آنان یاران قائم هستند و روایات، راه شناخت آقایان را بیان نموده است. ملکوت در آن، رهبر آنان است؛ از خلال رؤیایها و مکاشفه و بقیه راه‌های ملکوتی؛ و در متون همه ادیان، امتی به‌جز انصار قائم نیامده است که هنگام نزدیک شدن ساعت و قیامت صغری و رهایی، صفتش این باشد.

ابن عربی سنی می‌گوید: شناسندگان به خداوند که اهل حقایق هستند، با او بیعت می‌کنند؛ از شهود و مکاشفه با شناخت الهی. برای او، مردان الهی است که دعوتش را استوار می‌کنند و او را یاری می‌دهند. آنان همان وزیرانی هستند که سنگینی مملکت را به دوش می‌کشند و او را نسبت به آنچه خداوند بر گردنش نهاده است، یاری می‌دهند. عیسی بن مریم برایش فرود می‌آید.<sup>(۴)</sup>

همچنین که در بحث پیشین، ذکر منابع سنی در شناخت قائم موعود از راه رویایها و ندای آسمانی گذشت.

۱ - غیبت نعمانی: ص ۲۴۵.

۲ - القصص: ۵.

۳ - متی باب ۵.

۴ - الفتوحات الملکیه: ج ۳ ص ۳۲۷.

به این خاطر که رؤیا، ارتباطی با شناخت قائم و مصلح منتظر دارد، امام رضا (علیه السلام) به ابن ابی نصر وقتی از ایشان درباره رؤیا پرسید، فرمود: (اگر ما آنچه را می‌خواهید به شما بدهیم، برای شما بد می‌شود و گردن صاحب الامر را می‌گیرید).<sup>(۱)</sup>

و از امام صادق (علیه السلام): (در خانه‌های خود بنشینید، هر وقت دیدید که ما دور مردی گرد آمده‌ایم با سلاح به سوی ما بشتابید).<sup>(۲)</sup>

و پس از فوت‌شان این گردآوری محقق نخواهد شد، مگر در رؤیایی که مؤمنان می‌بینند.

این مسئله‌ای است که امروزه، از خلال هزاران رؤیای صادقانه به ایشان و پیامبران و فرستادگان به وجود آمده است؛ و همگی آن، به پیوستن به منجی و رهایی‌بخش و قائم «احمدالحسن» راهنمایی می‌کنند. فردی که می‌خواهد یقین کند، به سایت رسمی دعوت مبارک وارد شود و گواهی‌های انسان‌های متعدد را بشنود که زبان‌های مختلف دارند و از ادیان و ملیت‌های متفاوتی هستند.

گذشته از همه این‌ها پیام‌های رسالات آسمانی، رؤیا را به‌عنوان امری برجسته و مورد اهمیت تأویل کرده‌اند و در قرآن می‌بینیم که تمام سوره (یوسف) و آیاتش در مورد رؤیای او و رؤیای عزیز مصر و زندانیانی که با او بودند صحبت می‌کند؛ خداوند متعال به پیامبرش محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) فرمود: (نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ \* إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ \* قَالَ يَا بَنِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِالْغَدَاةِ فَاعْبُدُوا اللَّهَ مَا كَانَتْ لِلْإِنْسَانِ عِدْوًا مُبِينٌ \* كَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَى أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ)<sup>(۳)</sup> (ما بهترین سرگذشت‌ها را از طریق وحی کردن این قرآن بر تو بازگو کردیم، هرچند پیش از آن از غافلان بودی \* به خاطر بیاور هنگامی را که یوسف به پدرش گفت: پدرم! من در خواب دیدم یازده ستاره و خورشید و ماه در برابرم سجده می‌کنند! \* گفت: فرزندم! خواب خود را برای برادرانت بازگو مکن که برای تو نقشه خطرناک می‌کشند، چراکه شیطان دشمن آشکار انسان است! \* و این‌گونه پروردگارت تو را برمی‌گزیند و از تعبیر خواب‌ها به تو می‌آموزد و نعمتش را بر تو و بر آل یعقوب تمام و کامل می‌کند، همان‌گونه که پیش از این بر پدران ابراهیم و اسحاق تمام کرد. پروردگار تو عالم و حکیم است). پس به درستی که خداوند سبحان تعبیرشان را دلیل بر نبوت انبیاء و بر حق بودن دعوتشان قرار داد. همچنین آن را مصداقی برای تشخیص خلیفه خداوند بر روی زمین عرضه کرد؛ یعنی منجی‌شان و کشتی نجاتشان از صحرای سرگردانی و گمراهی؛ پس اگر تعریف رؤیای یوسف (علیه السلام) منجر به آن نمی‌شد که برادرانش

۱ - بحارالانوار: ج ۵۲ ص ۱۱۰.

۲ - غیبت نعمانی: ص ۲۰۳.

۳ - یوسف: ۳-۶.

مطلع شوند که او خلیفه پدرش است، حکمتی در نهی یعقوب (علیه السلام) از تعریف رؤیا حاصل نمی‌شد.

و لذا پیامبر محمد ﷺ در توصیف رؤیاها و جایگاه و خصوصیاتشان در آخرالزمان فرمود: (در آخرالزمان، کسی نمی‌تواند رؤیای مسلمان را تکذیب کند؛ و صادق‌ترین شما در رؤیا، راستگوترین شما در گفتار است و رؤیای مسلمان جزئی از چهل و پنج جزء نبوت است).<sup>(۱)</sup>

و از امام رضا (علیه السلام): (همانا رسول الله ﷺ وقتی بیدار می‌شد به یارانش می‌گفت آیا بشارتی هست؟ منظورش رؤیا بود).<sup>(۲)</sup>

و همین اهمیت را در تورات و انجیل در مورد ملکوت و شهادت برحقش پیدا می‌کنیم؛ در انجیل تنها مکاشفه یوحنا برای ما کافی است و ارتباطش در گذشته با منجی و مخلص برایمان نمایان شد.

و در مورد ارتباط رؤیا با مخلص نیز آنچه بطرس از یوئیل نبی نقل کرده است را پیدا می‌کنیم، در پیامش: (خدا می‌فرماید: در روزهای آخر از روح خود بر تمامی بشر فرو خواهیم ریخت. پسران و دختران شما نبوت خواهند کرد، جوانانتان رؤیاها خواهند دید و پیرانتان خواب‌ها. ۱۸ و نیز در آن روزها، حتی بر غلامان و کنیزانم، از روح خود فرو خواهیم ریخت و آنان نبوت خواهند کرد. ۱۹ بالا، در آسمان، عجایب و پایین، بر زمین، آیاتی از خون و آتش و بخار به‌ظهور خواهیم آورد. ۲۰ پیش از فرارسیدن روز عظیم و پرشکوه خداوند خورشید به تاریکی و ماه به خون بدل خواهد شد).<sup>(۳)</sup>

و همانند آن در تورات آمده است: (۲۸ و بعد از آن روح خود را بر همه بشر خواهیم ریخت و پسران و دختران شما نبوت خواهند نمود و پیران شما و جوانان شما رؤیاها خواهند دید. ۲۹ و در آن ایام روح خود را بر غلامان و کنیزان نیز خواهیم ریخت. ۳۰ و آیات را از خون و آتش و ستون‌های دود در آسمان و زمین ظاهر خواهیم ساخت. ۳۱ آفتاب به تاریکی و ماه به خون مبدل خواهند شد، پیش از ظهور یوم عظیم و مهیب خداوند).<sup>(۴)</sup>

و سفر دانیال، تعبیر دانیال نبی و دانا را به تأویل رؤیاها اضافه کرد: (۱۷...و دانیال در همه رؤیاها و خواب‌ها فهیم گردید).<sup>(۵)</sup> و این دلیل بر نبوتش بود و به‌درستی که او رؤیای نبوکد ملک بابل که او را حیران کرده بود تأویل کرد: (۲۶ پادشاه پاسخ داد و به دانیال گفت: «آیا تو می‌توانی خوابی را که دیده‌ام تعبیرش را برای من بیان نمایی؟» ۲۷ دانیال به حضور پادشاه جواب داد و گفت: «رازی را که پادشاه می‌طلبد، نه حکیمان و نه جادوگران و

۱ - صحیح مسلم: ج ۷ ص ۵۲.

۲ - کافی: ج ۸ ص ۹۰.

۳ - اعمال رسولان باب ۲.

۴ - یوئیل باب ۲.

۵ - دانیال باب ۱.

نه مجوسیان و نه منجمن می‌توانند آن را برای پادشاه حل کنند. ۲۸ لیکن خدایی در آسمان هست که کاشف اسرار می‌باشد و او نبوکد نصر پادشاه را از آنچه در ایام آخر واقع خواهد شد، اعلام نموده است. خواب تو و رؤیای سرت که در بستر دیده‌ای این است.<sup>(۱)</sup>

اما آنچه در تعبیر فرستادگان رؤیاست، همان خداوند سبحان است. او همان سخن خداوند متعال، از یوسف است: **(كَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رُبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ)**، **(و این‌گونه پروردگارت تو را بر می‌گزیند و از تعبیر خواب‌ها به تو می‌آموزد)** اما غیر آنان، توانایی تأویل و بیان را ندارند. به این خاطر که همان‌طور که در قرآن گذشت، تعبیر یکی از راه‌های شناخت راستی خلفای خداوند و فرستادگانش می‌باشد و نه غیر ایشان.

به علاوه همه مطالبی که در بحث‌های پیشین و دلایلی را که بیان نمودیم و حقانیت منجی و قائم، احمدالحسن را ثابت می‌کند، می‌بینیم که رؤیای صادق و تعبیر آن نیز، جزو دلایلی است که خداوند امروزه به واسطه آن، قائم را تأیید می‌نماید؛ همان‌طور که با نص قرآن و انجیل و تورات، خلفای پیشین خود را تأیید نمود.

به این خاطر که تعبیر رویا توسط دانیال، ارتباطی با آخرالزمان و روز رهایی دارد (و دانیال بخت النصر را به آنچه در روزهای آخر اتفاق می‌افتد، با خبر نمود). قطعاً برای فرستاده موعود و قائم محمود «احمد» در این مورد یادی است. بلکه رؤیا، قطعاً مرکز آسیاب اوست. و این مسئله‌ای است که الان می‌شنویم.

\*\*\*

## ۱۶. و از دانیال نبی جملاتی در مورد قائم (احمد) وجود دارد:

دانیال فرمود: (۳۱) تو ای پادشاه می‌دیدی و اینک تمثال عظیمی بود و این تمثال بزرگ که درخشندگی آن بی‌نهایت و منظر آن هولناک بود پیش روی تو برپا شد. ۳۲ سر این تمثال از طلای خالص و سینه و بازوهایش از نقره و شکم و ران‌هایش از برنج بود. ۳۳ و ساق‌هایش از آهن و پاهایش قدری از آهن و قدری از گل بود. ۳۴ و مشاهده می‌نمودی تا سنگی بدون دست‌ها جدا شده، پاهای آهنین و گلین آن تمثال را زد و آن‌ها را خرد ساخت. ۳۵ آنگاه آهن و گل و برنج و نقره و طلا با هم خرد شد و مثل کاهِ خرمن تابستانی گردیده، باد آن‌ها را چنان برد که جایی به جهت آن‌ها یافت نشد؛ و آن سنگ که تمثال را زده بود کوه عظیمی گردید و تمامی جهان را پر ساخت. ۳۶ خواب همین است...

و پس از این که دانیال نبی طلا، نقره، مس و آهن را به‌عنوان چهار مملکت پادشاهی که بر روی زمین برپا می‌شوند معرفی نمود گفت: (۴۴) و در ایام این پادشاهان خدای آسمان‌ها سلطنتی را که تا ابد زایل نشود، برپا خواهد نمود و این سلطنت به قومی دیگر منتقل نخواهد شد، بلکه تمامی آن سلطنت‌ها را خرد کرده، مغلوب

خواهد ساخت و خودش تا ابد استوار خواهد ماند. ۴۵ و چنانکه سنگ را دیدی که بدون دست‌ها از کوه جدا شده، آهن و برنج و گِل و نقره و طلا را خرد کرد، همچنین خدای عظیم، پادشاه را از آنچه بعد از این واقع می‌شود با خبر ساخته است. پس خواب صحیح و تعبیرش یقین است.<sup>(۱)</sup>

و سنگی که پادشاهی ظلم و گمراهی و طاغوت و شیطان را زیر پا قرار داده و سرنگون می‌کند قائم احمد است همان‌طور که در بخش آینده بیان خواهد شد.

همان‌طور که دانیال علیه السلام رؤیایی با حیواناتی «شیر و خرس و پلنگ و حیوان ترسناک چهارمی که بقیه را از بین می‌برد» دید، سپس فرمود: (۹ و نظر می‌کردم تا کرسی‌ها برقرار شد و قدیم‌الایام جلوس فرمود و لباس او مثل برف سفید و موی سرش مثل پشم پاک و عرش او از شعله‌های آتش و چرخ‌های آن آتش ملتهب بود. ۱۰ نه‌ری از آتش جاری شده، از پیش روی او بیرون آمد. هزاران هزار او را خدمت می‌کردند و کرورها کرور به حضور وی ایستاده بودند. دیوان برپا شد و دفترها گشوده گردید... ۱۳ و در رؤیای شب نگریستم و اینک مثل پسر انسان با ابرهای آسمان آمد و نزد قدیم‌الایام رسید و او را به حضور وی آوردند. ۱۴ و سلطنت و جلال و ملکوت به او داده شد تا جمیع قوم‌ها و امت‌ها و زبان‌ها او را خدمت نمایند. سلطنت او سلطنت جاودانی و بی‌زوال است و ملکوت او زایل نخواهد شد).<sup>(۲)</sup>

متن درباره سخن از رهایی بخش روشن است که ملکوت، به امتش داده می‌شود و اوست که همه امت‌ها او را درخواست می‌کنند. قدیم‌الایام، امام مهدی علیه السلام است. اما مثل پسر انسان که آفایش او را قرار داده است و سلطنت ابدی به او داده است که از بین نمی‌رود، فرزندش می‌باشد؛ احمد قائم و بنده امین و حکیم، با توجه به توصیف عیسی علیه السلام نسبت به ایشان. همان‌طور که گذشت، اوست که استحقاق این را دارد که سفرها و مهرها را در رویای یوحنا یلاهوتی بگشاید.

و درباره جانور چهارم و هولناک گفت: ( دیدم که حیوان کشته شد و جسمش از بین رفت و به درون آتش انداخته شد. ۱۲ اما سلطنت از بقیه حیوانات، گرفته شد. ولی تا زمان و وقتی، به آنان طول زندگی داده شد).<sup>(۳)</sup>

و شیری که دو بال دارد نماد امپراتوری انگلستان است که در اروپا برپا شد که شعارش همان شیر است که دارای دو بال می‌باشد و اما خرس نماد روسیه می‌باشد، و گوشت بسیاری که خورد یعنی آنکه مردم بسیاری را کشت... و اما جانور چهارمی که آهنین بود امپراتوری امریکاست و همانا که او کل زمین را لگدمال کرد و با ثروت و اسلحه آن را تحت سلطه خود قرار داد.

۱ - دانیال باب ۲.

۲ - دانیال باب ۷.

۳ - دانیال باب ۷.



و همان طور که پیامبران امت‌هایشان را از فتنه دجال اکبر هوش دادند، پیامبر اسلام محمد (صلی الله علیه و آله) نیز این کار را انجام داد و او را توصیف کرد پس فرمود: (هیچ پیامبری قبل از من نبوده مگر اینکه دجال را برای قوم خویش توصیف نموده و همانا که برای او صفتی را خواهم داد که قبل از من کسی آن را نگفته است؛ او یک‌چشمی است).<sup>(۱)</sup> به این معنا که با یک چشم نگاه می‌کند که فقط با مصلحت او سازگاری دارد؛ هرچند با حساب خون میلیون‌ها نفر از مردم باشد و در مورد دستگاه‌های ارتشی‌اش (به‌درستی که همراهش کوهی از آتش است) و درباره دستگاه اقتصادی (به‌درستیکه همراهش کوهی از خوراک است) حضرت (صلی الله علیه و آله) فرمود: (همراهش بهشت و جهنم می‌باشد؛ پس آتشش بهشت و بهشتش آتش است و با او کوهی از نان و رودی از آب می‌باشد...)<sup>(۲)</sup> و درباره ورودش به عراق (بابل)، کعب گفت: (اولین آبی که دجال از آن رد می‌شود سنام است، کوهی در مقابل بصره).<sup>(۳)</sup>

همه این ویژگی‌ها در مملکت آهنین «آمریکا» وجود دارد که دانیال از آن، در آخرالزمان سخن می‌گوید. آن همان دجالی است که رسول الله (صلی الله علیه و آله) از در فتنه افتادن و فریب با او، برحذر داشته است. و مشخصاً از کوه سنام، وارد عراق شد و قائم (علیه السلام) او را به آتش می‌فرستد و از بین می‌برد.

الان به شناخت سنگی باز می‌گردیم که خداوند به واسطه آن، همه باطل را از بین می‌برد و به واسطه آن، نماد حق را استوار می‌کند؛ تا پس از اینکه زمین از ستم و جور پر شده است، از عدل و داد پر شود.

\* \* \*

### ۱۷. احمد . . . سنگ زاویه، بریده‌ای از محمد (صلی الله علیه و آله) که رأس زاویه شد:

عیسی (علیه السلام) در مورد سنگ فرمود: (۴۲... آیا تا به حال در کتب مقدس نخوانده‌اید که، "همان سنگی که معماران رد کردند، سنگ اصلی بنا شده است. خداوند چنین کرده و در نظر ما شگفت می‌نماید؟" ۴۳ پس شما را می‌گویم که پادشاهی خدا از شما گرفته و به قومی داده خواهد شد که میوه آن را بدهند. ۴۴ هر که بر آن سنگ افتد، خرد خواهد شد، و هرگاه آن سنگ بر کسی افتد، او را درهم خواهد شکست.)<sup>(۴)</sup>

و داوود درباره‌اش فرمود: (۱۹ دروازه‌های عدالت را برای من بگشایید! به آنها داخل شده، پروردگار را حمد

۱ - معجم احادیث امام مهدی (علیه السلام): ج ۲ ص ۶.

۲ - مجمع الزوائد: ج ۷ ص ۳۵۰.

۳ - الفتن: ابن حماد ص ۳۲۵.

۴ - متی باب ۲۱.

خواهم گفت. ۲۰ دروازه خداوند این است. عادلان بدان داخل خواهند شد. ۲۱ تو را حمد می‌گویم زیرا که مرا اجابت فرموده و نجات من شده‌ای. ۲۲ سنگی را که معماران رد کردند، همان سر زاویه شده است. ۲۳ این از جانب خداوند شده و در نظر ما عجیب است. ۲۴ این است روزی که خداوند ظاهر کرده است. در آن وجد و شادی خواهیم نمود. ۲۵ آه ای خداوند نجات ببخش! آه ای خداوند سعادت عطا فرما! ۲۶! متبارک باد او که به نام خداوند می‌آید.<sup>(۱)</sup>

و در مورد این سنگی که معماران آن را نخواستند و رأس زاویه شد، قائم احمد الحسن فرمود:

«دین تماماً همان عهد و پیمانی است که از بندگان بر اطاعت جانشینان الهی گرفته شده است و خدا آن را در حجر الاساس یا حجرالاسود یا سنگ بنا یا سنگ جدا شده از حضرت محمد ﷺ برای منهدم ساختن حاکمیت شیطان و طاغوت به ودیعه نهاده است. این سنگ در کتب آسمانی و در روایات یاد شده است.»

قریش آن گاه که بر سر کسی که سنگ را بردارد با هم دچار اختلاف شدند، می‌دانستند این سنگ به موضوع مهمی اشاره دارد و به همین جهت در مورد کسی که قرار بود حامل آن باشد، دچار اختلاف و چند دستگی شدند. خواست و مشیت خدا آن بود که حضرت محمد ﷺ کسی باشد که آن سنگ را برمی‌دارد و در جایش قرار می‌دهد تا نشانه‌ی الهی به سرانجام رسد؛ اشاره‌ی خدای سبحان آن بود که قائم به حق و بنده‌ای که خدا عهد و میثاق را در آن به ودیعه نهاده است و این سنگ به او اشاره می‌کند، از محمد ﷺ که سنگ را حمل کرده بود، خارج می‌گردد.

از سعید بن عبدالله اعرج از ابی عبدالله (علیه السلام) نقل شده است که فرمود: «قریش در جاهلیت خانه (کعبه) را ویران کردند. هنگامی که خواستند آن را بنا کنند نیرویی بین آنها و آن بود که ترس در دل‌هایشان انداخت تا این که کسی از آنها گفت: از بین هر یک از شما، مردی که پاک‌ترین مال را دارد بیاید و مالی که از طریق قطع رجم یا از طریق حرام کسب کرده باشد، نیاورد. چنین کردند و مانع بین آنها و ساخت بنا از بین رفت. شروع به بنا کردن آن نمودند تا به موضع حجرالاسود رسیدند. با یکدیگر مشاجره می‌نمودند که چه کسی حجرالاسود را در جایگاهش قرار دهد تا جایی که نزدیک بود شری واقع شود (نزاع شود). در نهایت حکم کردند اولین کسی که از در مسجد الحرام داخل شود، این کار را انجام دهد. رسول الله ﷺ وارد شد. هنگامی که وارد شد، دستور داد پارچه‌ای پهن شود، سپس سنگ را میان آن نهاد و پس از آن نمایندگان قبایل گوشه‌های آن را گرفتند و بلندش نمودند. سپس رسول اکرم ﷺ آن را برداشت و در جایگاهش قرار داد و (این گونه) خداوند آن را مخصوص او ﷺ گردانید.»<sup>(۲)</sup>

حضرت محمد ﷺ حجرالاسود را حمل نمود و این اشاره‌ای است بر این که قائم و حمل‌کننده‌ی گناه و حامل پرچم سیاه که به آن اشاره دارد، از حضرت محمد ﷺ خارج خواهد شد، و نیز حضرت محمد ﷺ کسی است

۱ - مزبور باب ۱۱۸.

۲ - کافی: ج ۴ ص ۲۱۷.

که او را در صلب خود حمل می‌کند؛ زیرا او در فاطمه دختر محمد ﷺ به ودیعه نهاده شده است و لذا حمل کننده‌ی واقعی گناه، پیامبر خدا حضرت محمد ﷺ می‌باشد.

اما رنگ سیاهی که خداوند خواسته است تا این سنگ را با آن بیوشاند، به گناه بندگان اشاره دارد و خطاها و اشتباهات‌شان را به آنها یادآوری می‌کند، تا شاید در حالی که در خانه‌ی خدا هستند توبه کنند و آمرزش بخواهند. این رنگ، همان رنگ سیاه پرچم حق قائم است؛ پرچم‌های سیاه به سنگ اشاره دارد و سنگ هم به آن اشاره می‌کند و این دو با رنگ سیاه خود، با گناه و خطای نقض عهد و میثاقی که از خلق در عالم ذر گرفته شد، و همچنین به رنجی که حامل این گناه و حامل پرچم سیاهی که به این خطا و گناه اشاره می‌کند، بر دوش می‌کشد، اشاره می‌نمایند؛ بنده‌ای که به نوشتن این عهد و پیمان موکل شد؛ او، همان حجرالاسود و همان قائم آل محمد است.

و این سنگ با مسئله‌ی فدا شدن که در دین الهی و در طول مسیر یکتای مبارک این دین وجود دارد، ارتباط دارد؛ چرا که دین خدا یکی است؛ چون از سوی یگانه آمده است، و فداکاری و ایثار در اسلام با روشن‌ترین صورت در حسین (علیه السلام) تجلی یافت و قبل از اسلام نیز در دین حنیف ابراهیم (علیه السلام) با اسماعیل متجلی گشت. این موضوع را در عبدالله پدر حضرت محمد ﷺ نیز می‌یابیم؛ و همچنین در دین یهود دین موسی (علیه السلام) در یحیی پسر زکریا (علیه السلام) و در مسیحیت با مصلوب (به صلیب کشیده شده) جلوه‌گر شده است؛ صرف نظر از این که مسیحیان گمان می‌کنند که مصلوب، خود عیسی (علیه السلام) بوده است؛ آنها اعتقاد دارند که فرد به دار آویخته شده همان بر دوش کشنده‌ی گناه است. چنین اعتقادی اگر چه دست‌خوش تحریف شده است ولی به آن معنا نیست که کاملاً پوچ باشد و هیچ اصل و ریشه‌ای در دین خدای سبحان که این اعتقاد از آن انحراف یافته است، نداشته باشد؛ بلکه بسیاری از عقاید منحرف، در حقیقت مستند به مبدأ دینی است و خاستگاه دینی دارد که علمای گمراه غیرعامل، آن را به دست گرفته، منحرف ساخته و عقیده فاسدی بر مبنای آن پایه‌ریزی کرده‌اند. این قضیه که پیامبران برخی خطاهای امت‌های خود را متحمل می‌شوند تا امت را جملگی به سوی خداوند سیر دهند، در دین خدا وجود دارد و بی‌پایه و اساس نیست. به عنوان مثال شما با مراجعه به متون تورات درمی‌یابید که موسی (علیه السلام) رنج و زحمت مضاعفی را متحمل می‌شود هنگامی که قومش گناهی را مرتکب می‌شوند. حضرت محمد ﷺ نیز گناهان مؤمنین را متحمل می‌شود. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا﴾<sup>(۱)</sup> (تا خداوند گناه تو را آنچه پیش از این بود و آنچه پس از این باشد برای تو بپامزد و نعمت خود را بر تو تمام کند و تو را به صراط مستقیم راه نماید).

تفسیر ظاهری آیه چنین است که او گناهان امت را بر دوش می‌گیرد و خداوند آنها را برای او می‌آمرزد. از عمر بن یزید بیاع سابری نقل شده است که گفت: به ابو عبدالله (علیه السلام) درباره‌ی آیه‌ی ﴿لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ﴾ سؤال کردم. حضرت (علیه السلام) فرمود: (ما كان له من ذنب ولا هم بذنب، ولكن الله حمّله ذنوب شيعته ثم غفرها له)، «پیامبر معصیتی نداشت و اراده‌ی معصیتی نکرد ولی خداوند گناهان شیعیان را بر او تحمیل

فرمود، سپس آنها را برای او آمرزید».

این که فرستادگان گناهان امت‌هایشان را متحمل می‌شوند به این معنا نیست که آنها گناه نقض عهد و پیمان منکرین جانشین خدا را که بر این انکار می‌میرند، متحمل می‌شوند بلکه آنها گناه کسی را بر دوش می‌گیرند که از یادآوری این عهد و پیمان غفلت ورزیده و مدت زمانی در این زندگی دنیوی، نقض عهد نموده است. به علاوه این که فرستادگان گناهان امت‌هایشان را متحمل می‌شوند به این مفهوم نیست که آنها به جای امت‌هایشان، خود اهل گناه و معصیت می‌شوند بلکه به این معنا است که آنها بارهای اضافی و زحمت و مشقت بیشتری در تبلیغ رسالات خود در این دنیا برای مردم بر دوش می‌گیرند که این موضوع، طبیعتاً با اراده‌ی خود آنها صورت می‌گیرد زیرا خودشان چنین چیزی را درخواست می‌نمایند. چه بسیار پیش می‌آید که یک پدر مهربان و دل‌سوز، پیامدهای خلاف‌کاری و اشتباه فرزندان را بر عهده می‌گیرد هر چند ممکن است این کار زحمت و مشقت برای او در پی داشته باشد، و حتی گاهی اوقات رنج‌ها و کشته شدن در راه خدا را برای او رقم بزند همان‌طور که وضعیت حسین (علیه السلام) نیز همین گونه است، و این از آن رو است که پدر چشم امید دارد که در نهایت کار، فرزندان اصلاح شوند. چه بسا که بسیاری عهد را به خاطر نمی‌آورند مگر آن گاه که خون پدرشان یعنی ولی خدا بر زمین ریخته شود و این کار عاملی می‌شود بر این که آنها عهد و پیمان را به یاد آورند. از این رو می‌بینیم که امام حسین (علیه السلام) که خداوند اراده فرمود تا او را سببی برای یادآوری عده‌ی بسیاری از خلائق قرار دهد، حج را رها می‌کند و مسیری را که به مکان ذبح شدنش منتهی می‌شود، در پیش می‌گیرد.

اما ارتباط سنگ با گناه آدم (علیه السلام)، موضوعی است که ائمه (علیهم السلام) عهده‌دار تبیین آن شده‌اند، هر چند این مسئله بنا بر علتی که خداوند سبحان اراده فرموده، ممکن است چند صباحی در گذشته بر مردم پوشیده مانده باشد. ائمه (علیهم السلام) همچنین تبیین رابطه‌ی سنگ با گناهان خلق را نیز بر عهده گرفته‌اند. پیامبر خدا حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) با واضح‌ترین بیان عملی - یعنی هنگامی که سنگ را بوسید- این موضوع را تشریح فرموده است و البته این عمل، بیانی برای کسانی است که بصیرت دارند و کارهای حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) را که حکیم است و حکیمانه عمل می‌کند، درمی‌یابند....

پیامبر خدا حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) اهمیت حجرالاسود و ارزش و فضیلت آن را با گفتار و کردار خود بر عهده گرفت و همین بس که بدانی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) آن را بوسید و بر آن سجده کرد، و این در حالی است که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) جز بر حجرالاسود، بر هیچ جای دیگر کعبه سجده ننموده است. عظمت و اهمیت این موضوع تا آن جا رسید که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: (استلموا الركن، فإنه یمین الله فی خلقه، یصافح بها خلقه مصافحاً العبد أو الدخیل، و یشهد لمن استلمه بالموافاة) «رکن را استلام (ببوسید و لمس) کنید چون او دست خدا بین بندگان است که با آن با مخلوقاتش مصافحه می‌کند، مانند مصافحه‌ای که با بنده‌ی خود و یا با پناهنده‌ی خود می‌کند، و آن سنگ نسبت به کسانی که او را لمس می‌کنند و می‌بوسند در روز قیامت شهادت به برخورد و ملاقات و وفای به عهد و میثاق می‌دهد».<sup>(۱)</sup>

منظور از رکن، حجرالاسود است زیرا این سنگ در آن کار گذاشته شده است. ائمه (علیهم السلام) نیز شیوهی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در بیان اهمیت سنگ را با گفتار و کردار خود ادامه دادند و بیان داشتند که سنگ، حامل کتاب عهد و پیمان است و این که آدم چهل روز گریست و مجلس گریه و سوگواری نزدیک سنگ برپا کرد تا گناهِش در نقض عهد مورد بخشش قرار گیرد: ﴿وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِن قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا﴾<sup>(۱)</sup> (و ما پیش از این با آدم پیمان بستیم ولی فراموش کرد، و شکیباییش نیافتیم).

این سنگ در ابتدا مرواریدی درشت و درخشان بود ولی در زمین به سبب گناهان بندگان، سیاه شد. این کلمات و اعمال مبارکی که (ائمه (علیهم السلام)) بارها پیش روی اصحاب خود تکرار نموده‌اند، همگی تأکید و بیان اهمیت حجرالاسود است و این که حجر با گناه نخستین و بلکه با تمام گناهانی که در طول مسیر انسانیت بر روی این زمین صورت می‌گیرد، ارتباط دارد.

در ادیان پیشین، نام سنگ در تورات و انجیل نیز آمده است:

پس سنگی که عیسی (علیه السلام) در مورد آن صحبت کرده است، در امت دیگری غیر از امتی که او آنها را خطاب قرار داده بود، می‌باشد. ملکوت از امتی که عیسی (علیه السلام) آنها را مخاطب نموده بود یعنی بنی‌اسرائیل و کسانی که به عیسی (علیه السلام) گرویدند ستانده می‌شود زیرا او این سخنان را خطاب به شاگردانش که به او ایمان داشتند و نیز دیگر مردمان بیان کرده بود و این سنگ به امت مرتبط با سنگ که به دستاوردهای ملکوت عمل می‌کنند، داده می‌شود. کاملاً واضح است که سخن حضرت عیسی (علیه السلام) در مقام بیان فضیلت «سنگ زاویه» (سنگ بنا) ایراد شده است و این که زمام‌داری را در نهایت از کسانی که مدعی پیروی از عیسی هستند می‌گیرد و به امت سنگ که امت محمد و آل محمد (علیهم السلام) هستند عطا می‌نماید. عیسی (علیه السلام) ارتباط بین سنگ و بین امتی که در نهایت ملکوت و پادشاهی به ایشان داده می‌شود را به صورتی حکیمانه به تصویر کشیده است.

ایشان همچنین این امت را با بنی‌اسرائیل و کسانی که ادعای پیروی از او را دارند مقایسه کرده و بیان داشته است که اینها در نهایت به زمامداری نمی‌رسند. بنابراین عیسی (علیه السلام) سنگ را علت دادن ملکوت و پادشاهی به امت دیگری غیر از امتی که مدعی پیروی از موسی (علیه السلام) و عیسی (علیه السلام) هستند برمی‌شمارد؛ یعنی کسانی که حجر گواهی می‌دهد که به عهد و میثاق وفا کرده‌اند و او را یاری رسانده‌اند، همان کسانی‌اند که پادشاهی را به ارث می‌برند، چه در این زمین باشد با برپایی حاکمیت خدا و چه در آسمان‌ها آن‌گاه که خداوند از ملکوتش بر آنها پرده بردارد و آنها را کسانی قرار دهد که در آن نظاره می‌کنند یا در نهایت خداوند ایشان را در بهشت ملکوتی جای می‌دهد.

کسی که مُصْرَّانَه می‌خواهد این کلام را به صورت دیگری تفسیر کند و بگوید منظور عیسی (علیه السلام) از این حرف خودش بوده است، در واقع مغلطه‌گری می‌کند و به دنبال شناخت حق و حقیقت نیست. این شخص باید اصل کلام را که سخن داوود (علیه السلام) در مزامیر است بخواند. اینجا نیز ممکن است یهودیان بگویند که داوود خودش را قصد کرده است؛ که در این صورت این مناقشه را پایانی نیست.

ولی حقیقت آن است که منظور داوود علیه السلام و عیسی علیه السلام نجات‌دهنده‌ای را که در آخرالزمان به نام پروردگار می‌آید می‌باشد. عیسی علیه السلام در جاهای دیگری در انجیل به او بشارت داده و وی را عزت داده شده و بنده‌ی حکیم نام نهاده است و در اینجا نیز «حجر زاویه» (سنگ اصلی بنا) می‌خواند. اینجا سؤالی پیش می‌آید: چه کسی است که سنگ بنا را شناخت یا ممکن است او را بشناسد و بداند که سنگ بنا کیست؟ آیا به داوود یا عیسی علیه السلام گفته شده است که آنها خود، سنگ بنا در خانه‌ی پروردگار هستند؟ یا در جایی دیگر به آنها یادآوری شده است که ایشان سنگ بنا در خانه‌ی خدا هستند؟ و آیا در گوشه‌ی خانه‌ی خدا یا در هیکل، سنگی قرار داده شده است تا یهود و نصارا را هدایت کند که سنگ بر داوود یا عیسی علیه السلام دلالت دارد؟

واقعیت آن است که چنین چیزی وجود ندارد ولی در امت دیگری از فرزندان ابراهیم علیه السلام موجود است؛ و در خانه‌ی خدایی که ابراهیم علیه السلام و پسرش اسماعیل علیه السلام بنا نهادند وجود دارد و در گوشه و دقیقاً در گوشه‌ای که رکن عراقی نام دارد، استقرار یافته است. تمام این موارد به یک چیز دلالت دارد و آن نجات‌دهنده‌ای است که در آخرالزمان می‌آید یا کسی که داوود در مزامیر به او با «سنگ زاویه» (سنگ بنا) اشاره کرده و گفته است که به نام پروردگار می‌آید.

برای تأکید بیشتر بر این که مراد از سنگ بنا در تورات و انجیل، همان نجات‌دهنده‌ای است که در آخرالزمان در عراق می‌آید و او قائم به حق است، این رؤیا را که پادشاه عراق در زمان دانیال نبی علیه السلام دیده و آن حضرت آن را تفسیر کرده است، می‌آورم. این رؤیا تقریباً از شرح و توضیح بی‌نیاز است....

بنابراین سنگ یا نجات‌دهنده‌ای که هیکل باطل و زمامداری طاغوت و شیطان بر این زمین را درهم می‌شکند و در حکومت او حق و عدل در زمین منتشر می‌شود، در آخرالزمان و در عراق ظهور می‌یابد که این معنا در خواب دانیال واضح است. این همان سنگی است که بُت یا زمامداری طاغوت و انانیت را از اصل برمی‌کند و ویران می‌سازد. این در حالی است که نه عیسی علیه السلام و نه داوود علیه السلام هیچ یک نه به عراق فرستاده شده بودند و نه در آخرالزمان بودند؛ بنابراین امکان ندارد که هیچ کدامشان همان سنگ بنای مزبور باشند. بلکه از تمام مطالب پیشین به روشنی مشخص می‌شود که سنگ بنایی که در یهودیت و نصرانیت وجود دارد، همان حجرالاسودی است که در گوشه‌ی بیت الله الحرام در مکه نهاده شده است.

حجرالاسودی که در رکن خانه‌ی خدا قرار داده شده، تجلی و نماد موکل بر عهد و پیمان است، و همان سنگ بنایی است که داوود و عیسی علیه السلام ذکر کرده‌اند و این همان سنگی است که در سفر دانیال علیه السلام حکومت طاغوت را منهدم می‌سازد؛ او، همان قائم آل محمد علیه السلام یا مهدی اول علیه السلام است که همان‌طور که در روایت‌های پیامبر خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت ایشان علیهم السلام وارد شده است، در آخرالزمان می‌آید.<sup>(۱)</sup>

\* \* \*

## ۱۸. قانون الهی در شناخت فرستادگان (خلفای خداوند):

و اینک در بین دستان همه خوانندگان قانون الهی واضحی را قرار خواهیم داد که همه پیامبران و فرستادگان با آن آمدند و حق و صدقشان را در هنگام بعثتشان و احتجاجشان بر مردم اثبات کردند و این قانون علاوه بر توافق رسالات و کتب آسمانی با آن، محقق می‌تواند آن را راهی قرار دهد اضافه بر همه دلایلی که در گذشته برای اثبات راستی و صدق قائم **احمد الحسن**، در دعوت همه اهل زمین به ایمان به او، ارائه شد و پیوستن به کشتی قبل از اینکه دیر شود.

و آن به سادگی: **(وصیت یا نص، علم و حکمت و پرچم البیعة لله و یا حاکمیت خداوند)** است و اجازه دهید هر خردمندی بنگرد آیا عقل و حکمت غیر از این را می‌گویند؟!

که اگر صاحب کشتی بخواهد شخصی را بر کشتی‌اش موکل سازد تا آن را اداره کند، مطمئناً شخصی را انتخاب خواهد کرد و به او گواهی یا نصی خواهد داد، بر این مبنا که وی آگاهتر از همه در مصلحت امرش (کشتی) می‌باشد، والا اگر کس دیگری را برای این کار انتخاب کند این عملش به نادانی وصف خواهد شد، سپس بعد از انتخابش همه افرادی که در کشتی سوار هستند را به اطاعتش امر می‌کند.

و حال محققان، همه کتاب‌های آسمانی را زیر و رو کنند، و ببینند که آیا فرستادگان به جانشینان و یا کسانی که بعد از آن‌ها می‌آیند وصیت کرده‌اند یا خیر؟

و ببینند که آیا پیامبران و فرستادگان با علمشان و حکمتی که با آن سخن می‌گویند احتجاج کردند یا نه؟

آیا پیامبران، طالب حاکمیت خدا در تورات و انجیل و قرآن بوده‌اند یا خیر؟ سپس به موسی و محمد نگاه کنند - مثلاً - با کسانی که به آن‌ها ایمان آوردند و آنان را پذیرفتند چه کاری غیر از هجرت از سرزمین طاغوت انجام دادند تا حاکمیت خدا را در زمینی دیگر تطبیق دهند؟

پس قضیه برای هر عاقلی که طالب حق است تمام شد، و قانونی که با عقل و نقل در سه دین الهی ثابت شده است را تجاوز نمی‌کند، و بعضی از متون کتب آسمانی را خواهیم آورد:

خدای متعال می‌فرماید: **(وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ)<sup>(۱)</sup> (و هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در روی زمین، جانشینی قرار خواهم داد. فرشتگان گفتند: آیا کسی را در آن قرار می‌دهی که فساد و خونریزی کند؟! ما تسبیح و حمد تو را به جا می‌آوریم، و تو را تقدیس می‌کنیم. فرمود: من حقایقی را می‌دانم که شما**

نمی‌دانید\* سپس علم اسماء را همگی به آدم آموخت. بعد آن‌ها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: (اگر راست می‌گویید، اسامی اینها را به من خبر دهید!). (فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ)<sup>(۱)</sup> (پس چون آن را درست کردم و در آن از روحم دمیدم، همگی برای او سجده کنان به رو درافتید). پس آن‌ها سه مورد هستند:

**الف)** (نص یا وصیت) همان‌طور که خداوند بر آدم نصی داد و اینکه او خلیفه‌اش بر زمین است.

**ب)** (علم) همان‌طور که خداوند آن را به خلیفه‌اش آدم آموخت.

**ج)** (پرچم بیعت لله یا حاکمیت خداوند) همان‌طور که خداوند فرشتگانش را بر سجود به آدم امر کرد.

قائم احمد الحسن فرمود: (این سه مورد قانون خداوند سبحانه و تعالی برای شناخت حجتش بر مردم و خلیفه‌اش بر روی زمین است، و این سه امر قانونی هستند که خداوند آن را برای شناخت خلیفه‌اش از روز اول مرسوم (سنت) کرد، و این سنت الهی تا نهایت دنیا و قیام ساعت جریان خواهد داشت (سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا)<sup>(۲)</sup> (سنت خدا در اقوام گذشته و قبل از این نیز همین بود، و تو هرگز سنت خدا را مبدل نخواهی دید).<sup>(۳)</sup>)

و برای همین قرآن هنگام ذکر پیامبران و فرستادگان بر این سه امر تأکید نمود.

پس درباره وصیت، خدای متعال می‌فرماید: (وَوَصَّي بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَيَعْقُوبَ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ)<sup>(۴)</sup> (و ابراهیم و یعقوب پسران خود را به آیین خود توصیه کردند (و هر یک در وصیت خود گفت) که ای پسران من، بی تردید خداوند این دین را برای شما برگزیده، پس حتما (بکوشید تا) جز در حال اسلام از دنیا نروید) و بلکه وصیت را فرضی واجب و حقی بر تمام نیکوکاران قرار داد. خدای متعال می‌فرماید: (كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْأَقْرَبِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ)<sup>(۵)</sup> (به شما دستور داده شده که چون یکی از شما را مرگ فرا رسد، به پدر و مادر و خویشاوندان، به چیزی شایسته عدل وصیت کند این کار سزاوار مقام پرهیزکاران است).

و خداوند درباره سخن عیسی (علیه السلام) و بشارتش در مورد شخصی که پس از او می‌آید فرمود:

(وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ النُّورِ وَ مُبَشِّرًا

۱ - ص: ۷۲.

۲ - احزاب: ۶۲.

۳ - روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان: ج ۳

۴ - بقره: ۱۳۲.

۵ - بقره: ۱۸۰.



بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدٌ<sup>(۱)</sup>) (و هنگامی که عیسی بن مریم گفت: ای بنی اسرائیل، بی تردید من فرستاده خدا به سوی شمایم در حالی که آنچه را پیش از من آمده که تورات باشد تصدیق کننده‌ام و به فرستاده‌ای که پس از من خواهد آمد که نام او احمد است بشارت دهنده‌ام).

و در تورات: (۱۵ و خداوند به موسی گفت: «اینک ایام مردن تو نزدیک است؛ یوشع را طلب نما و در خیمه اجتماع حاضر شوید تا او را وصیت نمایم.» پس موسی و یوشع رفته، در خیمه اجتماع حاضر شدند.<sup>(۲)</sup>)

همچنین: (۱ و چون ایام وفات داود نزدیک شد، پسر خود سلیمان را وصیت فرموده، گفت: ۲ «من به راه تمامی اهل زمین می‌روم. پس تو قوی و دلیر باش. ۳ و صایای پروردگار، خدای خود را نگاه داشته، به طریق‌های وی سلوک نما، و فرایض و اوامر و احکام و شهادت وی را به نوعی که در تورات موسی مکتوب است، محافظت نما تا در هر کاری که انجام دهی و به هر جایی که توجه نمایی، برخوردار باشی. ۴ و تا آنکه خداوند، کلامی را که درباره من فرموده و گفته است، برقرار دارد که اگر پسران تو راه خویش را حفظ نموده، به تمامی دل و به تمامی جان خود در حضور من به راستی سلوک نمایند، یقین که از تو کسی که بر کرسی اسرائیل بنشیند، مفقود نخواهد شد.<sup>(۳)</sup>)

پس موسی (علیه السلام) در حین وفاتش به یوشع (علیه السلام) وصیت نمود و با آن شناخته شد، و همین‌طور داوود (علیه السلام) هنگام وفاتش سلیمان را با وصیتی انتخاب می‌کند و او با آن شناخته می‌شود، پس این وصیت است که نشان دهنده‌ی خلفای خداوند می‌باشد همان چیزی که پیش‌تر نیز در قرآن خواندیم.

و در انجیل عیسی (علیه السلام) فرمود: (۱۸ من نیز می‌گویم که تویی پطرس، و بر این صخره، کلیسای خود را بنا می‌کنم و قدرت مرگ بر آن استیلا نخواهد یافت. ۱۹ کلیدهای پادشاهی آسمان را به تو می‌دهم. آنچه بر زمین ببندی، در آسمان بسته خواهد شد و آنچه بر زمین بگشایی، در آسمان گشوده خواهد شد...<sup>(۴)</sup>)

و پطرس به شمعون گفت: (ای شمعون، پسر یونا، آیا مرا بیش از اینها محبت می‌کنی؟ او پاسخ داد: بله سرورم؛ تو می‌دانی که دوستت می‌دارم. عیسی به او گفت: از بره‌های من مراقبت کن.<sup>(۵)</sup>)

واضح است که عیسی (علیه السلام) کلیدهای ملکوت آسمان را به پطرس عطا کرد نه به سایرین، چرا؟ و چرا سه بار فقط به او وصیت مراقبت از بره‌هایش (پیروانش) را کرد؟ پس اگر بدانیم که او وصی و خلیفه خدا پس از او بود

---

۱ - صف: ۶.

۲ - تثنیه باب ۳۱.

۳ - پادشاهان اول باب ۲.

۴ - متی باب ۱۶.

۵ - یوحنا باب ۲۱.

علتش را نیز می‌فهمیم، پس این وصیت کردن به او مقابل شاگردانش است تا بدانند که اطاعت از او بعد از عیسی (علیه السلام) واجب است، همان‌طور که در قرآن و تورات نیز ذکر شده است.

و نیز بشارت عیسی (علیه السلام) به معزی در آخر الزمان، و همه اموری که در صفاتش و ایامش ذکر کرد عمل ایشان به این سنت عظیم الهی است، پس متونی واضح نشان‌دهنده صاحب حق بودند، و این قبل از وفات و رفعش اتفاق افتاد.

و ابراهیم (علیه السلام) با علم شناخته شد: (يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا) <sup>(۱)</sup> (ای پدر! علم و دانشی نصیب من شده است که نصیب تو نشده، بنابراین از من پیروی کن تا تو را به راه راست هدایت کنم). و همچنین موسی (علیه السلام): (وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ) <sup>(۲)</sup> (هنگامی که نیرومند و کامل شد حکمت و دانش به او دادیم، و اینگونه نیکوکاران را جزا می‌دهیم). و عیسی (علیه السلام): (وَلَمَّا جَاءَ عِيسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا) <sup>(۳)</sup> (هنگامی که عیسی با دلائل روشن به سراغ آنها آمد گفت من برای شما حکمت آورده‌ام و آمده‌ام تا پاره‌ای از اموری را که در آن اختلاف دارید تبیین کنم، تقوای الهی پیشه کنید و از من اطاعت نمائید).

و محمد (صلی الله علیه و آله): (هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ) <sup>(۴)</sup> (او کسی است که در میان جمعیت درس خوانده رسولی از خودشان برانگیخت تا آیاتش را بر آنها بخواند، و آنها را پاکیزه کند، و کتاب و حکمت بیاموزد، هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند). و همین‌طور همه فرستادگان و پیامبران.

این در قرآن، و هرکس تورات و انجیل را بخواند نیز حکمت پیامبران و علمی که بدان مخصوص شدند را به طور آشکار پیدا خواهد کرد.

و اما دعوت‌شان به حاکمیت خدا و بر افراشته کردن پرچم بیعت با خدا، در این باره کتاب‌های ادیان پر هستند.

همه مسلمانان، روایت می‌کنند که قائم آل محمد، خلیفه‌ای از خلفای خداوند در زمین می‌باشد و سرپیچی از ایشان و خوار نمودن او حرام است. بلکه پیامبر آنان و خاندان پاکش، هنگام بالا بردن پرچم و آغاز دعوتش، به رفتن به سمتش دستور دادند؛ هر چند سینه خیز بر روی برف‌ها.

۱ - مریم: ۴۳.

۲ - یوسف: ۲۲.

۳ - الزخرف: ۶۳.

۴ - جمعه: ۲.

اهل سنت حدیث نبی را روایت می کنند؛ رسول الله ﷺ فرمود: (سپس پرچم های سیاه از سمت مشرق بیرون می آیند و با آنها جنگ سختی در می گیرد ... پس اگر او را دیدید با او بیعت کنید حتی اگر مجبور باشید بر روی برف ها سینه خیز بروید، زیرا او خلیفه الله مهدی می باشد).<sup>(۱)</sup>

و آن گونه که شیعیان روایت می کنند. رسول الله ﷺ فرمود: (روز قیامت فرا نمی رسد مگر آنکه از بین ما «قائم حقیقی» قیام نماید. و آن قیام، زمانی خواهد بود که خدای عزوجل او را اجازه فرماید. هر کس پیرو او باشد نجات می یابد و هر که از فرمانش تخلف ورزد، هلاک می شود. ای بندگان خدا! خدا را، خدا را؛ بر شما باد که به نزدش آید اگرچه سینه خیز بر روی یخ و برف. زیرا او خلیفه خدای عزوجل و جانشین من است).<sup>(۲)</sup>

و کسی که به سوی سینه خیز بر روی برف ها می شتابند، خلیفه امام مهدی و فرزندش (احمد) است.

رسول الله ﷺ فرمود: (اگر دیدید که پرچم های سیاه از خراسان می آیند، پس بسوی آن بشتابید، ولو سینه خیز بر روی برف و یخ. زیرا خلیفه الله مهدی در آن است).<sup>(۳)</sup> و بحث در گذشته در این مورد انجام شد پس تکرار نمی کنیم.

و به دلیل اینکه وصیت و علم ضمن قانون الهی هستند که با آن خلفا و فرستادگان شناخته می شوند، امام صادق (علیه السلام) در جواب حارث ابن مغیره نضری هنگامی که از او پرسید: صاحب این امر با چه چیزی شناخته می شود؟ فرمود: (بالسکینه والوقار والعلم والوصیه) (با آرامش و وقار و علم و وصیت).<sup>(۴)</sup>

و امروز ای مردم... قائم احمد الحسن (علیه السلام) با چه چیزی بر شما احتجاج کرد؟ آیا با وصیت و ده ها متن واضح که برخی از آنها را در قسمت هایی از بحث گذشته نمایان کردیم نیامد؟ و همانا که تطبیق آنها را از لحاظ نام و نسب و صفت و محل سکونت و زمان و ... و ... دیدیم، و این موارد همان ادله ای هستند که در قرآن و انجیل و تورات برای شناخت فرستادگان خدا و خلفایش ذکر شده اند.

و نیز با علمی که خداوند سبحان بر او اراده کرده احتجاج می کند، و خواست امتحان برای مردم آسان شود وقتی که بزرگان ادیان را برای مناظره با اهل هر کتابی با کتاب خود که به آن اعتقاد دارند دعوت نمود، و هنگامی که همه از این امر دریغ کردند حضرت آغاز به نشر آن علمی کردند که در آنها جواب سؤالات مسلمانان و مسیحیان و دیگران نهفته است، و مطالعه ای تمام مواردی که درباره ی لاهوت و آسمان ها و ملکوت و پیامبران خدا و فرستادگانش و مقامات و اوصافشان و حلال خدا و حرامش و شرایعش و غیره می باشد،

۱ - سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۳۶۷ ح ۴۰۸۴.

۲ - دلائل الامامه: طبری ص ۴۲۵.

۳ - ملاحم و فتن: لابن طاووس ص ۵۴ چاپخانه حیدریه.

۴ - الخصال للصدوق: ص ۲۰۰.

امکان‌پذیر است و بدانید هر نتیجه‌ای که از نصوص کتاب‌های مقدس در اینجا گرفته‌ام چیزی نیست به جز قطره‌ای از دریای علم فراوان ایشان ... جانم فدایش.

و اما دعوت مردم به الله و حاکمیت الله، ایشان از میان همه مردم زمین در این امر یگانه است و بعد از اعتراف همه به دستورها و قوانین و روش‌های وضعی که البته نتیجه‌اش را امروز با توجه به پر شدن زمین از ظلم و ستم و فساد و در جوانب گوناگون زندگی انسان ایجاد شده است را می‌بینیم.

و بعد از این، هزاران رؤیای صادقه و ملکوت عظیم شهادتی است کافی برای بیان حقانیت قائم احمد (علیه السلام) و صدق ایشان، علاوه بر این زندگی‌نامه معطرش و رفتار و کردار برجسته‌اش و صفات انسانی عظیمش که انسان از بیان آن‌ها عاجز می‌ماند.

و اما اهداف دعوتش، که ایشان (علیه السلام) با این جمله‌ها آن را این‌گونه بیان می‌کند:

(عیسی (علیه السلام) فرمود: بنی آدم تنها با غذا زنده نمی‌شود بلکه با کلمه الله زنده می‌شود و من بنده الله به شما می‌گویم با غذا فرزند آدم می‌میرد و با کلمه الله زنده می‌شود، پس دعوت من همانند دعوت نوح (علیه السلام) و همانند دعوت ابراهیم (علیه السلام) و همانند دعوت موسی (علیه السلام) و همانند دعوت محمد (صلی الله علیه و آله) است اینکه توحید در سراسر این زمین گسترده شود، هدف پیامبران و اوصیا همان هدف من است و اینکه تورات و انجیل و قرآن را بیان کنم و آنچه که درباره‌اش دچار اختلاف شدید، و انحراف علمای یهود و نصرانی و مسلمانان و خروج‌شان از شریعت الهی و نقض وصایای پیامبران را نمایان کنم، اراده من، همان اراده خداوند سبحان و خواست اوست، اینکه مردم زمین، فقط چیزی را بخواهند که خداوند سبحان و متعال می‌خواهد. اینکه زمین همان‌طور که پُر از ستم و جور شده است، از عدل و داد پُر شود. اینکه گرسنگان سیر شوند و در زمین نیازمندی باقی نماند. اینکه آیتام پس از اندوه طولانی خوشحال شوند و بیوه زنان نیازهای مادی خود را با بزرگی و احترام به دست بیاورند. اینکه... و اینکه... اینکه مهم‌ترین مسئله‌ای که در شریعت است، اجرا شود؛ عدل و مهربانی و راستی).<sup>(۱)</sup>

و اگر همه این‌ها برای اثبات حقانیت و صدق فرستاده کافی نباشد، پس فرستادگان خدا و خلفایش با چه احتجاج کنند؟! و آیا هرکسی می‌تواند این عدد فراوان از متون مقدس که برخی از آن‌ها ارائه شد را در یک جا جمع کند و ملکوت را برای شهادت به خود رام نماید؟ آیا مؤمن به خدا چنین سخنی را قبول دارد؟ پس برای اهل زمین چه چیزی مانده که به آن اعتقاد دارند تا به وسیله آن بر آن‌ها احتجاج کنیم؟ وقت آمدن مصلح جهانی‌ای که در انتظارش هستند چگونه به او ایمان می‌آورند اگر واقعاً در انتظار منجی باشند تا آن‌ها را از حالشان نجات دهد؟!

و اگر قائم احمد (علیه السلام) همان منجی و مصلح جهانی موعود و حکمفرما بر متون آسمانی اهل زمین نبود،

نمی‌توانست آنچه درکش برای همه اهل ادیان در طول این سال‌ها متشابه مانده بود را محکم نماید.

که از طریق نشان دادن بعضی از آن‌ها به این نتیجه رسیدیم:

(قائم فرستاده‌ای از طرف امام مهدی (علیه السلام) و یمانی موعود، و مهدی اول، و همان مهدی که در آخر الزمان متولد می‌شود، و مردی از اهل بیت و از فرزندان علی و فاطمه (علیهم السلام) و امام هدی، و امیر لشکر غضب (خشم) و طالع مشرق و امام سیزدهم و...) نزد مسلمانان (قائم، فرستاده‌ای از جانب عیسی (علیه السلام) و بنده حکیم و دانا و معزی، و سیزدهمین و منجی و بره‌ای که بر روی کوه، یاران پدرش را جمع می‌کند، و سنگی که رأس الزاویه شد و شبیه و فرزند انسان و...) نزد مسیحیان، (قائم، نهالی از تنه یسی، و آقایی که باز می‌گردد و منجی و شیر از سبط یهودا، و بره ذبح شده، و سنگی که رأس الزاویه شد و مثل فرزند انسان... و) نزد یهودیان = (قائم، احمد، منجی و مخلص جهانی موعود).

\*\*\*

## ۱۹. سخن آخر:

در پایان کافی است مسلمانان را یادآوری کنم به قضیه‌ای که علی‌رغم اختلاف‌شان بر آن در اغلب قضایا اجماع دارند، و آن وصیت نبی‌شان محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) است که فرمود: (ینی تارک فیکم ما إن تمسکتکم به لن تضلوا بعدی أبداً کتاب الله وعترتی أهل بیتی). (همانا دو چیز در میان شما باقی می‌گذارم که اگر پس از من به آن‌ها چنگ زنید هرگز گمراه نمی‌شوید، کتاب خدا و عترتم خاندان من).

و سپس آن‌ها را دعوت می‌کنم به نگاهی بر آن چه که قائم احمد (علیه السلام) آورده و سوال این است:

آیا ادله‌اش را خلاف آنچه پیامبرشان ذکر کرد، یافتند؟ آیا مگر در آن چه گذشت با هم نخواندیم و دیدیم قرآن و کلام محمد و آل محمد برای وی گواهی می‌دهند، اکنون بعد از این چه می‌خواهند؟! چه چیزی در ذهن‌شان می‌گذرد که به محمد (صلی الله علیه و آله) در مورد فرزندش قائم انصاف نکردند در حالی که ادعای مسلمانی دارند؟

خداوند متعال فرمود: (أَفَلَا يَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا) <sup>(۱)</sup> (آیا درباره قرآن نمی‌اندیشند که اگر از ناحیه غیر خدا بود اختلافات فراوانی در آن می‌یافتند).

این آیه را بخوانید و سپس به ادله قائم احمد (علیه السلام) رجوع کنید که قرآن و روایات محمد و خاندانش و انجیل و تورات به آن‌ها شهادت می‌دهند، و آنگاه آن‌ها را در کمال انتظام و تسلسل خواهید یافت که یکی به دیگری گواهی می‌دهد، و اگر منبع و منشاء آن کس دیگری غیر از خدا بود پس در آن اختلاف بسیاری پیدا می‌کردید

همان گونه که خداوند سبحان فرمود و لیکن آن‌ها را دیدید که با هم تفاوتی ندارند، پس در این حال آن‌ها از طرف خدا هستند، و احمد ولی الله و قائم موعود است.

و اما کلمه آخر من به مسیحیان یاد آوری ایست از کلام عیسی (علیه السلام) که می‌فرماید: (۱۷... هر حکومتی که بر ضد خود تجزیه شود، نابود خواهد شد، و هر خانه‌ای که بر ضد خود تجزیه شود، فروخواهد ریخت. ۱۸ اگر شیطان نیز بر ضد خود تجزیه شود، چگونه حکومتش پابرجا ماند؟).<sup>(۱)</sup>

و سپس می‌گوییم: اینک شما برهان قائم و معزی و منجی احمد را در مورد بعضی از آن چه که نزدتان است و آن را تأیید می‌کنید شنیدید، و هدف دعوتش در نشر وصیت پیامبران و فرستادگان خداوند سبحان، و پر شدن زمین از عدل و رحمت و راستی، و سیر شدن گرسنگان و یاری فقرا، و محرومان و شاد کردن دل‌های یتیمان و مساکین، و حفظ کرامت انسان و حقش و مفاهیم دیگری که اهل زمین بیش از هر زمان دیگری به آن نیاز دارند.

بنابراین آیا او را بر غیر حق می‌بینید و اینکه این مسئله از او سر می‌زند؟ آیا فراموش کردن سخن عیسی باعث شرم نیست؟ (هر حکومتی که بر ضد خود تجزیه شود، نابود خواهد شد، و هر خانه‌ای که بر ضد خود تجزیه شود، فرو خواهد ریخت. ۱۸ اگر شیطان نیز بر ضد خود تجزیه شود، چگونه حکومتش پابرجا ماند؟) و این جمله را معیاری برای مقایسه کردن آنچه احمد (علیه السلام) آورده است قرار نمی‌دهید تا بدانید که او از طرف خداست؟ آیا این همان ترازوی عیسی (علیه السلام) نیست؟ پس چرا از آن رویگردان می‌شوید؟ آیا به بعضی از کتاب‌تان ایمان دارید و به بعضی دیگر کفر می‌ورزید؟

به آنچه که شما را دعوت می‌کند نظر کنید، و حکمت و دعوت به خیر و حق و اخلاق نیک و کرمی که در او نهفته است، پس چگونه به خیال خودتان اجازه می‌دهید که کار او را در اشتباه بیندازد و او به دور است، اینکه او ظلمتی از شیطان نادان است، کسی که دعوت به باطل و شر و به هرچیز بد می‌کند، آیا شیطان بر ضد خود تجزیه شده؟ آیا مملکت شیطان بر روی خود تجزیه شده است؟ آیا این گونه عیسی (علیه السلام) به شما یاد نداد تا حق را از باطل تشخیص دهید؟

پس آیا شما امروز از تشخیص دادن میان حکمت و حماقت عاجزید، میان خوبی و بدی، میان حق و باطل، میان نیکی و هرچیز بد؟ و آیا شما اعتقاد دارید که شیطان و حکومتش بر خود مجزا شده، پس باری به نیکی و حق و باری به شر و باطل دعوت می‌کند؟ هرگز و قسم به پروردگار پیامبران و فرستادگان چنین امری محال است.

والحمد لله رب العالمین

## فہرست مطالب

۱. اولیائی کہ خداوند متعال برای روز معلوم ذخیرہ کردہ است: ..... ۴
۲. رسالت و رسول قبل از عذاب: ..... ۶
۳. صفات فرستادہ موعود: ..... ۹
۴. روز رسیدن فرستادہ موعود منتظر: ..... ۱۱
۵. فرستادہ موعود چگونه می آید؟ ..... ۱۵
۶. علامات روز قائم موعود: ..... ۱۹
۷. اصلاح طلب جهانی از مشرق آغاز می کند (عراق): ..... ۲۵
۸. احمد همان فردی است کہ بر ابر می آید. آیا واضح تر از اینکہ آسمان، (نام) اورا با ابرہایی از دود نوشتہ است!! ..... ۲۹
۹. احمد شبیہ عیسی مصلوب و آقایی کہ دوبارہ بازمی گردد: ..... ۳۳
۱۰. وصیت محمد ﷺ مکاشفہ یوحنا لاهوتی را تفسیر می کند: ..... ۳۷
۱۱. قائم احمد... آن سیزدہمین از بیست و چہار امام است: ..... ۳۹
۱۲. قائم احمد... جوانہای از محمد ﷺ و شاخہای از یعقوب و نوحہ یہودا: ..... ۴۱
۱۳. احمد، صاحب ہدایتگرترین پرچم و شخصی کہ پرچم امت ہا را برافراشتہ می کند: ..... ۴۴
۱۴. احمد رہبر پرچمہای سیاہ و جامع (جمع کنندہ) یاران پدرش (برگزیدگان): ..... ۴۷

۱۵. (امت قائم احمد) امت عمل‌کننده به ثمره‌ی ملکوت: ..... ۵۱
۱۶. و از دانیال نبی جملاتی در مورد قائم (احمد) وجود دارد: ..... ۵۵
۱۷. احمد... سنگ زاویه، بریده‌ای از محمد ﷺ که راس زاویه شد: ..... ۵۷
۱۸. قانون الهی در شناخت فرستادگان (خلفای خداوند): ..... ۶۳
۱۹. سخن آخر: ..... ۶۹